

نَوای دلدادگان

در استغاثه به امام زمان علیه السلام

نویسنده

غلامحسین کمیلی

کمیلی، غلامحسین، ۱۳۲۶ -
نوای دلدادگان. در استغاثه به امام زمان (ع) / نویسنده غلامحسین کمیلی. - مشهد، نورالمبین،
۱۳۸۸.

ISBN 978-600-91255-2-4

۱۸۰ ص. ۲۵۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
۱. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق - - غیبت ۲. محمد بن حسن (عج)، امام
دوازدهم، ۲۵۵ق - - شعر ۳. مهدویت - - انتظار. ۴. دعاها.

۲۹۷/۴۶۲

۱۹۰۱۲۵۴

BP ۲۲۴ / ۴ / ک ۸ ن ۱۳۸۸

کتابخانه ملی ایران

نوای دلدادگان

در استغاثه به امام زمان (عج)

غلامحسین کمیلی

چاپ اول: ۱۳۸۸ / ۳۰۰۰ نسخه

ناشر: انتشارات نورالمبین

چاپ و صحافی: دقت

قیمت: ۲۵۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۲۵۵-۲-۴

حق چاپ محفوظ است

فهرست مطالب

تقدیم.....	۷
سخن نخست.....	۹

بخش اول: نگاهی به زندگی حضرت مهدی علیه السلام

فصل ۱: از ولادت تا آغاز امامت.....	۱۳
قرآن و نوید از امام مهدی <small>علیه السلام</small>	۱۵
نویدهای پیامبر و امامان نور <small>علیهم السلام</small>	۱۸
اعتراف دانشمندان اهل سنت.....	۲۰
فصل ۲: دوره غیبت صغری.....	۲۲
غیبت صغری و نایبان خاص.....	۲۲
مدعیان دروغین نمایندگی.....	۲۶
۱- حسن شریعی.....	۲۷
۲- محمدبن نصیر نمیری.....	۲۷
۳- شلمغانی.....	۲۸
سرداب.....	۲۹
فصل ۳: غیبت کبری (طولانی مدت).....	۳۰
حکومت اسلامی در عصر انتظار.....	۳۱
امکان عمر طولانی.....	۳۵
فائده امام غایب.....	۳۹
سبب تاخیر ظهور.....	۴۲
ملاقات با امام زمان <small>علیه السلام</small>	۴۴
تشرف یافتگان در غیبت کبری.....	۴۷
۱- اسماعیل ا شفا یافتی و رستگار شدی.....	۴۸
۲- قضیه مقدس اردبیلی.....	۵۳

فصل ۴: انتظار یار	۶۰
عوامل زمینه ساز ظهور	۶۰
زنان و زمینه سازی ظهور	۶۵
اصحاب و انصار حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	۶۵
امتیازات یاران حضرت	۶۶
شیعه در عصر ظهور	۶۷

بخش دوم: استغاثه به حضرت مهدی علیه السلام

فصل ۱: کاوش معنایی و کاربرد قرآنی	۷۱
فصل ۲: مشروعیت استغاثه	۷۶
استغاثه در قرآن	۷۷
استغاثه در روایات	۸۰
ابعاد ولایت امامان <small>علیهم السلام</small>	۸۴
روش حاجت خواستن	۸۷
امام مظهر صفات جمال و جلال	۸۸
امام، امان امت	۸۹
استعداد فوق العاده انسان	۹۱
استغاثه به صاحب زمان <small>علیه السلام</small> یک وظیفه	۹۲
فصل ۳: شرایط استغاثه	۹۴
الف) شرایط استغاثه کننده:	۹۴
ب) شرایط استغاثه	۹۵
فصل ۴: شیوه‌های استغاثه	۹۷
۱- طاعت و بندگی خدای متعال	۹۷
۲- انس با قرآن	۹۷
۳- وسیله قرار دادن حضرت	۹۸
۴- استفاده از نماز استغاثه	۹۹
۵- نماز منسوب به امام زمان <small>علیه السلام</small>	۱۰۰
۶- عریضه نگاری	۱۰۳
۷- حج و عمره	۱۰۴

- ۸- زیارت امامان معصوم..... ۱۰۵
- ۹- حضور در مساجد..... ۱۰۵
- ۹- زیارت و پیمان هر روزه با امام..... ۱۰۶
- ۱۰- اقامه عزاداری اهلبیت..... ۱۰۶
- ۱۱- توجه و استغاثه به حضرت در روز جمعه..... ۱۰۶
- ۱۲- بزرگداشت نماز جمعه..... ۱۰۷
- ۱۳- اهتمام به نماز..... ۱۰۷
- ۱۴- نماز شب و شب زنده داری..... ۱۰۷
- فصل ۵: اشعاری در استغاثه..... ۱۰۸
- ۱- استغاثه / غروی اصفهانی /..... ۱۰۸
- ۲- خاک ره یار / حافظ /..... ۱۰۹
- ۳- فراق تا کی / فیض کاشانی /..... ۱۱۰
- ۴- روز وصل / امام خمینی «ره» /..... ۱۱۰
- ۵- بانگ جرس / آیت الله خامنه‌ای دامت برکاته /..... ۱۱۱
- ۶- هجران / شهید حسین شاهد /..... ۱۱۱
- ۷- امام منتظر / علیرضا کمیلی /..... ۱۱۲
- ۸- جان جهان / غلامحسین کمیلی /..... ۱۱۲
- ۹- با تو بودن / غلامحسین کمیلی /..... ۱۱۲
- خاتمه در ذکر چند دعا..... ۱۱۴
- ۱- دعای کمیل..... ۱۱۴
- ۲- دعای یستشیر..... ۱۲۰
- ۳- دعای صباح حضرت امیر المؤمنین علیه السلام..... ۱۲۲
- ۴- مناجات امام علی علیه السلام..... ۱۲۴
- ۵- دعای سمات..... ۱۲۶
- ۶- مناجات شعبانیه..... ۱۳۰
- ۷- دعای افتتاح..... ۱۳۳
- ۸- دعای منسوب به امام..... ۱۳۷

- ۹- دعای توسل..... ۱۳۸
- ۱۰- دعای ندبه..... ۱۴۱
- ۱۱- زیارت عاشورا..... ۱۴۶
- ۱۲- صلوات ضراب اصفهانی..... ۱۴۹
- ۱۳- دعای عهد..... ۱۵۱
- ۱۴- زیارت آل یس..... ۱۵۳
- ۱۵- دعای امام رضا علیه السلام..... ۱۵۶
- ۱۶- دعای معرفت..... ۱۵۸
- به کسانی که منصف هستند..... ۱۶۲

فهرست منابع..... ۱۶۵

تقدیم

به عبد صالح خدای متعال، آخرین حجت الاهی، یادگار امامان معصوم علیهم السلام،
کهف محکم الاهی، فریادرس فریاد خواهان، موعود موجود، حضرت حجت بن
الحسن المهدی «روحی فدا»، باشد که مقبول آن عزیز افتد و استغاثه کنندگان
به حضرتش را سود دهد.

سخن نخست

در یکی از سال‌های هجری شمسی، تصمیم به خرید منزلی گرفتیم، بگذریم از این که چقدر به این طرف و آن طرف رفتیم، تا خانه‌ای سازگار با شرایط وام پیدا نماییم، تنها به این بسنده می‌کنم که اگر کسی قصد خرید منزلی داشت، تا چند ماه اطلاعات خوبی داشتیم.

روزی با یکی از دوستان پژوهشگر، راجع به مشکلات دریافت وام و خرید منزل گفتگو می‌کردم، حرف جالبی زد، او گفت: فلانی! وقتی برای خرید و تهیه منزل دنیایی این قدر تلاش و کوشش لازم است، پس برای فراهم نمودن سرای آخرت چه باید کرد؟!

براستی برای آخرت خود چقدر تلاش می‌کنیم؟! آیا آن گونه که به فکر رفاه و آسایش دنیای خود هستیم، در اندیشه آبادانی آخرت خویش هستیم؟!
عمر انسان کابین سعادت اوست، ما چقدر از این سرمایه گران بها در مسیر قرب الهی و سعادت ابدی خویش بهره برده‌ایم؟!

امیدوارم به دعای خیر حضرت مهدی علیه السلام، با عزمی راسخ قله‌های کمال را در نوردیم و لحظه‌های پر شتاب و ارزنده عمر را قدر دانیم و با توسن تقوا، شایستگی همنشینی با نیکان را پیدا کنیم، زیرا بهشت را به بها دهند و به بهانه ندهند «إن الجنة حفت بالمکاره و إن النار حفت بالشهوات».

بالاخره به فضل الهی خانه‌ای خریداری نمودیم ولی... در دل یکی از شبها در حالی که دست فرزند خردسالم را گرفته بودم و به مشکلات فردا می‌اندیشیدم لحظه‌ای به مولایم حضرت مهدی - روحی فدا - متوسل شده و تصمیم گرفتم

که اگر مانع برطرف گردد نوشته‌ای در باره آن وجود مبارک و نازنین بنویسم؛ به فضل الاهی و دعای خیر آن عزیز- روحی فداه - فردای همان شب مانع برطرف شد، از میان موضوعات گوناگون، «استغاثه» به آن حضرت را مناسب دیده و برگزیدم.

این نگاشته در دو بخش و یک خاتمه تنظیم شده است. در بخش نخست، با نگاهی کوتاه به زندگانی آن حضرت، نکاتی سودمند در چند فصل تقدیم خوانندگان عزیز خواهد شد.

بخش دوم این اثر شامل مباحثی در باره استغاثه و توسل به آن وجود مقدس می‌باشد که در چند فصل تقدیم متوسلان به آن یگانه دوران می‌گردد.

در آخر نیز در ضمن خاتمه‌ای، برخی دعاها که لازم بود در این نگاشته بیاید، افزوده شد تا مجموعه آماده‌ای برای استغاثه‌کنندگان امام زمان علیه السلام بوده باشد.

برخود لازم می‌دانم از همسر فداکارم خانم برهانی و فرزندان عزیزم احمد رضا و فاطمه و زینب که با اینجانب همکاری نموده و زمینه نگارش این اثر را فراهم آوردند تشکر نمایم.

از برادر گرامی ام آقای علیرضا کمیلی که در دو شعر اینجانب اصلاحاتی انجام داده و خود قطعه شعری را به این مجموعه تقدیم کردند نیز تشکر می‌کنم. همچنین از تمامی دوستانی که در چاپ و نشر این اثر همکاری داشته و دارند سپاسگذارم.

امیدوارم این بضاعت مزجات، مقبول آن عزیز افتد و برای استغاثه‌کنندگان به حضرتش سودمند بوده و توشه‌ای باشد برای روزی که کالاهای مادی و پست و مقام‌های دنیایی و دلبستگی‌های به آن هیچ ارزشی ندارد، و تنها قلب سالم و پاک ارج و منزلت دارد.

بخش اول

نگاهی به زندگی حضرت مهدی علیه السلام

فصل ۱

از ولادت تا آغاز امامت

آن حضرت در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری دیده به جهان گشود، پدر بزرگوارش حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و مادر مکرمه‌اش بانو نرجس علیها السلام است.

هنگام رحلت پدرشان پنج ساله بودند در همان اوان خداوند درهای حکمت و فصل الخطاب را بر وی گشود و او را نشانه‌ای برای جهانیان قرار داد و مانند حضرت یحیی علیه السلام در کودکی به او حکمت داده و بسان عیسی علیه السلام که در گهواره پیامبر برگزیده بود، آن حضرت را پیشوای اهل ایمان قرار داد.^۱

از حضرت «حکیمه» دختر گرانقدر امام جواد علیه السلام روایت شده است: حضرت عسکری علیه السلام پیام رسانی بسوی من گسیل داشت و مرا بنخانه خویش فرا خواند. هنگامی که وارد شدم فرمود: «عمه جان! افطار امشب را نزد ما باش چرا که امشب، شب مبارک پانزدهم شعبان است و در چنین شبی خداوند، جهان را به نور وجود حجت خویش، نور باران خواهد ساخت».

پرسیدم: سرورم! مادر او کیست؟

فرمود: نرجس، بانوی بانوان.

گفتم: فدایت گردم! من در او هیچ نشانی از آنچه نوید می‌دهید نمی‌بینم.

فرمود: حقیقت همان است که گفتم، آماده باش!

۱. نک: /ارشاد، شیخ مفید، مترجم: محمد باقر ساعدی خراسانی، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۱ش، ص ۶۷۲.

پس از این گفتگو به خانه «نرجس» آمدم و به او گفتم: دخترم! همین امشب خداوند پسری گرانمایه به تو ارزانی خواهد داشت پسری که سرور دنیا و آخرت خواهد بود.

نیمه شب بود که برای نافله شب پیا خاستم. نماز را خواندم، دیدم «نرجس» خواب است و حادثه ای رخ نداده است، به تعقیبات نماز نشستم و بار دیگر خوابیدم و بیدار شدم، اما دیدم او هنوز در خواب است.

پس از آن بود که او برای نافله شب پیا خاست و نماز را در اوج ایمان و اخلاص بجا آورد و با شور و عشق وصف ناپذیری به نیایش نشست.

از تحقق نوید حضرت عسکری علیه السلام دچار تردید می‌شدم که آن حضرت از اطاق خویش مرا مخاطب ساخت و فرمود: عمه جان! شتاب موز که تحقق وعده الاهی نزدیک است.

پس از نظاره به افق به اطاق باز می‌گشتم که دیدم «نرجس» نماز را به پایان برده است و به خود می‌پیچد. جلو درب اطاق به او رسیدم که می‌خواست از اطاق خارج گردد، پرسیدم: آیا از آنچه در انتظارش بودم، چیزی حس نمی‌کنی؟ پاسخ داد: آری عمه جان!

گفتم: خدا نگاهدارت بادا خود را مهیا ساز و بر او اعتماد نما که لحظات تحقق آن وعده مبارک فرا رسیده است. و آنگاه بسان یک مددکار دلسوز به یاری او کمر همت بستم!

برخی از حق ستیزان در ولادت حضرت مهدی علیه السلام تردید نموده و می‌گویند منبع این خبر، تنها بانویی به نام (حکیمه) است و با گواهی یک زن، چگونه واقعیت به این بزرگی، ثابت می‌شود؟

این گونه عناصر حق ستیز، گویی انتظار دارند ولادت آن وجود گرانمایه در

۱. نک: محمد کاظم قزوینی، امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور، ترجمه و تحقیق: علی کرمی و محمد حسینی، نشر الهادی، قم، چهارم، ۱۳۸۱ش، ص ۱۸۸-۱۹۰.

برابر دیدگان توده‌های مردم باشد تا برای این منحرفان ثابت گردد. واقعیت این است که ولادت کودک با گواهی زنان خانواده ثابت می‌شود، اما در مورد حضرت مهدی علیه السلام گواهی «حکیمه» آن بانوی بزرگ تنها دلیل نیست، خود حضرت عسکری علیه السلام نخستین شاهد ولادت فرزندش بود و همو بود که در آن جو وحشت و ترور، با وجود موانع و فقدان امکانات برای پیام رسانی، باز هم از هیچ تلاش، کوشش و فداکاری فروگذاری نکرد و تا سرحد امکان، ولادت نور را به دوستان خانندان وحی و رسالت اعلان کرد^۱.

احمد بن اسحاق گوید: شنیدم که حضرت عسکری علیه السلام می‌فرمود: «الحمد لله الذي لم يخرجني من الدنيا حتى أراني الخلف من بعدى، أشبه الناس برسول الله صلى الله عليه وآله خلقا وخلقا، يحفظه الله تبارك و تعالی في غيبته ثم يظهره فيملا الأرض عدلا و قسطا كما ملئت جورا و ظلما^۲؛ خدای را سپاس که مرا از جهان بیرون نبرد تا جانشین پس از مرا به من نشان داد. پسرم در چهره، خلق و خوی شبیه‌ترین مردم به پیامبر خداست. خداوند او را در دوران غیبتش حفظ خواهد کرد و آن گاه او را فرمان ظهور خواهد داد و زمین را لبریز از عدل خواهد ساخت همانگونه که از ستم لبریز است.

قرآن و نوید از امام مهدی علیه السلام

قرآن از امام مهدی علیه السلام و برپایی حکومت مهر و عدل او، در آیات بسیاری سخن گفته است که در ذیل تنها به چند نمونه بسنده می‌کنیم:

۱- «و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین و نمکن لهم فی الارض و نری فرعون و هامان و جنودهما منهم

۱. همان، ص ۱۹۸-۱۹۹.

۲. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، تحقیق: علی اکبر غفاری، موسسه النشر الاسلامی، محرم ۱۴۰۵، ص ۴۰۹.

ما کانوا یحذرون»^۱؛ ما اراده کردیم به کسانی که در روی زمین تضعیف شده‌اند نعمتی گران، ارزانی داریم و آنان را پیشوایان و آنان را وارثان گردانیم و به آنان در زمین منزلتی شایسته دهیم و به فرعون و هامان و سپاهیانشان چیزی را که می‌هراسیدند، نشان دهیم.

امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام در تأویل این آیه شریفه می‌فرماید: دنیا پس از سرکشی، بسان شتری که از دادن شیر به دوشنده‌اش خودداری می‌کند و آن را برای بچه‌اش نگه می‌دارد، به ما روی خواهد آورد.^۲

ابن ابی الحدید از دانشمندان اهل سنت در این مورد می‌نویسد: بزرگان دینی و همفکران ما، تصریح می‌کنند که این بیان امیر مؤمنان علیه السلام نوید از آمدن پیشوای بزرگی است که فرمانروای زمین می‌گردد و همه کشورها در قلمرو قدرت او قرار می‌گیرند.^۳

حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند: مستضعفان یاد شده در قرآن کریم که خداوند اراده فرموده است آنان را پیشوای مردم روی زمین قرار دهد ما خاندان پیامبریم. خداوند سرانجام (مهدی) این خانواده را بر می‌انگیزد و بوسیله او، آنان را به اوج شکوه می‌رساند و دشمنانشان را به ذلت می‌کشد.^۴

۲- «وعد الله الذین آمنوا و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم ولیبدلنهم من بعد خوفهم امنا یعبدوننی لایشرکون بی شیئا و من کفر بعد ذلک فاولئک هم الفاسقون»^۵؛ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده داده است که آنان را در روی زمین جانشین دیگران سازد همانگونه

۱. قصص / ۵-۶.

۲. نک: نهج البلاغه، قصار ۲۰۹.

۳. نک: ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۲۹.

۴. نک: محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۳.

۵. نور، ۵۵.

که مردمی را که پیش از آنان بودند جانشین دیگران کرد و دینشان را - که خود برایشان پسندیده است - استوار سازد و وحشت شان را به امنیت تبدیل کند، تا تنها مرا بپرستند و چیزی را با من شریک نگیرند. و آنان که از آن پس، راه کفر و ناسپاسی در پیش گیرند، نافرمانند.

معنای این نوید قرآنی آن است که روزگاری در پیش است که بر سراسر گیتی اسلام حاکم می‌گردد و مسلمانان بدون هیچ هراس و دلهره‌ای برنامه‌های انسان ساز دینی خود را بر پای می‌دارند و اسلام، تدبیر امور و تنظیم شئون بشریت را بدست می‌گیرد.

از چهارمین امام نورعلیه^{علیه السلام} آورده‌اند که آیه مورد بحث را، تلاوت کرد و فرمود: بخدا سوگند این مؤمنان شایسته کردار، شیعیان ما اهل بیت هستند و خداوند این نوید را بدست بزرگ مردی از ما تحقق خواهد بخشید، او مهدی این امت است و کسی که پیامبر^{صلی الله علیه و آله} در باره او فرمود: اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن روز را آنقدر طولانی خواهد ساخت تا مردی از عترت من که نامش، نام من است بر جهان حکومت کند و زمین را پر از عدل و داد سازد.^۱

۳- «و لقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون»^۲؛ در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد.

مرحوم طبرسی «ره» از پنجمین امام نورعلیه^{علیه السلام} آورده است که فرمود: «هم اصحاب المهدی فی آخر الزمان»^۳؛ اینان یاران حضرت مهدی^{علیه السلام} در آخر الزمان هستند.

۱. نک: شیخ حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۶۲۰.

۲. انبیاء، ۱۰۵.

۳. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۱۲۰.

مرحوم شیخ طوسی «ره» در تفسیر آیه شریفه از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که: «ان ذلک وعد الله للمؤمنین بانهم یرثون جمیع الارض^۱؛ این وعده قطعی خدا بر مؤمنان است که آنان تمامی زمین را به ارث خواهند برد.

نویدهای پیامبر و امامان نور علیهم السلام

۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: جانشینان من و حجت‌های خدا بر مردم پس از من، دوازده نفرند، نخستین آنان برادر من و آخرین شان فرزندم می‌باشد. پرسیدند: برادر شما کیست ای پیامبر خدا؟

فرمود: علی بن ابی طالب.

پرسیدند: فرزندانان کیست؟

فرمود: فرزندم، مهدی است که زمین را لبریز از عدل و داد می‌کند، همانگونه که از بیداد در آستانه ظهور او لبریز شده است. به خدایی که مرا به حق و بشارت دهنده برانگیخت اگر از دنیا تنها یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن روز را آنقدر طولانی خواهد ساخت، تا فرزندم مهدی علیه السلام ظهور کند، آنگاه عیسی بن مریم از آسمان فرود می‌آید و به امامت او، نماز می‌گذارد و زمین به نور پروردگارش نور باران می‌گردد و حکومت او به شرق و غرب گیتی گسترش می‌یابد.^۲

۲- امام صادق علیه السلام می‌فرمود: «لکل اناس دولة یرقبونها و دولتنا فی آخر الدهر تظهر»^۳

برای هر گروهی، دولت و حکومتی است که انتظارش را می‌کشند و حکومت عادلانه و جهانی ما، در آخرالزمان پدیدار خواهد شد. نیز آورده‌اند که می‌فرمود: کسی که به امامت امامان اقرار کند و مهدی را انکار

۱. شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتب الاعلام الاسلامی، ج ۷، ص ۲۸۴

۲. نک: شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۲۸۰.

۳. شیخ صدوق، الامالی، قم، موسسه البعثه، ص ۵۷۸.

نماید، مانند کسی ماند که تمامی پیامبران را پذیرفته و نبوت محمد ﷺ را انکار نموده است. به آن حضرت عرض شد مهدی کدامیک از فرزندانان است؟ فرمود: پنجمی از فرزند هفتمی^۱.

۳- حضرت رضا علیه السلام از پدرانشان آورده‌اند که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس دوست دارد به دین من تمسک جوید و پس از من به کشتی نجات این امت بنشیند باید به علی بن ابی طالب اقتداء کند. با دشمنان او دشمنی ورزد و با دوستانش طرح دوستی ریزد. چرا که در زندگی من و پس از سفر من به سرای آخرت، او جانشین من در میان امت است. او پس از من پیشوای هر مسلمان راستین و امیر هر انسان با ایمان است. سخن او سخن من و فرمان او فرمان من و هشدار او هشدار من و پیرو او پیرو من و یاور او یاور من است. آنگاه فرمود: هرکس، پس از من از علی و راه او جدا گردد و از آن دوری گزیند نه من او را در روز رستاخیز خواهم دید و نه او مرا و هر کس با علی مخالفت ورزد خداوند بهشت را بر او حرام ساخته و آتش دوزخ را، جایگاه او سازد. و هر کس دست از یاری او بردارد خدا در روز حساب او را یاری نخواهد کرد.

هرکس علی علیه السلام را یاری رساند، خداوند او را در روز قیامت یاری می‌کند، و به هنگام سؤال و جواب و محاسبه قیامت، برهان خویش را بر دل و زبان او می‌افکند، و به او تلقین می‌کند.

سپس افزود: حسن و حسین علیهما السلام دو امام و پیشوای امت پس از پدرشان علی علیه السلام هستند، و دو سالار جوانمردان اهل بهشت. مادرشان بانوی بانوان جهان است، و پدرشان سالار اوصیاء. و از فرزندان حسین امامان نه گانه ای خواهند بود، که نهمین آنان (قائم) از فرزندان من است. فرمانبرداری از آنان فرمانبرداری از من است، و نافرمانی شان نافرمانی من. از انکارگران فضایل آنان، و

۱. نک: شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۳۲.

پایمال کنندگان حرمت آنان پس از خود، به بارگاه خدا شکایت می‌برم، و خدا برای دوستی و یاری خاندانم و برای انتقام گرفتن از انکارگران حقوق آنان بسنده است. ستمکاران بزودی خواهند دانست که به چه جایگاه و مکانی باز می‌گردند!^۱

اعتراف دانشمندان اهل سنت

شمار قابل توجهی از دانشمندان بزرگ اهل تسنن به ولادت دوازدهمین امام نور، تصریح کرده‌اند که در ذیل به چند مورد بسنده می‌کنیم:

۱- محمد بن یوسف گنجی شافعی از علمای بزرگ اهل سنت می‌نویسد: «حضرت مهدی علیه السلام فرزند جناب حسن عسکری علیه السلام است. آن وجود گرانمایه، زنده و در اوج سلامت و طراوت از زمان غیبت خویش تاکنون در این جهان زندگی می‌کند»^۲.

۲- محمد بن احمد مالکی معروف به (ابن صباغ)، در باب دوازدهم کتاب خود می‌نویسد: ابوالقاسم محمد حجت، فرزند حضرت حسن عسکری علیه السلام است. او در سامرا و در نیمه شعبان ۲۵۵ هجری دیده به جهان گشوده است.^۳

۳- سبط ابن جوزی حنفی نیز در کتاب خویش در مورد فرزندان حضرت عسکری علیه السلام، در بخشی تحت عنوان «فصل فی ذکر الحجة المهدی» می‌نویسد: نام بلند آوازه‌اش محمد، فرزند حسن عسکری علیه السلام است و کنیه‌اش ابوالقاسم می‌باشد. او را: الخلف الحجة، صاحب الزمان، القائم المنتظر، نیز خوانده‌اند و آن حضرت آخرین امامان است.^۴

۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۲۶۰-۲۶۱.

۲. امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۱۶۷ به نقل از البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۳۳۶.

۳. همان به نقل از: الفصول المهمة، ص ۲۷۳.

۴. همان به نقل از: تذکرة الخواص، چاپ جدید، ص ۳۶۳.

۴- سلیمان قندوزی حنفی از دیگر دانشمندان اسلامی در کتاب خویش ضمن ترسیم ولادت حضرت مهدی علیه السلام از بانو حکیمه، دخت گرانقدر حضرت جواد علیه السلام به همان صورت که در کتاب‌های معتبر شیعه آمده است، می‌افزاید: این گزارش از دیدگاه شخصیت‌های مورد اعتماد اسلامی، مسلم است که ولادت (قائم آل محمد)، پانزدهم شعبان به سال ۲۵۵ هجری رخ داد، و آن حضرت در شهر تاریخی سامرا و در حیات پدرش دیده به جهان گشود.^۱

۵- ابن خلکان نیز در کتاب خود پیرامون امام عصر علیه السلام می‌نویسد: ولادت آن گرانمایه، پانزدهم شعبان به سال ۲۵۵ هجری بود، و هنگامی که پدرش جهان را بدرود گفت آن حضرت پنج ساله بود، و مادرش نرجس نام داشت.^۲

۱. همان به نقل از: *ینابیع الموده*، ۴۴۹-۴۵۲ چاپ ایران.

۲. همان به نقل از: *وفیات الاعیان*، ج ۴، ص ۱۷۶.

فصل ۲

دوره غیبت صغری

براساس روایات فراوان و قابل اعتنا، برای حضرت مهدی - ارواحنا فداه - دو غیبت ترسیم شده است، یکی کوتاه مدت (صغری)، و دیگری بلند مدت (طولانی).

در غیبت کوتاه مدت، افراد خاصی با آن حضرت در تماس بوده‌اند. امام علیه السلام در این دوره، چهار نایب خاص داشته‌اند.

در غیبت بلند مدت، یعنی عصری که ما در آن قرار داریم، آن حضرت نایب خاص ندارند، و توده مردم از اقامتگاه آن گرانمایه بی خبرند.

در این مدت، تنها برخی از دوستان مورد اعتماد، همراه و در خدمت آن یگانه دوران می‌باشند^۱. براساس روایتی، همواره سی تن از شیعیان، در خدمت آن حضرت هستند^۲.

غیبت صغری و نایبان خاص

وضع زمان و عدم پذیرش مردم، باعث شد که امام زمان علیه السلام پس از شهادت پدر بزرگوارشان در سال ۲۶۰ هجری، از نظرها پنهان گردد، این پنهانی که از آن به عنوان غیبت، یاد می‌شود تا وقتی که مردم آماده شوند، و شرایط ظهور فراهم گردد ادامه دارد.

۱. نک: شیخ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۴۰.

۲. نک: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۲. (و ما بثلاثین من وحشة)

طبیعی است که وقتی امام مردم غایب شد، مردم را به حال خود نمی‌گذارد، بلکه افرادی را بین خود و مردم واسطه قرار می‌دهد، وظیفه مردم هم این است، که با کنجکاوی و دقت این افراد را بشناسند، و تکلیف خود را از آنها بگیرند.

از سال ۲۶۰ هجری (شهادت امام یازدهم) تا سال ۳۲۹ هجری (درگذشت آخرین نایب خاص)، یعنی نزدیک به ۶۹ سال^۱، چهار نفر از بزرگ مردان شیعه که همگی از فقیهان ربّانی و محدثان نامور بودند، واسطه میان آن حضرت و شیعیان شدند که معروف به نواب اربعه (چهار نماینده خاص) می‌باشند^۲.

افراد دیگری هم از وکلای امام زمان علیه السلام در شهرهای مختلف ایران و عراق در این مدت و حتی بعد از این به شمار رفته‌اند، ولی آنها در رتبه دوم قرار داشتند یا نماینده این چهار تن بوده‌اند^۳.

برای آشنایی با چهار نایب خاص امام زمان علیه السلام، تنها به شرح کوتاهی از زندگی و مقام و منزلت و الایشان بسنده می‌کنیم.

۱- عثمان بن سعید عمروی «ره»، وی افتخار خدمت به امام هادی علیه السلام را نیز در پرونده زندگی شایسته خویش داشت و از یازده سالگی به این افتخار نائل آمد.

امام عسکری علیه السلام به جناب احمد بن اسحاق فرمود: عمروی و پسرش هر دو مورد اعتمادند، هر آنچه از سوی من برای تو آوردند تردید مکن که از سوی ماست و هر چه می‌گویند از جانب ماست. بنابراین سخنان آن دو را بشنو و پیروی آنان نما و بدان که هر دو امین و مورد اعتمادند^۴.

عثمان بن سعید نخستین نایب محبوب دل‌ها، رابط میان او و شیعیان در

۱. برخی غیبت صغری را از سال ولادت حضرت (۲۵۵) گرفته‌اند که با این حساب دوره غیبت صغری ۷۵ سال خواهد بود.

۲. نک: مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۶۷۳.

۳. علی دوانی، نواب اربعه سفرای امام زمان، ص ۱۷.

۴. نک: کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۰.

رسانیدن نامه‌ها و مسایل و حل مشکلات آنهاست.

سال وفات عثمان بن سعید روشن نیست. برخی احتمال داده‌اند او بین سال‌های ۲۶۰-۲۶۷ در گذشته باشد و برخی دیگر فوت او را در سال ۲۸۰ دانسته‌اند.^۱

۲- محمد بن عثمان، وی فرزند برومند عثمان بن سعید است که هر دو وکیل امام عسکری علیه السلام و پس از آن حضرت، نایب خاص امام زمان علیه السلام بوده‌اند. این پدر و پسر پاک سرشت، این شایستگی را یافته‌اند که در حساس‌ترین دوران امامت - یعنی رحلت امام یازدهم و آغاز غیبت کوتاه امام دوازدهم - عهده دار ابلاغ پیام امام غائب به شیعیان و حفظ آنها از انحراف و تفرقه و سرگردانی گردند.^۲

جناب محمد بن عثمان «ره»، حدود چهل سال عهده دار نیابت خاص بود و به اداره امور شیعیان اشتغال داشت تا این که در سال ۳۰۴ یا ۳۰۵ هجری در گذشت. او پیش از مرگ، از تاریخ وفات خود خبر داد، و دقیقاً در همان تاریخی که گفته بود، در گذشت.^۳

۳- ابو القاسم حسین بن روح «ره»، وی در آن روزگار، شخصیتی پر آوازه، اندیشمند و معروف بود و پیش از افتخار تصدی نیابت خاص، وکیل دومین سفیر حضرت مهدی علیه السلام جناب محمد بن عثمان بود، هم به املاک او نظارت داشت و هم رابط میان او و بزرگان شیعه در نقاط مختلف کشور اسلامی بود و از این راه دستورات اهل بیت علیهم السلام و اخبار نهانی را به آنان می‌رساند.

پیش از رحلت دومین نایب خاص، فرمانی از جانب امام عصر علیه السلام صادر گردید که به موجب آن، جناب (محمد بن عثمان) دستور یافت تا (حسین بن

۱. نک: مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۶۷۸.

۲. نک: علی دوانی، سفرای امام زمان، ص ۲۷.

۳. نک: مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۶۷۹-۶۸۰.

روح) را به جای خویش معرفی کند و چنین کرد.

سرانجام سومین نایب خاص، پس از ۲۱ سال خدمت به حق و عدالت، در سال ۳۲۶ هجری جهان را بدرود گفت.^۱

۴- ابوالحسن علی بن محمد سمري «ره»، وی بنا به فرمان امام زمان علیه السلام پس از حسین بن روح، نیابت خاص را عهده دار گردید.

سمري که از یاران امام عسکری علیه السلام بوده است، تا سال ۳۲۹ هجری که دیده از جهان فروبست، مسؤلیت نیابت خاص را به عهده داشت.^۲

امام عصر علیه السلام به چهارمین نایب خود دستور دادند که دیگر کسی را جانشین خود نکند. با پایان یافتن زندگی پر افتخار چهارمین نایب خاص، غیبت کوتاه مدت آن گرامی و سفارت خاص به پایان رسید و از آن روز غیبت طولانی آن خورشید جهان افروز، آغاز گردیده است که تاکنون ادامه دارد.

درست پیش از شش روز از رحلت چهارمین نایب خاص بود که پیام کتبی مبارکی از سوی حضرت مهدی علیه السلام، به آن جناب صادر گردید، پیام، این گونه بود:

«بسم الله الرحمن الرحيم يا علي بن محمد السمري ! أعظم الله أجر إخوانك فيك، فانك ميتاً ما بينك و بين ستة ايام، فاجمع امرک و لاتوص الى احد يقوم مقامک بعد وفاتک، فقد وقعت الغيبة الثانية^۳ فلا ظهور إلا بعد إذن الله - عز وجل - و ذلك بعد طول الامد و قسوة القلوب و إمتلاء الارض جوراً...^۴» بنام خداوند بخشنده بخشایشگر، ای علی بن محمد سمري ! خداوند پاداش برادران دینیات را در رحلت تو، پر شکوه گرداند. تو تا شش روز دیگر، به سرای باقی خواهی شتافت، از این رو به کارهایت رسیدگی کن و در مورد

۱. نک: علی دوانی، سفرای امام زمان، ص ۶۱-۷۸.

۲. نک: سیره پیشوایان، ص ۶۸۱.

۳. در برخی نسخه‌ها (الغیبة التامة) آمده است.

۴. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۵۱۶، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۱.

هیچ کس به عنوان جانشین خود، وصیت ننما، چرا که عصر غیبت کامل، فرا رسیده است و دیگر جز پس از دریافت فرمان از جانب خدا، ظهور نخواهد بود، و دریافت فرمان از جانب خدا نیز پس از گذشت روزگاران، و سخت شدن قلب‌های مردم، و لبریز شدن زمین از ظلم و جور خواهد بود.

جناب سمری، این توقیع مبارک را در خانه‌اش برای مردم خواند، و آنان از روی آن توقیع شریف، نسخه برداشتند و از خانه آن جناب رفتند. هنگامی که روز ششم، بسوی خانه او آمدند، دیدند در واپسین لحظات است.

پرسیدند: جانشین شما کیست؟

پاسخ داد: خدای را امری است که خود به انجام رساننده آن است. و این آخرین سخنی بود که از او شنیده شد، و آنگاه جهان را بدرود گفت، و این در سال ۳۲۹ هجری اتفاق افتاد.

مدعیان دروغین نمایندگی

از شگفتی‌ها و عبرت‌های روزگار این است که شماری از یاران حضرت هادی و حضرت عسکری (علیهما السلام)، عاقبت بسیار بدی را برای خویش برگزیدند، و از راه درست و مسیر حق و عدالت انحراف جستند، با این که هم دارای سابقه درخشانی بودند، و هم بسیار به محضر آن دو بزرگوار تشریف یافته بودند. انگیزه‌های انحراف این گروه را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- ۱- حرص و آز در تأمین منافع نامشروع شخصی؛
- ۲- طمع به امکاناتی که دوستان امام عصر علیه السلام به آن‌ها داده بودند تا بوسیله آنان به آن حضرت برسد؛

۳- ریاست طلبی و عشق به شهرت و قدرت؛

۴- آفت هستی سوز، پیروی از هوای نفس که انسان را از حق و فضیلت باز

می‌دارد.^۱

در اینجا به عنوان نمونه به بیان چند مورد بسنده می‌کنیم:

۱- حسن شریعی

این مرد از یاران دو پیشوای گرانقدر حضرت هادی و عسکری علیهما السلام بود و پس از حضرت عسکری و غیبت امام عصر علیه السلام به دروغ و باطل، ادعا نمود که گویی سفیر ویژه آن حضرت است، با این که شایستگی این مقام را نداشت. او به خدا دروغ بست و به امامان معصوم علیهم السلام نسبت‌هایی داد که زیبنده مقام آنان نبود و از آن‌ها بیزارند. سرانجام حق ستیزی او به جایی رسید که توقیعی از جانب حضرت مهدی علیه السلام بوسیله نایب سوم، در لعنت و بیزاری جستن او و رفتار و گفتارش صادر گردید. شیعیان نیز او را لعنت کردند و تنفر خود را از او اعلان نمودند.^۲

۲- محمد بن نصیر نمیری

این مردک، از یاران امام عسکری علیه السلام بود که پس از رحلت آن بزرگوار و غیبت فرزندش به دروغ مدعی گشت که سفیر حضرت مهدی علیه السلام و نایب خاص اوست. خدا به کیفر دروغ سازی و حق ستیزی و سخنان کفر آمیزش، او را رسوا ساخت و دومین نایب ویژه امام عصر او را لعنت کرد و از او بیزاری جست. این عنصر منحرف، نسبت خدایی و ربوبیت به حضرت هادی و عسکری علیهما السلام داد و با وقاحت ادعا کرد، که پیامبر و فرستاده شده از سوی امام هادی علیه السلام است.

علاوه بر انکار مبدأ، با عقیده به تناسخ، معاد را نیز انکار کرد و به مباح بودن نکاح با محارم و به همجنس بازی، این عمل شنیع و

۱. نک: امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۲۸۳.

۲. نک: همان، ص ۲۸۴.

ضد انسانی، فتوا داد و گفت: این کار برای فاعل لذت بخش است و برای مفعول، تواضع و فروتنی می‌آورد!

۳- شلمغانی

او به (ابن عزاقر) معروف بود، و چون از (واسط) عراق برخاسته بود، به زادگاهش منسوب شده و او را (ابوجعفر محمد بن علی شلمغانی) می‌گفتند. وی از محدثان بود و کتاب‌های بسیاری داشت و در آنها، انبوه روایاتی را که از امامان اهل بیت علیهم‌السلام دریافت داشته بود، گرد آوری و دسته بندی نموده بود.

هنگامی که راه انحراف را در پیش گرفت، با روایات بازی کرد. هرچه می‌خواست بر آنها می‌افزود و هر چه دلخواه او بود، کم می‌کرد.^۱ در اوج فریبکاری او، تسویعی^۲ از جانب حضرت مهدی علیه‌السلام در لعن و بیزارگی جستن از کفر و کارهای زشت او صادر شد و به شیخ حسین بن روح رسید.

لازم به یاد آوری که چنین مدعیان دروغینی هم اکنون نیز هستند پس باید به هوش بود و فریب انسان‌های شیاد و نالایقی را که تنها به منافع شخصی خویش می‌اندیشند و یا مزدور استکبارند نخوریم.

در فتنه‌ها به قرآن کریم و روایات زنده کننده اهل بیت علیهم‌السلام رجوع نماییم و از عالمان ربانی و وارسته و پرهیزگار و اسلام شناسان حقیقی فاصله نگیریم، تا در بیراهه‌ها و پرتگاه‌های نابودکننده قرار نگیریم.

ای بسا ابلیس آدم رو که هست پس به هر دستی نباید داد دست

۱. نک: همان، ص ۲۸۴-۲۸۵.

۲. نک: همان، ص ۲۹۰.

۳. نک: بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۷۶-۳۷۷.

سرداب

سرداب، در نظر شیعیان، جز مکانی که به دلیل زندگی پرافتخار سه امام معصوم علیهم السلام در آنجا، شرافت و برکت کسب کرده است، چیز دیگری نیست.

دوستاناران خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله گویی در مورد این سرداب، زبان حال و سخن دلشان این است که:

و ما حب الدیار شغفن قلبی ولكن حب من سكن الدیارا
این نه عشق دیار و خانه یار است که قلب مرا لبریز ساخته است، بلکه این
عشق محبوب و معشوقی است که آنجا سکونت داشت.

فصل ۳

غیبت کبری (طولانی مدت)

غیبت کبری از سال ۳۲۹ (هنگام رحلت چهارمین نایب خاص) شروع شد و تا هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام ادامه دارد. در این دوره عالمان دارای شرایط، از سوی امام زمان علیه السلام نیابت عامه دارند.

نیابت عامه به این معنا است که، امام معصوم علیه السلام شرایط و قواعدی کلی را بیان نماید، تا در طول زمان هر کسی که از آن ویژگی‌ها برخوردار باشد، نایب عام شناخته شود و در امر دین و دنیا مرجع مردم باشد.

در فرمایشی از امام عسکری علیه السلام آمده است: هر یک از فقیهان که نگهدارنده نفس خویش، پاسدار دینش، مخالف هوای نفس و مطیع فرمان مولایش باشد، بر مردم است که از او تقلید نمایند.^۱

اسحاق بن یعقوب گوید: از پرسش‌هایی که از حضرت مهدی علیه السلام با واسطه عثمان بن سعید (دومین نایب خاص) داشتم، این بود که: در پیشامدهای عصر غیبت به چه کسی رجوع نمایم؟

آن حضرت فرموده بود: در حوادثی که پیش می‌آید، به راویان احادیث ما مراجعه نمایید. آن‌ها حجت من بر شما هستند و من حجت خداوند بر ایشان هستم.^۲

۱. نک: حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۹۴.
۲. نک: کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۸۴.

حکومت اسلامی در عصر انتظار

بیشتر فقهای شیعه، تشکیل حکومت اسلامی را در دوره غیبت، ضروری می‌دانند و براین باورند که فقهای عادل، باید به این مهم اقدام کنند و اگر یکی از آنان تشکیل حکومت داد، بر دیگران واجب است که از او پیروی کنند.

در مقابل، شماری اندک برآنند که برپایی حکومت از شؤن امام معصوم علیه السلام است، بنابراین، در عصر غیبت تشکیل حکومت جایز نیست.

این تفکر، که نخست به صورت یک اختلاف نظر فقهی کلامی مطرح بود، در این اواخر رنگ سیاسی به خود گرفت.

شماری بر اساس همین بینش به مخالفت با مشروطه پرداختند و بزرگانی چون: آخوند خراسانی، آیه الله مازندرانی، علامه نائینی را تخطئه کردند. زیرا این گونه کارها را در عصر انتظار مشروع نمی‌دانستند.

این تفکر چون تضادی با خود کامگی حکام نداشت، بلکه غیر مستقیم توجیه گر اعمال آنان نیز بود، از سوی آنان ترویج شد، تا جایی که پیش از انقلاب اسلامی، هواداران این اندیشه به صورت تشکیلاتی منسجم درآمدند.

این گروه، با تبلیغ این که وظیفه ما در این عصر، انتظار است و بس، و ما نباید در کارهای سیاسی دخالت کنیم، با مبارزان و طرفداران راه امام خمینی «ره»، مخالفت می‌کردند.

این بینش با القای گفتاری از قبیل این که: از ما کاری ساخته نیست، آقا امام زمان خود باید بیاید و کارها را اصلاح کند، روحیه بی تفاوتی، سکوت و سکون و ظلم‌پذیری را تقویت می‌کردند.

هر چند با تلاش عالمان آگاه و پیروزی انقلاب اسلامی، این باور غلط، از صحنه بیرون شد و بسیاری از هواداران آن، به صف انقلاب و مبارزان پیوستند، ولی این بدان معنا نیست که این تفکر به کلی ریشه کن شده و دیگر هیچ هواخواهی نداشته باشد.

با نگاهی به گفته‌ها و نوشته‌های طرفداران این نظریه و دلائلی که بدان استناد

کرده‌اند، می‌توان گفت که این باور انحرافی از سه راه زیر سرچشمه گرفته است:
 ۱. برداشت نادرست از روایاتی که گسترش ستم و فساد را از نشانه‌های ظهور معرفی می‌کند.

۲. استناد به روایاتی که از هر گونه قیامی در عصر غیبت، نهی و به سکوت و صبر بر بلاها، دعوت کرده است.

۳. تفسیر نادرست از امامت و رهبری، و تصور این که تشکیل حکومت در عصر غیبت، دخالت در قلمرو کار امام معصوم علیه السلام است.

در روایات رسیده از امامان معصوم علیهم السلام آمده است که پیش از ظهور مهدی علیه السلام ظلم و فساد، جهان را فرا می‌گیرد، انحراف و کجروی به اوج می‌رسد. بسیاری از گناهان بزرگ رواج می‌یابد.

برخی، از این گونه روایات، نتیجه گرفته‌اند که وجود ستم و فساد و حکومت‌های خود کامه در جهان، پیش از ظهور مهدی علیه السلام طبیعی است، بلکه مقدمه ظهور آن حضرت است و ما نباید با مقدمه ظهور آن حضرت، مبارزه کنیم. اینان با این برداشت، تشکیل حکومت اسلامی را در دوره غیبت ممنوع اعلام کرده‌اند؛ زیرا به پندار اینان، هر اندازه دولت اسلامی موفقیت کسب کند، از ظلم و فساد کاسته می‌شود و ظهور امام علیه السلام که مشروط به پر شدن زمین از فساد و ستم است، به تاخیر می‌افتد!

این برداشت، به دلایل زیر باطل است: به نتیجه این برداشت، هیچ فقیهی نمی‌تواند ملتزم باشد، زیرا لازمه این تفکر، تنها عدم مشروعیت حکومت نیست، بلکه هر عمل مصلحانه‌ای باید از دیدگاه آنان جایز نباشد. از امر به معروف و نهی از منکر در امور جزئی گرفته تا مبارزه با ستم و حکومت‌های ستمگر. در حالی که امر به معروف و نهی از منکر، از ضروریات اسلام و بر هر فرد مسلمان، انجام آن واجب است.

افزون بر این، پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در خصوص وظایف منتظران حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید: خوشا به حال کسی که به حضور «قائم» برسد و حال

آنکه پیش از قیام او نیز، پیرو او باشد. آن که با دوست او دوست، و با دشمن او دشمن است، و با پیشوایان هدایتگر پیش از او نیز دوست است اینان، همنشین و دوستان من، و گرامی ترین امت نزد من هستند.^۱

بزرگترین مبارزه، علیه ظلم و جور حکومت‌های باطل، خود مهدی علیه السلام است، چگونه ممکن است که جامعه منتظر، در ظلم ستیزی، به او اقتدا نکند! بنابراین، انسان منتظر، نمی‌تواند در برابر فساد و ستم و حکومت‌های جور بی تفاوت باشد، تا چه رسد به این که تایید کننده آنان باشد.

برداشت فوق، با سیره قطعیة معصومان علیهم السلام نیز ناسازگار است، زیرا آنان، با این که در انتظار حکومت جهانی مهدی علیه السلام بودند، لحظه ای از کوشش در راه مبارزه باز نمی‌ایستادند.

این برداشت با آن دسته از روایاتی که از وجود قیام‌ها و حکومت‌های حق، پیش از ظهور حضرت حجت علیه السلام، خبر می‌دهد نیز معارض است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: مردمی از مشرق زمین قیام می‌کنند و زمینه حکومت مهدی علیه السلام را فراهم می‌سازند.^۲

در برخی دیگر از روایات فریقین، به شکل گرفتن دولت حقی، پیش از ظهور مهدی علیه السلام، که تا قیام آن حضرت ادامه پیدا می‌کند، تصریح شده است:

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: گویا می‌بینم مردمی را از مشرق، که در طلب حق قیام کرده‌اند، ولی (حاکمان) به آنان پاسخی نمی‌دهند. پس از مدتی، دوباره قیام می‌کنند. این بار نیز، به آنان پاسخی داده نمی‌شود. وقتی وضع را چنین می‌بینند، شمشیرهای خود را بر شانه‌هایشان می‌نهند، در این هنگام آنچه را می‌خواهند به آنان می‌دهند، اما نمی‌پذیرند و دست به قیام می‌زنند (و حکومتی بر اساس مبانی اسلام تشکیل می‌دهند) اینان، این حکومت را جز به صاحب شما،

۱. نک: همان، ص ۲۸۶.

۲. نک: قاضی نعمان مغربی، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاخیار، ج ۳، ص ۵۶۳.

حضرت مهدی علیه السلام تسلیم نمی‌کنند. کشتگان این قیام، همه شهید به شمار می‌آیند. اگر من، آن زمان را درک کنم، خود را برای خدمت مهدی علیه السلام نگه می‌دارم!

گروهی احادیث فوق را بر قیام و نهضت امام خمینی «ره» حمل کرده‌اند و جمهوری اسلامی را زمینه ساز حکومت مهدی علیه السلام شمرده‌اند.

در روایتی دیگر، قیام یمانی از نشانه‌های قیام قائم خوانده شده و پرچم او، پرچم هدایت و مردم نیز، به یاری او دعوت شده‌اند.

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: هیچ یک از پرچم‌های برافراشته شده - پیش از ظهور امام زمان علیه السلام هدایت یافته تر از پرچم یمانی نیست. پرچم او، پرچم هدایت است، او مردم را به حکومت امام زمان علیه السلام فرا می‌خواند. به هنگام خروج یمانی، فروش سلاح بر مردم و هر مسلمان حرام است. هنگامی که یمانی خروج کرد، به سوی او بشتاب، زیرا پرچم او پرچم هدایت است. برای هیچ مسلمان روا نیست که با او مخالفت کند. مخالف او در آتش است، زیرا یمانی مردم را به حق و صراط مستقیم دعوت می‌کند.^۱

از روایات فوق، استفاده می‌شود که پیش از قیام قائم علیه السلام، قیام‌هایی صورت می‌گیرد و مردم باید در آن قیام‌ها شرکت کنند.

روایاتی که دلالت بر فراگیر شدن ظلم در هنگام ظهور مهدی علیه السلام می‌کنند، به این معنا نیستند که همه مردم در آن زمان فاسد و ستمگرند و هیچ فرد و یا گروه صالحی در آن هنگام یافت نمی‌شود که از حق طرفداری کند که در نتیجه، فراگیر شدن ظلم و فساد جبری باشد و مبارزه با آن غلط و مبارزه با مقدمه ظهور فرج! زیرا به تعبیر قرآن، به هنگام ظهور مهدی علیه السلام افراد صالح و مستضعف وجود دارند که آن‌ها وارث حکومت زمین، به رهبری آن حضرت می‌شوند.

۱. نک: محمد بن ابراهیم نعمانی، کتاب الغیبة، ص ۲۷۳.

۲. نک: همان، ص ۲۵۶.

در احادیث یاد شده، تکیه بر فراگیر شدن ظلم است، نه فراگیر شدن کفر و بی دینی. یعنی چنان نیست که در هیچ جا اهل اعتقاد و دین یافت نشوند. پس همان گونه که از ظاهر این روایات استفاده می شود، مراد از جمله: «ملئت ظلما و جورا» ظلم طبقه حاکمه است، زیرا لازمه ظلم، وجود مظلوم است.

بنابراین، به هنگام ظهور مهدی علیه السلام، ظلم طبقه حاکم در ابعاد گوناگون فراگیر می شود و قیام حضرت مهدی علیه السلام برای حمایت از مظلومان است. مسلمانان در آخرالزمان، به وسیله مهدی علیه السلام، از فتنه ها و آشوب ها خلاصی می یابند، همان گونه که در آغاز اسلام از شرک و گمراهی رهایی یافتند!

امکان عمر طولانی

موضوع طول عمر مبارک حضرت مهدی علیه السلام، را به اجمال از سه دیدگاه بیان می کنیم تا روشن شود که طول عمر مسأله محال و ناممکنی نیست.^۱
الف - در پرتو قرآن: در قرآن کریم نمونه هایی از انسان ها را می یابیم که خدای جهان آفرین در مورد آنان چنین مقرر فرموده است که قرن های طولانی زندگی کنند.

بنا بر این نه تنها طول عمر حضرت مهدی علیه السلام یک پدیده طبیعی جلوه می کند، بلکه طول عمر انسان های عادی نیز یک پدیده طبیعی جلوه می نماید، اینک نمونه هایی از قرآن شریف:

۱- «و لقد ارسلنا نوحا إلى قومه فلبث فيهم الف سنة الا خمسين عاما، فاخذهم الطوفان وهم ظالمون»^۲؛ ما نوح را به سوی قومش فرستادیم، پس او در میان جامعه خویش، ۹۵۰ سال درنگ کرد و آنگاه آن جامعه را در

۱. نک: جمعی از نویسندگان مجله حوزه، چشم به راه مهدی علیه السلام.

۲. نک: محمد محمدی اشتهاردی، فروغ ولایت.

۳. عنکبوت، ۱۴.

حالی که ستمکار بودند، طوفان فرا گرفت.

آیه شریفه بیانگر این حقیقت است که تنها، دورانی را که نوح علیه السلام در جامعه خویش مردم را به سوی خدا دعوت نمود، ۹۵۰ سال بود، حال، عمر او به هنگامه بعثت چقدر بوده؟ و پس از طوفان چقدر زیسته است؟ اینها دو دوره نامشخص دیگری است که باید به ۹۵۰ سال افزوده شود تا عمر مبارک، آن پیامبر بزرگ معلوم گردد.

از حضرت سجاده علیه السلام آورده‌اند که فرمود: در قوائم ما خاندان وحی و رسالت، نشان و شیوه ای از نوح علیه السلام است و آن طول عمر می‌باشد.^۱

۲- قدرت بی کران خدا در تحقق خواست حکیمانه‌اش و به فرمان در آوردن طبیعت، در داستان حضرت یونس علیه السلام تجلی می‌کند که می‌فرماید: «فالتقمه الحوت وهو ملیم، فلولا أنه كان من المسبحین للبت فی بطنه الی یوم یبعثون»؛ و ماهی عظیمی، او را به کام خود فرو برد، در حالی که شایسته ملامت بود و اگر اواز ستایشگران خدا نبود، تا قیامت در شکم ماهی می‌ماند!

در تفسیر کشاف آورده است: ظاهر آیه شریفه که می‌فرماید: «اللبث فی بطنه» ماندن به صورت زنده و زندگی در آنجا تا روز رستاخیز می‌باشد.^۲

پس از آیه شریفه، استفاده می‌شود که خداوند می‌تواند در جایی که نه هوایی جریان دارد، و نه غذا و نه چیزی از ضروریات زندگی و ادامه حیات موجود است، انسانی را از مرگ حفظ کند، و نه تنها او را زنده بدارد که از هضم شدن در شکم ماهی، طی میلیونها سال، حراست کند.

اینک! این خدای توانا، آیا قادر نیست که حجت خویش را از مرگ محافظت و صدها سال عمر پرافتخار - به منظور اهدافی والا به او - ببخشد؟

۱. نک: کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۲۲.

۲. صافات، ۱۴۲-۱۴۴.

۳. نک: زمخشری، الکشاف، عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۴، ص ۶۲.

ب - از دیدگاه عقیدتی: هر انسان با ایمانی بر این باور است که سر آمد عمر انسان و هر موجودی به دست خداست. هنگامی که خداوند برای بنده‌ای، عمری طولانی مقرر نماید، اسباب طبیعی آن را فراهم می‌آورد. و ممکن است که برای عمر طولانی بخشیدن به یک انسان، اسباب طبیعی و ماورای طبیعی را، با هم فراهم آورد و این نه شکستن قوانین طبیعت است و نه ناسازگاری با روش عادی خلقت.

جسم انسان پس از مرگ - بطور طبیعی - دچار پوسیدگی می‌گردد و به صورت اجزای پراکنده در آمده و به خاک و حشرات تبدیل می‌گردد، این یک واقعیت طبیعی است که بسیار دیده شده است، با این حال، در شهر قاهره با دهها جسد مومیایی شده روبرو می‌شویم که از روزگار فرعون‌ها تاکنون، هزاران سال بر آنها گذشته است، با این وصف همچنان اندام‌های آنان به هم پیوسته و از هم نپاشیده‌اند، این شکستن جریان طبیعی و روند عمومی آفرینش نیست، بلکه اثر گذاری طبیعت بر طبیعت است، یعنی مومیایی کردن جسد با عفونت پذیری و متلاشی شدن آن سازش نمی‌پذیرد.

اگر از این مرحله بگذریم حقایقی را در برابر دیدگان خود می‌بینیم که ما را شگفت زده می‌سازد. برای نمونه قبور برخی از بندگان صالح خدا، ویران گشته و جسد آنان را بصورت تر و تازه یافته‌اند که هیچ تغییری در آن پدید نیامده است.

پیکر پاک مرحوم شیخ صدوق را در یکی از مناطق تهران یافتند، با اینکه حدود ۹۰۰ سال از مرگ او می‌گذشت، بدن او همچنان تر و تازه بود. خواستند مرقد صحابی گرانقدر (حذیفه بن یمان) را از ساحل نهر دجله به بغداد و به جوار صحابی بزرگوار (سلمان فارسی) در مدائن انتقال دهند، هنگامی که قبر شکافته شد، پیکر او ظاهر گشت، با این که وی در سال ۳۶ هجری از دنیا رفته ولی جسدش

سالم بود، گویی همین امروز از دنیا رفته است.
این در حالی است که ما می‌دانیم این بدن به شکل متعارف مومیایی نشده و
تنها به ارادهٔ آفریدگار هستی این گونه تازه مانده است.

بنابراین ماده چیزی است و خواست خداوند اصلی است که حاکم بر
ماده و مادیات است، چرا که خدا، آفریدگار طبیعت است و در آن هرگونه که
بخواهد دگرگونی ایجاد می‌کند.

ج - در پرتو دانش جدید: از آفت‌های عصر ما این است که برخی از جوانان
در جوامع اسلامی، سخنان غربی‌ها را به گونه‌ای شتابزده می‌پذیرند، تا جایی
که اگر سخنی فراتر از اندیشه و فهم اینان نیز بگویند، بی‌درنگ
آن را می‌پذیرند، اما در پذیرش حقایق غیبی که از مرزهای طبیعت می‌گذرد،
چون و چرا می‌کنند!!

این دوگانگی برخورد، نشانگر خودباختگی و استعمار فکری و فرهنگی
شومی است که کشورهای اسلامی را فرا گرفته است.

آیا پیامبر گرامی اسلام، دانشمند، حکیم، فیلسوف، آگاه مکتشف، مرتبط با
وحی الهی و دارای پیوند با دستگاه آفرینش و آفریدگار هستی نبود؟!
چرا گفتار انسان ساز و افتخارآفرین او، نباید پذیرفته شود و روایات و اخبار
او، نباید مورد تصدیق شما قرار گیرد؟!

هنگامی که بگوییم: عمر گرانبمایه حضرت مهدی علیه السلام اینک از ۱۲۰۰
سال فراتر است و او به خواست خدا زنده و بانشاط است؛
می‌گویند: چگونه چنین چیزی ممکن است؟ اما اگر گفته شود فلان
مستر گفت: انسان می‌تواند هزاران سال زندگی کند و چنین
استعدادی را دارد؛ او را تصدیق می‌کنند و از او می‌پذیرند!

زیست شناسان گویند: اگر اختلال‌ها و آسیب‌هایی که به انسان می‌رسد و
موجب کوتاهی عمر او می‌شود رفع گردد، عمر او به ۲۰۰ سال خواهد رسید.
بعضی گویند: انسان باید ۳۰۰ سال عمر کند، این که می‌بینی ۷۰ یا ۸۰ سال

عمر می‌کند، بر اثر آن است که عضوی از او فرسوده می‌شود و به عضوهای دیگر سرایت می‌کند.

آزمایش‌هایی که دانشمندان، روی حشرات و سلولها و گیاهان انجام داده‌اند، نشان می‌دهد که گاهی عمر آنها را به صدها بلکه به هزارها برابر رسانده‌اند.

«یوری فیالکوف» استاد پلی تکنیک «کیف» در شوروی سابق می‌گوید: سلول که سنگ اول و اصلی بنای جانداران می‌باشد جاوید است، و هرگز نمی‌میرد، مشروط بر این که غذا داشته باشد و سرما و گرمای شدید سبب هلاکتش نشود.

وی می‌افزاید: انسان باید زنده و جاوید باشد، هرگز از بین نرود زیرا سلول‌های تشکیل دهنده بدن او جاوید است^۱.

فائده امام غایب

هرچند وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام به خاطر مصالحی پنهان است، ولی برکات آن حضرت جاری و ساری است، در اینجا به دو فائده اساسی امام غائب اشاره می‌کنیم:

الف- وجود مقدس امام، غایت نوع و فرد کامل انسانیت و رابطه میان عالم مادی و عالم ربوبی است. اگر امام نباشد، نوع انسان، منقرض خواهد شد. اگر امام نباشد، خدا به حد کامل شناخته و عبادت نمی‌شود. و رابطه میان عالم مادی و دستگاه آفرینش، قطع می‌گردد.

قلب مقدس امام معصوم علیه السلام، به منزله ترنسفورماتوری است، که برق کارخانه را به هزاران لامپ می‌رساند.

اشراقات و افاضات عوالم غیبی، نخست بر آینه پاک قلب امام و سپس به وسیله او، بر دل‌های سایر افراد، نازل می‌گردد.

۱. نک: محمد محمدی اشتهاردی، فروغ ولایت؛ ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۱۷۳-۱۹۹.

امام، قلب عالم وجود و رهبر و مربی نوع انسان است و قطعاً حضور و غیبت او، در ترتب این آثار، تفاوتی ندارد!

امام سجاده علیه السلام می فرماید: ما پیشوای مسلمانان و حجت بر اهل عالم و سادات مومنان و رهبر نیکان و صاحب اختیاران هستیم. ما امان اهل زمین هستیم، چنان که ستارگان، امان اهل آسمانند. به واسطه ما است که آسمان بر زمین فرود نمی آید، مگر وقتی که خدا بخواهد. به واسطه ما، باران رحمت حق، نازل و برکات زمین، خارج می شود. اگر ما روی زمین نباشیم، اهلش را فرو می برد. آن گاه فرمود: از روزی که خدا آدم را آفرید، تا حال، هیچ گاه زمین از حجتی خالی نبوده است، ولی آن حجت، گاهی ظاهر و مشهور و گاهی غایب و مستور بوده است، تا قیامت نیز از حجت خالی نخواهد شد، اگر امام نباشد، خدا پرستش نمی شود.

راوی گوید: به امام عرض کردم: مردم، چگونه از وجود امام غایب، بهره مند می شوند؟

فرمود: همان طور که از خورشید پشت ابر بهره می برند!

در این حدیث و چندین حدیث دیگر، وجود مقدس صاحب الامر علیه السلام و انتفاع مردم از آن حضرت به خورشید پشت ابر و انتفاع مردم از آن، تشبیه شده است.

وجه تشبیه این است که: در علوم طبیعی و فلکیات ثابت شده است که خورشید، مرکز منظومه شمسی و جاذبه اش، حافظ زمین است و آن را از سقوط نگه می دارد.

زمین را به دور خود چرخانده، شب و روز و فصل های مختلف را ایجاد می کند. حرارتش سبب حیات حیوانات و گیاهان و انسان، و نورش روشنی

۱. نک: ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۱۵۴.

۲. نک: قندوزی حنفی، ینابیع المودة لذوی القربی، ج ۱، ص ۷۵.

بخش زمین است.

در ترتب این آثار، بین این که ظاهر باشد یا پشت ابر، تفاوتی وجود ندارد. جاذبه و نور و حرارت خورشید، در هر دو حال موجود است، گرچه کم و بیش دارد.

هنگام شب یا وقتی خورشید، در پس ابرهای تیره پنهان است، نادانان گمان می کنند، موجودات از نور و حرارت خورشید بی بهره اند، در صورتی که سخت در اشتباهند؛ زیرا اگر دقیقه ای نور و حرارتش به جانداران نرسد، یخ زده، هلاک می شوند و به برکت تاثیرات همان خورشید است که ابرهای تیره، پراکنده می شوند و چهره حقیقی آن نمایان می گردد.

وجود مقدس امام نیز، خورشید و قلب عالم انسانیت و مربی و هادی تکوینی آدمیان است و در ترتب این آثار، بین حضور و غیبت آن جناب، تفاوتی نیست.^۱
ب - دومین فایده امام غایب این است که ایمان به آن حضرت می تواند مایه امید و آرام بخش دل های مسلمانان باشد، این امید واری، یکی از برترین اسباب توفیق و پیشرفت در هدف است.

هر گروهی که روح یاس و ناامیدی، خانه دلشان را تاریک کرده باشد و چراغ امید و آرزو در آن نتابد، هرگز روی کامیابی را نخواهد دید.
ایمان به آن حضرت آینده روشن و فرح بخشی را برای شیعیان ترسیم کرده، به امید آن روز دلخوشند. روح یاس و شکست را از آینه دل هاشان زدوده، به کار و کوشش در راه رسیدن به هدف، تهذیب اخلاق و فراگیری و ترویج معارف اسلامی، و زمینه سازی برای آن ایام مبارک، وادارشان کرده است.^۲

۱. نک: ابراهیم امینی، د/دگستر جهان، ص ۱۵۵-۱۵۶.

۲. نک: همان، ص ۱۵۷-۱۵۸.

سبب تاخیر ظهور

همان گونه که در آیه‌های قرآن وعده داده شده است، روزی منجی عالم ظهور می‌کند و مومنان پیروز خواهند شد. سبب تاخیر ظهور طبق آنچه از روایات به دست می‌آید دو چیز است:

۱- به وجود آمدن ودائع الله:

مرحوم شیخ صدوق (قدس سره) نقل می‌کند: شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: «چرا امیر مومنان علیه السلام همان روز اول با مخالفان خود درگیر نشد، و آنها را از بین نبرد؟»

حضرت صادق علیه السلام در پاسخ گفتند: «به جهت این آیه قرآن: «لو تزیلوا لعذبنا الذین کفروا منهم عذابا الیما»؛ اگر مومنان و کفار از هم جدا می‌شدند، کافران را عذاب دردناکی می‌کردیم.

آن شخص پرسید: «منظور از جدا شدن مومنان چیست؟»

امام صادق علیه السلام پاسخ دادند: «مومنانی که در صلب کافران به امانت هستند. آیه فوق درباره مشرکان مکه است. خداوند می‌فرماید: «در بین مشرکان مکه، مومنان خالصی وجود دارند که اگر آنها نبودند، ما عذاب می‌فرستادیم و مشرکان را نابود می‌ساختیم.»

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «همان گونه که وجود مومنان در بین مشرکان مکه، مانع از عذاب آنها شد، وجود امانت‌های الهی در صلب کافران، مانع می‌شد که امیر مومنان علیه السلام آنها را از بین ببرد.

باید آرام آرام انسان‌های شایسته، از انسان‌های ناشایست به وجود آیند، و سرتاسر کره زمین افرادی شایسته رشد و نمو کنند و زمینه اصلاح جامعه فراهم آید.

امام صادق علیه السلام در ادامه فرموده‌اند: «همچنین حضرت حجت علیه السلام تا زمانی که

این ودایع الاهی به دنیا نیایند، ظهور نمی کنند^۱»^۲

۲- بالا رفتن شعاع اندیشه و رشد بشریت:

از شرایط ظهور حضرت حجت علیه السلام، آمادگی جامعه انسانی برای پذیرش دعوت الهی است. انسان‌ها باید به اندازه‌ای رشد کنند، که شایستگی پذیرش حضرت حجت علیه السلام را داشته باشند.

بنابراین مسأله مهدویت، نه تنها موجب رکود اصلاحات نمی‌شود، بلکه موجب رشد و پیشرفت اصلاحات می‌گردد؛ چرا که باید انسان‌هایی شایسته تربیت شوند، تا زمینه ظهور حضرت فراهم شود.

گاهی شایستگی‌هایی در مردم ایجاد می‌شود و خداوند گوشه‌ای از پیروزی مومنان بر کافران را نشان می‌دهد.

در سال‌های اخیر چندین نهضت در ایران واقع شد، اما زمینه مساعد نبود. این نهضت‌ها مردم ایران را آزمود و تجربه‌های ارزشمندی برای مردم به ارمغان آورد. امام خمینی (قدس سره) با کمال صدق، اخلاص و آگاهی به هدف - که راز موفقیت انبیاء است - وارد صحنه شد. مردم که این سه ویژگی را در امام لمس کرده بودند، دور ایشان جمع شدند و توانستند بر کفر و طاغوت پیروز شوند.

پیروزی مردم در انقلاب اسلامی، نمونه‌ای است از پیروزی صالحان بر کفار. هرگاه چنین آمادگی در همه جهان بشریت به وجود آید، حضرت حجت علیه السلام ظهور خواهند کرد، هر چند سفیانی خروج نکرده باشد و صیحه آسمانی را نشنیده باشیم.

همواره این امیدواری در ما زنده است، که هر لحظه ممکن است ندای حق عالم گیر شود، و انسان‌ها فراخوانده شوند؛ از این رو باید درونمان را اصلاح کنیم و در آمادگی کامل باشیم.

۱. نک: کمال الدین و تمام النعمه، ص ۶۴۱-۶۴۲.

۲. نک: محمد هادی معرفت، پرتو ولایت، ص ۴۴-۴۵.

تکلیف هر مسلمان در درجه اول این است که خودش را اصلاح کند؛ «یا ایها الذین آمنوا علیکم أنفسکم لا یضرکم من ضل إذا هتدیتم»؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، به خودتان پردازید، هرگاه هدایت یافتید، آن کس که گمراه شده است به شما زیانی نمی‌رساند.

اسلام برای اصلاح جامعه از فرد شروع می‌کند. منطق اسلام این است که یک سیب سالم، یک سیب فاسد را سالم می‌کند. اگر در بازار یک نفر درستکار وجود داشته باشد، همه بازار سالم می‌شوند.

در مرتبه بعد باید بستگان را هدایت کرد. اصلاح جامعه، آخرین مرحله است. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «اصلاح جامعه، تنها وظیفه مسئولان امت است». تک تک افراد تکلیفی نسبت به اصلاح جامعه، جز از راه اصلاح خود و بستگانشان ندارند.

بنابر این عقیده به ظهور حضرت حجت به معنای زمینه سازی و اصلاح نفس است نه این که دست روی دست بگذاریم تا امام زمان ظهور کند^۱.

ملاقات با امام زمان علیه السلام

باتوجه به افراد زیادی که در عصر غیبت، امام زمان علیه السلام را زیارت کرده‌اند، شکی نیست که دیدار امام زمان علیه السلام امری شدنی و ممکن است.

علامه حلی «ره» از دانشمندان بزرگ شیعه، در سفری از حله به کربلا، به محضر نورانی امام عصر علیه السلام می‌رسد، اما حضرت را نمی‌شناسد.

درطول مسیر، عصا از دست علامه به زمین می‌افتد. امام زمان - ارواحنا فداء - خم می‌شوند، عصای علامه را برمی‌دارند و به دست ایشان می‌دهند.

دراین هنگام سؤالی در ذهن علامه القاء می‌شود و می‌پرسد: دراین عصر که

۱. مانده، ۱۰۵.

۲. پرتو ولایت، ص ۴۵-۴۶.

دوره غیبت کبراست، آیا می توان حضرت صاحب الامر علیه السلام را ملاقات کرد؟
حضرت در پاسخ می فرمایند: چگونه نمی توان و حال آن که دست او هم
اکنون در دست توست؟!

وقتی علامه، این پاسخ را می شنود، بی اختیار خود را به زمین می اندازد تا پای
مبارک حضرت را ببوسد که از کثرت شوق مدهوش می شود.^۱
دیدار امام زمان علیه السلام در دوران غیبت برای همگان در یک سطح اتفاق نمی افتد،
بلکه بر دو گونه تحقق می یابد:

الف - دیدار عام (بدون شناخت): امام زمان علیه السلام علاوه بر حضور روحانی در
تمام عوالم، در سراسر عالم مادی نیز حضور جسمی دارند.
امیر مومنان حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید: صاحب امر در میان آن ها
راه می رود، در بازارهایشان رفت و آمد می کند، روی فرش هایشان گام بر
می دارد، ولی او را نمی شناسند، مگر خداوند به او اجازه دهد تا خودش را به
ایشان معرفی کند.^۲

بدین سان غیبت امام زمان ارواحنا فداه به معنای نفی دیدار آن حضرت
نیست، بلکه می تواند به معنای نفی شناخت آن حضرت باشد.
چه بسیار افرادی که در دوران غیبت آن حضرت به شرف دیدارش نائل
می شوند، ولی او را نمی شناسند. چه بسیار افرادی که سلام جان فزای آن
حضرت را می شنوند و حتی به سلام حضرتش پاسخ می گویند، اما صاحب سلام
را نمی شناسند.

ب - دیدار خاص (ملاقات همراه با شناخت): آن چه عموم مردمان در دوران
غیبت امام عصر - ارواحنا فداه - از آن محروم می مانند، شناخت آن حضرت
است، نه دیدار او.

۱. مرتضی آقا تهرانی، *سودای روی دوست*، ص ۳۴-۳۵.

۲. نک: *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۱۵۴.

«اعلم یا اخی ان کل مومن مخلص یمکن ان یری الامام و لا یعرفه^۱؛ بدان‌ای برادرم، همانا برای هر مومن مخلصی این امکان وجود دارد که امام را ببیند و او را شناسد.

در این میان، مهم آن است که انسان به چنان لیاقتی دست یابد که به هنگام دیدار، امام خویش را بشناسد و از روی شناخت و معرفت عرض ارادت نماید: دیده‌ای خواهی که باشد شه شناس تا شناسد شاه را در هر لباس می‌توان دریافت که دیدار امام زمان علیه السلام بیش از آن که به شخص، زمان یا مکانی خاص بستگی داشته باشد، به عوامل روحی و معنوی ویژه‌ای وابسته است که مهم‌ترین آن‌ها در حصول این توفیق الهی، توجه قلبی، مواظبت عملی، رعایت تقوا و استمرار بر گونه‌ای خاص از عبادت خداوند و اطاعت اولیائش بوده است.^۲

در غیبت کبرا برخی از انسان‌های متقی و وارسته مانند: سیدبن طاووس، علامه بحرالعلوم و شیخ محمد کوفی، موفق به دیدار حضرت مهدی علیه السلام گردیده‌اند.

بدیهی است که این توفیق شامل حال هر کسی نمی‌شود، تا کسی خود را مهذب ننماید و سنخیت با آن نیر وجود پیدا نکند، به ملاقات اختیاری همراه با شناسایی آن حضرت دست نمی‌یابد.

علامه سید مهدی بحرالعلوم «ره»، که از اعظم علمای امامیه و دارای کرامات باهره بوده است، در بحث اجماع، راه جدیدی را ابداع فرموده است که از آن در گفتار علمای اصول قرن حاضر، به اجماع تشریفی تعبیر می‌شود.

چکیده نظر ایشان این است: در زمان غیبت کبرا، برای بعضی از حاملان اسرار و علمای ابرار، توفیق تشریف حاصل و به دیدار امام نایل می‌شوند، ولی

۱. همان، ج ۵۲، ص ۱۷۲.

۲. نک: سودای روی دوست، ص ۳۵-۳۷.

چون مأمور به کتمان دیدارند، حکم خدا را در پوشش اجماع ابراز می‌دارند. این دیدگاه، مورد قبول محققان از علمای اصول واقع شده است، شیخ انصاری در کتاب «فرائد» آن را پذیرفته، ولی در غایت ندرت دانسته است. صاحب «کفایة الاصول» نیز حصول آن را برای اوحدی از علما (اندکی از علما) قبول نموده است.

مرحوم ملا احمد نراقی و ملا اسدالله شوشتری که هر دو از بزرگان فقها می‌باشند فرموده‌اند: بسیاری از دعاها، استخارات، آداب و اعمال استجبایی که مدرک روایی ندارند، بر این اساس تدوین و تنظیم گردیده‌اند.^۱

مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری فرمود: در جریان تحریم تنباکو، میرزای شیرازی با صلاح‌دید اصحاب خود، مانند مرحوم سید محمد فشارکی، مصمم شد استعمال تنباکو را کتباً تحریم کند، ولی حدود یک هفته این کار به تاخیر افتاد.

اصحاب میرزا ناراحت بودند، سرانجام مرحوم فشارکی - که ازاعظام شاگردان ایشان محسوب می‌شده است - به حضور می‌رزا رفت و با کسب اجازه از ایشان، معروض داشت: چرا در صدور اعلامیه تحریم تنباکو، مسامحه می‌کنید؟

میرزا فرمود: منتظر بودم مطلب توسط دست دیگری نوشته شود (امام زمان علیه السلام)، امروز در سرداب مطهر این حالت برایم حاصل شد و نوشتم و فرستادم: «اليوم شرب التوتون در حکم محاربه با امام زمان علیه السلام است»^۲.

تشریح یافتگان در غیبت کبری

علامه مجلسی «ره» در کتاب خویش نام گروهی را که در غیبت کبری به

۱. نک: حسین کریمی قمی، آینه اسرار، انتشارات مسجد مقدس جمکران.

۲. همان.

دیدار حضرت مهدی علیه السلام نایل آمده‌اند، برشمرده است.

بسیاری از کسانی که توفیق، یارشان گشته و به این افتخار بزرگ نائل آمده‌اند به دلایلی، از جمله: پرهیز از شهرت، مورد اتهام قرار گرفتن، ترس از حکومت‌ها، سکوت را بر بیان داستان ملاقات خویش ترجیح داده‌اند و کسانی هم که داستان دیدارشان به ما رسیده است، یا ضرورت آنان را به بیان دیدارشان مجبور ساخته است و یا احساس تکلیف شرعی، به منظور اثبات حق و استوار ساختن عقیده مردم.

در ذیل برای نمونه به چند مورد از داستان تشریف یافتگان به حضور حضرت مهدی علیه السلام و کسانی که عنایت آن جناب شامل حالشان گردیده است، اشاره می‌کنیم:

۱- اسماعیل! شفا یافتی و رستگار شدی!

از مرحوم (شمس الدین) فرزند (اسماعیل هرقلی) آورده‌اند که: پدرش در جوانی، دچار بیماری و زخم شدید و عفونی در ران چپ خود شد که او را سخت در فشار قرار داده و زندگیش را به خطر افکنده بود.

این زخم چرکین، در فصل بهار، شکافته می‌شد و خون و چرک از آن جریان می‌یافت. او از شدت ناراحتی از روستای خویش حرکت کرد و به سوی (حله) آمد و نزد سید گرانقدر آقای رضی الدین (علی بن طاووس) رفت و از درد و رنج و بیماری خویش به او شکایت برد.

سید، پزشکان شهر را برای معاینه او دعوت کرد و آنان پس از تلاش بسیار گفتند: جراحی پای او بسیار خطرناک است و نتیجه مثبت آن در برابر خطرش، اندک و ناچیز.

او همراه (سید) به بغداد آمد و در آنجا نیز به پزشکان ماهر مراجعه نمود و آنان نیز پس از معاینات دقیق، همان نظر پزشکان حله را باز گفتند.

بیمار، سرخورده و نومید به شهر تاریخی و مقدس سامرا رفت تا در آنجا به

کعبه مقصود، توسل جوید و شفای بیماری سخت و علاج ناپذیرش را از او بخواهد.

پس از گذراندن چند روز در سامرا، به نهر (دجله) رفت و پای خویش را که به دلیل جریان خون و چرک آن زخم و دمل چرکین، آلوده بود شستشو داد و لباس تمیزی به تن کرد و بازگشت.

در میانه راه به چهار سوار برخورد کرد؛ یکی از آنان لباس ویژه بزرگان و علمای دینی را به تن و نیزه ای به دست داشت.

همگی پیاده شدند و سه نفر از آن گروه، در دو سوی راه ایستادند و به بیمار سلام گفتند. آن شخصیت پر شکوه که گویی سالار آنان بود، به سوی بیمار آمد و گفت: «انت غذا تروح الی اهلک؟» اسماعیل! تو فردا به سوی خاندان و روستای خود باز می گردی؟

اسماعیل پاسخ داد: آری! سرورم!

فرمود: پس بیا جلو تا زخم پایت را ببینم.

(اسماعیل) پیش رفت و آن شخصیت پر شکوه، دست مبارک و شفابخش را بر پای او نهاد و کشید تا به نقطه زخم و درد رسید. آنجا را اندکی فشرد و آنگاه بر مرکب خویش سوار شد.

یکی از آنان گفت: (أفلحت یا اسماعیل!)؛ اسماعیل! شفا یافتی و رستگار شدی.

اسماعیل از این که آنان، او را به نام و نشان می شناختند، شگفت زده شد، اما از عنایت آنان و شفا یافتن زخم علاج ناپذیر پایش به دست شفابخش آن حضرت، غفلت کرد و تنها در پاسخ آنان تشکر کرد که: «أفلحنا و أفلحتم ان شاء الله!»؛ خدای، ما و شما را رستگار گرداند.

یکی از سواران گفت: نشناختی؟!!

این امام عصر علیه السلام است! و اشاره به آن شخصیت پر شکوه کرد از زخم پای اسماعیل پرسید.

اسماعیل به سرعت خود را به آن شهسوار شفابخش رسانید و پای او را که در رکاب بود در آغوش کشید و بوسه باران ساخت.

امام عصر علیه السلام با یک دنیا مهر و محبت فرمود: «اسماعیل! بازگرد!»

پاسخ داد: «سالارم! تو را رها نمی‌کنم و از تو جدا نمی‌گردم.»

بار دیگر فرمود: «صلاح تو در این است که بازگردی!»

اسماعیل بار دیگر پاسخ داد: «بخدا از تو جدا نمی‌شوم.»

یکی از آن سواران پیش آمد و گفت: «اسماعیل! آیا زینبده است که حضرت

مهدی علیه السلام دو بار به تو دستور دهد بازگرد و تو امام خویش را مخالفت کنی؟

درست است!؟

اسماعیل دیگر باز ایستاد و رکاب حضرت را رها کرد.

امام عصر علیه السلام به او گفت: «به بغداد که بازگشتی حاکم عباسی^۱ تو را

احضار خواهد کرد. هنگامی که نزد او رفتی و چیزی به تو داد نپذیر و نزد فرزند

ما (رضی) برو تا برایت حواله ای بر (علی بن عوض) بنویسد، من به او سفارش

می‌کنم هر چه خواستی به تو بدهد.

آنگاه امام عصر علیه السلام و یارانش او را تنها نهادند و به راه خویش ادامه

دادند و اسماعیل به مرقد منور امام هادی و عسکری (علیهما السلام) رسید و

با برخی از مردم که در آنجا بودند روبرو شد و از آنان در مورد آن چهار سوار

پرسید.

آنان پاسخ دادند: شاید آنان از شخصیت‌های بزرگ منطقه و صاحب

نعمت و ثروت و امکانات همین منطقه باشند.

اسماعیل گفت: نه بلکه امام عصر علیه السلام و سه نفر از یارانش بودند.

گفتند: آیا زخم و بیماری پای خویش را هم به او نشان دادی؟

پاسخ داد: آن بزرگوار با دست شفابخش خود پایم را گرفت و فشرد.

۱. حاکم ستمگر آن روز «مستنصر» بوده است.

و آنگاه اسماعیل پای خویش را گشود و اثری از آن زخم چرکین و بیماری علاج ناپذیر نیافت. شک و تردید به او دست داد که نکند پای دیگرش بوده به همین جهت آن پای را هم برهنه ساخت و معاینه کرد، اثری از آن زخم و بیماری نیست.

مردم به سوی او هجوم بردند و پیراهنش را به عنوان تبرک پاره پاره کردند. مأموری از سوی استبداد حاکم به سوی (اسماعیل هرقلی) آمد و از نام و مشخصات و تاریخ حرکت او از بغداد برای زیارت به سامرا، پرس و جو نمود و جواب‌هایی را که او داد، همه را برای گزارش به بغداد، به دقت نوشت.

پس از یک روز، اسماعیل از شهر مقدس سامرا حرکت کرد و راه بغداد را در پیش گرفت. به بغداد رسید، دید انبوه مردم در خارج از شهر و کنار پل اجتماع نموده‌اند و هر کس می‌رسد از نام و نشان و مبداء حرکتش می‌پرسند.

هنگامی که اسماعیل رسید، از او نیز همچون دیگر مسافران از نام و نشانش پرسیدند و هنگامی که او را شناختند موج جمعیت، گردش را گرفتند و پیراهنش را به منظور تبرک ذره ذره کردند و بردند. کار به جایی رسید که از فشار و هجوم مردم جانش به خطر افتاد.

(سید بن طاووس) و گروهی به همراه او، به استقبال (اسماعیل هرقلی) آمدند و مردم را پراکنده ساختند، هنگامی که (سید) او را دید فرمود: اسماعیل! آیا تو شفا یافته‌ای؟

پاسخ داد: آری!

سید گراندقدر از مرکب پیاده شد و ران پای اسماعیل را برهنه ساخت، اما اثری از آن زخم چرکین و عمیق نیافت، از شور و شوق بیهوش شد. هنگامی که به خود آمد به همراه اسماعیل و با دیدگانی از شور و شوق گریان نزد وزیر آمدند و سید گفت: این برادر من و محبوب ترین مردم در نظر من است.

وزیر داستان او را پرسید و خودش، از اول تا آخر بیان کرد. پزشکان بغداد را که چندی پیش به دستور (سید بن طاووس) پای (اسماعیل) را معاینه نموده بودند و تنها راه معالجه را، بریدن پا اعلان کرده و آن را نیز بسیار خطرناک توصیف نموده، همه را احضار کردند.

وزیر از آنان پرسید: شما این مرد را دیده اید؟

گفتند: آری! و جریان زخم عمیق و چرکین پای او و دیدگاه خود را باز گفتند.

پرسید: اگر آن زخم عمیق جراحی می‌گشت، به نظر شما چند روز برای بازیافت سلامت لازم بود؟

پاسخ دادند: دو ماه و تازه، جای آن زخم و جراحی هم به صورت حفره ای باقی می‌ماند و در آن موضع مویی نمی‌روید.

وزیر پرسید: شما پزشکان، چند روز پیش این بیمار را معاینه کردید؟ گفتند: ده روز پیش.

وزیر، لباس اسماعیل را از روی پایش کنار زد و گفت: بیایید! معاینه کنید! همگی نگریستند اما اثری نیافتند.

یکی از پزشکان فریادی از پرده دل برکشید که: این، کار مسیح عليه السلام است! کار پزشک نیست.

وزیر گفت: نه! اگر شما می‌پذیرید که کار پزشکان نیست ما خود خواهیم شناخت کار کیست.

سردمدار رژییم عباسی، (مستنصر)، (اسماعیل هرقلی) را به حضور طلبید و جریان را از خودش پرسید و او نیز همانگونه که اتفاق افتاده بود گزارش کرد که خلیفه دستور داد هزار دینار به او هدیه کنند.

پول را آوردند و خلیفه گفت: اسماعیل! به شکرانه شفا گرفتن، این پول را بگیر و در راه خدا انفاق نما.

پاسخ داد: من جرأت گرفتن یک دینار آن را ندارم.

خلیفه با شگفتی پرسید: از چه کسی جرأت نداری؟
گفت: از همان شفاپخشی که مرا نجات داد، چرا که او فرمود از شما چیزی
نپذیرم.

خلیفه خودکامه گریست و اندوهگین شد و اسماعیل بی آن که چیزی از او
بپذیرد از کاخ شومش بیرون آمد.

آری! (شمس الدین) فرزند (اسماعیل هرقلی) می گوید: من هم خوب به پای
پدرم نگریستم، نه تنها اثری از زخم در آن ندیدم بلکه بسان پای سالم موهای آن
نیز رویده بود!

۲ - قضیه مقدس اردبیلی

مرحوم علامه مجلسی «ره» از گروهی و آنان نیز از سید بزرگوار، جناب (میر
علام) آورده اند که: شبی در ساعت‌های آخر شب در صحن مطهر امیر مؤمنان علیه السلام
بودم، دیدم که در خلوت شب، مردی بسوی مرقد منور در حرکت است.

به او نزدیک شدم دیدم عالم پروا پیشه مقدس اردبیلی «ره» است. خود را به
او نشان ندادم و بطور مخفیانه به مراقبت او نشستم.

او به درب حرم مطهر که بسته بود رسید، اما با رسیدن او بطور شگفت
انگیزی درب گشوده شد و او وارد حرم گردید.

گوش دادم دیدم گویی با کسی به گفتگو پرداخته است، و آنگاه از حرم خارج
گردید و پس از خروج او، درب‌ها به صورت نخست بسته شد.

(مقدس اردبیلی) به سوی مسجد کوفه حرکت کرد و من نیز بطوری که او مرا
نبیند، از پی او روان شدم. او وارد مسجد و به سوی محرابی که شهادتگاه امیر
مؤمنان علیه السلام بود، راه افتاد.

۱. نک: امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور، ص ۴۱۲-۴۱۶، به نقل از بحارالانوار، ج ۵۲، ص

خود را به محراب رسانید و مدتی در آنجا درنگ کرد، سپس به سوی نجف بازگشت و من نیز به دنبال او سایه به سایه آمدم.
در میانه راه به من سرفه دست داد و آن جناب به حضور من توجه یافت و فرمود:

(میر علام! تو هستی؟)

پاسخ دادم: آری!

گفت: اینجا چه می کنی؟

پاسخ دادم: من از همان لحظات ورود شما به حرم مطهر امیر مؤمنان علیه السلام تا کنون با شما بوده‌ام و اینک شما را به مقام شامخ صاحب آن قبر سوگند می‌دهم که از آنچه از آغاز تا انجام برایتان پیش آمده است مرا با خبرسازی.
گفت: اگر تعهد کنی تا زنده هستم آن را نزد خویش نگاهداری به تو می‌گویم.

من تعهد اخلاقی سپردم.

گفت: من در برخی مسایل پیچیده علمی و فقهی می‌اندیشیدم، تصمیم گرفتم کنار مرقد امیر مؤمنان علیه السلام حاضر گردم و از آن روح ملکوتی بخواهم مشکل فقهی و علمی مرا پاسخ گوید.

هنگامی که به درب حرم رسیدم، درب‌ها گشوده شد. وارد شدم و با همه وجود، از خدا خواستم که سالارم، امیر مؤمنان علیه السلام مرا پاسخ دهد.
در این هنگام بود که ندایی از جانب قبر مطهر شنیدم که فرمود: امشب به مسجد کوفه برو، سؤال خود را از قائم آل محمد صلی الله علیه و آله بپرس، چرا که او امام زمان تو است.

به سرعت بسوی مسجد کوفه شتافتم و نزدیک محراب رفتم و از حضرت مهدی علیه السلام که در آنجا به نیایش نشسته بود، مسایل خویش را پرسیدم و او پاسخ

مرا با کرامت و صف ناپذیری داد و اینک به خانه خویش باز می‌گردم^۱.

۳- داستان آیت الله قزوینی «ره»

یکی از شایستگان شهر حله بنام (علی) می‌گوید: روزی از خانه ام، به سوی خانه آیت الله سید مهدی قزوینی به راه افتادم، هنگام عبور از کوچه‌ها، به مرقد (سید محمد) معروف به (ذی الدمعة) فرزند زید بن علی بن الحسین علیه السلام رسیدم. این مرقد منور به طرف کوچه پنجره ای داشت.

هنگام عبور، دیدم مرد پر شکوه و خوش چهره ای کنار پنجره مرقد، ایستاده و بر روح (سید محمد) فاتحه تلاوت می‌کند.

من نیز ایستادم و فاتحه‌ای خواندم. پس از پایان فاتحه، بر آن مرد بزرگ سلام گفتم. او جوابم را داد و گفت: علی! تو به خانه سید مهدی قزوینی و برای دیدار او می‌روی؟

گفتم: آری!

گفت: پس بیا با هم برویم!

در میان راه به من گفت: علی! بر زیان مالی که امسال به تو رسیده است اندوهگین مباش، چرا که تو مردی هستی که خداوند تو را با ارزانی داشتن نعمت مالی آزموده و تو را سپاسگزار و حق شناس و ادا کننده حقوق اموال خود، یافته است. آنچه را خدا بر تو واجب ساخته بود انجام دادی و مال چیزی است که می‌آید و می‌رود.

علی می‌گوید: من آن سال در تجارت زیان بزرگی کرده بودم و آن را به هیچ کسی نگفته بودم، اما هنگامی که دیدم یک مرد ناشناس از ورشکستگی و ضرر بزرگ من در تجارت آگاه است، غم و اندوه سراسر قلبم را گرفت و فکر کردم که خبر این ضرر بزرگ منتشر شده و مردم فهمیده‌اند، بطوری که این مرد بیگانه نیز از آن اطلاع یافته است اما به هر حال گفتم: خدای را سپاس!

۱. همان، ص ۴۱۹-۴۲۱؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۷۵.

آن مرد ادامه داد: علی! آنچه از اموال تو بنخاطر زیان در تجارت، از دست رفت بزودی به دستت باز می‌گردد و بدهی‌هایت پرداخت می‌شود!

هنگامی که به بیت آیت الله قزوینی رسیدیم، ایستادم و به آن مرد بزرگ گفتم: سرورم! بفرمایید داخل! من اهل این خانه هستم و شما می‌همان.

او فرمود: «انا صاحب الدار»؛ من خود صاحب خانه هستم.

اما من بر او پیشی نگرفتم، بلکه او دست مرا گرفت و وارد خانه ساخت. در کنار خانه سید مهدی قزوینی مسجدی بود، ما وارد آن مسجد شدیم و دیدیم گروهی از دانشجویان علوم اسلامی در انتظار آمدن (سید) برای تدریس هستند.

آن مرد بر جایگاه خاص (سید) نشست و کتاب (شرایع) را که در آنجا بود برگرفت و گشود و بر ورق‌هایی که آیت الله قزوینی برخی نکات را نوشته بود نظاره کرد و برخی مسایل را خواند.

در این هنگام (سید) وارد شد و دید که آن مرد بزرگ بر جایگاه او نشسته است به او خوش آمد گفت و او با ورود (سید) از جایگاه او کنار رفت، اما سید با اصرار آن مرد پرشکوه را در جای خودش نشاند.

خود آیت الله (قزوینی) در این مورد می‌گوید: من او را مردی بسیار پر شکوه و زیبا روی دیدم، بسوی او رفتم و از حال او جويا شدم، اما گویی از او شرمنده شدم که از نام و وطنش پرسم.

به هر حال، (سید) درس خود را طبق برنامه روزانه آغاز کرد و آن میهمان نیز که خود را صاحب خانه خوانده بود، در مسایلی که (سید) طرح می‌کرد پرس و جو و چون و چرا را آغاز کرد.

یکی از دانشجویان علوم دینی که کم سن و سال و کم تجربه می‌نمود، به او گفت: این بحث به شما ربطی ندارد، لطفا سکوت کنید تا بحث ادامه یابد! که او تبسم کرد و ساکت شد.

پس از پایان بحث آیت الله قزوینی از او پرسید: از کجا به شهر (حله) آمده‌اید؟

پاسخ داد: از شهر سلیمانیه.

آیت الله پرسید: چه زمانی از سلیمانیه خارج شده اید؟

پاسخ داد: دیروز!

وافزود که: نجیب پاشا آنجا را فتح کرد و پیروزمندانه وارد شهر گردید و احمد پاشا را که بر دولت عثمانی شوریده بود، دستگیر کرده است.

آیت الله قزوینی در این مورد می گوید: من در مورد سخن او و این که چگونه خبر فتح سلیمانیه به حکومت (حله) گزارش نشده است فکر می کردم، و به ذهنم نرسید که از آن مرد بزرگ پرسیم که چگونه با وجود این که دیروز از (سلیمانیه) حرکت کرده است و فاصله آنجا تا (حله) حدود ۴۰۰ کیلومتر است، امروز به (حله) رسیده است؟

آنگاه آن مرد بزرگ آب خواست، یکی از خدمتگزاران بیت برخاست تا از ظرف ویژه ای که گلین یا سفالین بود، برای او آب خوردنی بیاورد که فرمود: از آنجا نه! چرا که در آن حیوانی مرده است.

وقتی به درون ظرف نگریست، دید سوسماری زهرآگین در آن مرده است. از ظرف دیگری برایش آب آوردند. آن را نوشید، آنگاه برخاست و آماده حرکت شد که آیت الله قزوینی نیز پیا خاست و او را بدرقه نمود.

پس از رفتن او، (سید) گفت: چرا خبر او در مورد فتح سلیمانیه را به آسانی پذیرفتید؟ همه به فکر رفتند که (حاج علی) همو که پیش از همه او را در کنار مرقد (سید محمد) دیده بود، همه آنچه را که از او شنیده بود برای حاضران گفت و همگی در حالی که حیرت و بهت زدگی همه را فرا گرفته بود، حرکت کردند و به جستجوی او پرداختند و همه شهر را زیر پا نهادند، اما آن مرد بزرگ را یافتند. گویی به آسمان پر کشید یا در زمین نهان شد.

آیت الله قزوینی پس از اندیشه عمیقی گفت: مردم! بخدای سوگند که او صاحب الأمر بود. و عجیب این که پس از ده روز خبر فتح (سلیمانیه) و دستگیری

(احمد پاشا) و... تازه به (حله) و حاکم آن رسید^۱.

۴- در راه زیارت پیشوای شهیدان

فرزند آیت الله سید مهدی قزوینی، به نقل از پدر گرانقدرش می گوید: روز چهاردهم ماه شعبان، از شهر (حله) برای زیارت امام حسین علیه السلام به سوی کربلا حرکت کردم، بدان امید که شب نیمه شعبان را، در آنجا باشم و سالار شهیدان را زیارت نمایم.

هنگامی که به نقطه‌ای بنام (نهر هندی) رسیدم، دیدم راه بسته است و زائران در آنجا مانده‌اند. زیرا به آنان گزارش شده است که یکی از قبیله‌های صحرائشین، راه کربلا را مسدود ساخته و اموال زائران را غارت می‌کنند.

در شرایطی که مردم سرگردان بودند، برای نجات زائران به بارگاه خدا و امامان معصوم علیهم السلام توسل جستیم، بدان امید که مددی برسد.

ناگاه دیدم شهبواری که نیزه بلندی به دست داشت، در کنارم ایستاد و سلام کرد.

پاسخ او را دادم، وی مرا با نام و نشان مخاطب ساخت و فرمود: به زائران بگویند بیایند، اینک راه آزاد و امنیت در آن برقرار است.

ما همراه زائران کوی حسین علیه السلام حرکت کردیم و او نیز ما را همراهی می‌کرد و بسان شیر، پیشاپیش کاروان می‌رفت، اما بناگاه در میان راه و پس از رفع خطر و نگرانی از ما، از برابر دیدگانمان نمان شد، من به همراهانم گفتم: آیا تردیدی باقی است که او صاحب الزمان بود؟

همگی گفتند: نه بخدای سوگند!

آیت الله قزوینی ادامه می‌دهد: هنگامی که آن مرد بزرگ ما را همراهی می‌کرد، خوب به او نگریستم، گویی آشنا به نظرم می‌آمد، چنین می‌نمود که او را دیده‌ام، هنگامی که در یک چشم به هم زدن از نظرها ناپدید شد، بناگاه به یادم آمد که

۱. همان، ص ۴۲۳-۴۲۶؛ جنة الماوی، حکایت ۴۴؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۸۳.

این شهسوار نجات بخش همان کسی است که در حله به خانه ما آمد. ما به همراه زائران، مسافت میان (نهر هندی) تا (کربلا) را که سه ساعت بود پیمودیم و هنگامی که به دروازه شهر رسیدیم نگهبانان شهر پرسیدند: از کجا می آید؟ و چگونه آمدید؟ مهاجمان کجا رفتند؟

یکی از کشاورزان منطقه گفت: همان وقت که مهاجمان غارتگر جاده را بسته بودند، سواری که نیزه بلندی در دست داشت رسید و در میان آنان با صدای رسای خویش به هشدار پرداخت، بر اثر هشدار او و تهدید به نابودی، خداوند هراس شدیدی بر دل‌های مهاجمان افکند، بدین جهت به سرعت منطقه را ترک کردند.

آیت الله قزوینی می‌افزاید: از آن کشاورز در مورد نشانه‌های آن سوار شجاع و نجاتبخش پرسیدم و او نشانه‌های او را بر شمرده، دیدم: آری! همان شهسواری بوده است که در ساحل (نهر هندی) نزد من آمد و فرمود: به زائران اطمینان بده که جاده امن شده است، حرکت کنند!

فصل ۴

انتظار یار

هر انقلابی وقتی به نتیجه می‌رسد که قبلاً در ابعاد مختلف زمینه سازی خوبی برای آن شده باشد. انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام که مهم‌ترین، وسیع‌ترین و عمیق‌ترین انقلابات جهانی است و مربوط به همه جهان می‌باشد، از این قانون، مستثنی نیست بلکه بخاطر جهانی بودن و عمیق بودنش به طریق اولی باید برای آن زمینه سازی گردد.

در انقلاب‌های پیامبران علیهم السلام نیز زمینه سازی وجود داشت، و آن‌ها در صورتی انقلاب را به ثمر می‌رساندند که در همه ابعاد زمینه سازی عملی شود و گرنه انقلابشان در نیمه راه با شکست مواجه می‌شد.

از آنجا که انقلاب حضرت مهدی علیه السلام جهانی، همه جانبه و دراز مدت است و همه انقلاب‌های خدا پرستان تاریخ و پیامبران علیهم السلام در آن خلاصه می‌گردد، نیاز به زمینه سازی وسیع تر و عمیق تر دارد!

عوامل زمینه ساز ظهور

چنانچه اشاره شد برای ظهور آن یگانه دوران و حجت الهی نیاز به تلاش و کوشش و زمینه سازی است. برخی از عوامل زمینه ساز عبارتند از:

۱- ایمان و توکل بر خداوند: ایمان به خدای متعال و تکیه بر قدرت عظیم الهی از عوامل مهم پیروزی و زمینه سازی ظهور حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد.

۱. نک: محمد محمدی اشتهاردی، فروغ ولایت.

۲- خودسازی و تهذیب نفس: کسانی می‌توانند لیاقت حضور در صف یاران آن اسوه ایمان و پاکی را پیدا کنند که در مسیر خود سازی و تهذیب نفس گام‌های ارزنده‌ای برداشته باشند.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْإِخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ فَجَدُّوا وَانْتَظِرُوا هَنِيئاً لَكُمْ آيَتُهَا الْعَصَابَةُ الْمَرْخُومَةُ^۱؛ کسی که دوست دارد از یاران قائم علیه السلام باشد، باید در انتظار ظهور باشد، و کارهایش بر اساس تقوی، پاکی و اخلاق نیک باشد، چنین کسی منتظر امام علیه السلام است، و در این راه بکوشید و آماده باشید، گوارا باد بر شما ای جوانمردان که رحمت خدا با شما است.

۳- بکارگیری آموزه‌های زلال و ارزشمند قرآنی در زوایای گوناگون زندگی فردی و اجتماعی و بیرون آوردن قرآن از غربت و مهجوریت. در فرمایشی از حضرت علی علیه السلام آمده است: قرآن ظاهرش زیبا و باطن آن ژرف است. شگفتی‌ها و عجایب آن تمام نمی‌شود و تاریکی‌ها جز به وسیله قرآن زدوده نمی‌گردد.^۲

در قرآن کریم می‌خوانیم: ﴿وَ مَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ لِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا^۳؛ چرا در راه خدا، و (در راه نجات) مردان و زنان و کودکانی که (بدست ستمگران) تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟! همان افراد (ستم‌دیده ای) که می‌گویند: خدایا! ما را از این شهر (مکه) که اهلش ستم‌گرند، بیرون ببر؛ و از طرف خودت، سرپرست و یاور قرار بده.

یکی از درس‌هایی که از این آیه می‌گیریم این است که نباید نسبت به امور جامعه و رنج محرومان و ستم‌دیده گان بی تفاوت باشیم، باید برای خدا و نجات

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰.

۲. نک: نهج البلاغه، خطبه ۱۸.

۳. نساء، ۷۵.

مستضعفان، با ستم گران و جباران عالم مبارزه و پیکار کنیم، و خود را در درد و رنج آنان سهیم بدانیم.

۴- اطاعت و پیروی از رسول گرامی اسلام و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام که بهترین بندگانی خداوند و خیر خواهان و هدایتگران بشریتند.

۵- فراگیری علم و دانش و بکارگیری آن در مسیر رضای خداوند و خدمت صادقانه به بندگانی خداوند.

۶- استقامت و پایداری در برابر فتنه‌ها و تندبادهای حوادث، و سر خم نکردن در مقابل دشمنان و بد خواهان امت اسلامی.

در عصر غیبت امام زمان علیه السلام و در آستانه ظهور آن حجت الهی، مردم در آزمایش‌های سختی قرار می‌گیرند، در چنین وضعی، نگهداری ایمان کاری بس دشوار و نیازمند صبر و استقامت است.

یکی از یاران امام باقر علیه السلام، از آن حضرت پرسید: فرج شما چه وقت است؟ امام علیه السلام فرمودند: «هیهات، هیهات لا یكون فرجنا حتی تغربلوا ثم تغربلوا ثم تغربلوا، حتی یدهب الله الکرد و یتقی الصفو»؛ هیهات هیهات، فرج ما نرسد تا غربال شوید، باز هم غربال شوید و باز هم غربال شوید تا این که کدورت‌ها برود و صافی و زلال بماند!

۷- رعایت اخلاق نیک و پسندیده در برخوردها و تمام ابعاد زندگی، و رعایت حقوق جانی و مالی و آبرویی مردم که عالی‌ترین نقش را در جذب دیگران و نفوذ در دل‌ها دارد.

۸- برادری اسلامی و رسیدگی به دردهای اجتماعی و تأسیس واحدهای گسترده در حمایت از مستضعفان و محرومان.

۹- برخورد های منطقی و خدا پسندانه با یکدیگر: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر اساس علم و دانش و روش‌های درست، با گروه‌های مختلف غیر اسلامی مناظره و بحث

می کرد.

امام صادق علیه السلام شاگردان زیادی در رشته‌های مختلف تربیت می نمود، و خود شخصاً با منکران خدا می نشست و به بحث و گفتگو می پرداخت. این بحث‌های روشن‌گرانه نقش مؤثری در توسعه اسلام داشت.

در قرآن کریم می خوانیم: ﴿ادع الی سبیل ربك بالحکمة والموعظة الحسنه و جادلهم بالتي هي احسن...﴾^۱؛ با حکمت و پندهای نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما؛ و با آن‌ها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن.

۱۰ - اتحاد و یکپارچگی امت اسلامی: اتحاد و انسجام نقش اعجاز آمیزی در پیشبرد اهداف دارد. اتحاد بسان سدّ عظیمی است که مبدأ بزرگترین نیروهای صنعتی و آبیاری سرزمین‌های بزرگ و روشنائی شهرهای زیاد می شود. امروزه اگر امت اسلامی بر اساس نقاط مشترک، با هم متحد و یکپارچه بودند، شاهد این همه ظلم و ستم و بی عدالتی بر علیه مسلمانان جهان و توهین به مقدسات اسلامی نبودیم.

۱۱ - اطاعت و فرمانبرداری از رهبری متقی، مدیر، مدبر، اسلام شناس، بصیر و آگاه نسبت به دسیسه‌های گوناگون دشمنان امت اسلامی.

ولایت و رهبری در اسلام از جایگاه والایی برخوردار است، تمام برنامه‌های اسلام باید تحت نظارت ولایت و رهبری صالح باشد.

در اسلام نشان راه و پیشوا و جلودار امت، مقام ولایت و رهبری دینی است. وست که همه گروه‌های اسلام را در یک خط به پیش می برد و کلام او فصل لخطاب است.

چنانچه در صدر اسلام رهنمودهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام نقش اساسی و کلیدی در پیشبرد اهداف والای اسلام داشت؛ امروز نیز در راه انتظار نور و آماده سازی حکومت واحد جهانی به رهبری حضرت مهدی علیه السلام

باید این خط حفظ گردد، تا دشمنان از آسیب رساندن به امت اسلامی ناامید و مسلمانان به برکت رهبری دینی - ولایت فقیه - حرکت و سیر پیشرفت و تکامل خود را ادامه داده و با عزت و سربلندی به قلعه‌های بلند کمال و عبودیت پروردگار راه یابند.

۱۲ - برنامه ریزی دقیق و استفاده درست از زمان: کافی است کمی در زندگی خود دقت نماییم خواهیم دید که چه فرصت‌ها و لحظه‌های گران بها و ارزشمندی را در اثر بی برنامه بودن از دست داده ایم و گاه وقتی به خود می‌آییم که توان خود را از دست داده و کار چندانی از ما ساخته نیست.

امیرمؤمنان امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «شب و روز در تو کار می‌کنند تو هم در آن دو کار کن و از - سرمایه - تو می‌گیرند تو نیز از آن دو بگیر^۱».

۱۳ - ترویج و گسترش امر به معروف و نهی از منکر، با رعایت اصول و ضوابط آن نیز از عوامل مهم زمینه سازی ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی علیه السلام به حساب می‌آید.

حضرت علی علیه السلام در باره اهمیت این دو اصل می‌فرمایند: «تمام کارهای خیر و حتی جهاد در راه خدا، نسبت به امر به معروف و نهی از منکر مانند رطوبت دهان است نسبت به آب دریا^۲».

۱۴ - اهمیت دادن به جمعه و جماعات نیز از عوامل زمینه ساز ظهور منجی بشمار می‌آید. وقتی در نماز دقت کنیم، می‌بینیم بر اساس جماعت تشریح شده است.

در سوره حمد واژه‌های «نعبد»، «نستعین»، «اهدنا»، همه به صورت جمع به کار رفته است. و در پایان نماز، سلام بر جمع شده (السلام علیکم).

حضور در مساجد برای اقامه نماز و شرکت در نماز پر شکوه و دشمن شکن

۱. نک: علی بن محمد لیشی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۱۴۴.

۲. نک: نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴.

جمعه باعث رشد، بالندگی و انسجام امت اسلامی گردیده و مردم را با معارف و آموزه‌های انسان ساز اسلامی و نیازهای اجتماعی آشنا می‌سازد. این اجتماعات ارزنده می‌تواند مردم را با نقشه‌های شوم دشمنان اسلام آشنا ساخته و امت اسلامی را بسوی آرمان‌ها و اهداف مقدس حضرت مهدی علیه السلام به حرکت و تلاش بیشتر در آورد.

زنان و زمینه سازی ظهور

در راستای زمینه سازی ظهور، زنان نیز که نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند، نقش و مسئولیت بسیار مهم و زیادی دارند. زنان نیز وظیفه دارند دوش به دوش مردان برای زمینه‌سازی ظهور امام قائم علیه السلام و برای خودسازی و پاکسازی محیط و قهرمان پروری، تلاش عمیق و خستگی ناپذیر بنمایند.

اصحاب و انصار حضرت مهدی علیه السلام

مقصود از اصحاب حضرت مهدی علیه السلام همان ۳۱۳ نفری می‌باشند که امیر مؤمنان و امام صادق (علیهما السلام) آنان را: «پرچمدار یاوران آن گرامی» تعبیر کرده‌اند و این بیانگر این واقعیت است که آنان دارای توانایی‌ها، کارآیی‌ها، آگاهی‌ها، کفایت‌ها، مدیریت‌ها و صلاحیت‌های لازم و بالایی برای فرماندهی و سازمان بخشیدن به نیروی طرفدار حق اند!

امام صادق علیه السلام از آنان تعبیر به: «حکام الله فی ارضه^۱» می‌کند.

اما انصار امام مهدی علیه السلام را، مردم پاکبخته و با ایمانی تشکیل می‌دهند که با قیام امام علیه السلام از مکه، به تدریج به لشکر او می‌پیوندند و با همه وجود در خدمت اجرای برنامه و گام‌های بلند اصلاحی آن حضرت قرار می‌گیرند، و با دشمنان

۱. نک: امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۶۰۱.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ص ۶۷۳.

حق و عدالت، تا محو بیداد و سرشار ساختن زمین و زمان از عدل و داد، پیکار همه جانبه می‌نمایند!

امتیازات یاران حضرت

یاران حضرت مهدی علیه السلام، انسان‌هایی ممتاز و چهره‌هایی نورانی و در اوج ایمان و تقوا و عفت پاکی می‌باشند.

امیر مؤمنان امام علی علیه السلام در اشاره به امتیازات آنان می‌فرماید: «لم یسبقهم الأولون ولا یدرکهم الآخرون^۲»؛ پیشینیان بر آنان سبقت نگرفته و از آیندگان کسی به مقام والای آنان نمی‌رسد.

برخی از آنان به کرامت و مقامی می‌رسند که زمین زیر پای آنان بسان طوماری درهم پیچیده و نزدیک می‌شود و مسافت طولانی را به صورت اعجاز‌آمیزی، در مدتی کوتاه می‌پیمایند.

امام صادق علیه السلام در مورد آنان می‌فرماید: «فتصیر الیه شیعتہ من أطراف الأرض، تطوی لهم طیا حتی یبایعوه^۳»؛ یاران مهدی علیه السلام از نقاط مختلف زمین بسوی او حرکت می‌کنند و زمین زیر پای آنان درهم پیچیده و دور، نزدیک می‌گردد. گرچه ما بطور دقیق، چگونگی (طی الارض) را نمی‌دانیم اما این را می‌دانیم که این کار شگفت برای برخی از بندگان خدا می‌سر است.

قرآن شریف در داستان حضرت سلیمان علیه السلام می‌فرماید: ﴿قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ * قَالَ عَفْرَيْتُ مِنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ * قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رآه مُسْتَقَرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي...﴾^۴؛ سلیمان گفت: هان ای بزرگان!

۱. نک: امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۶۰۱.

۲. علی کورانی، معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۱۰۰.

۳. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۹.

۴. نمل، ۳۸-۴۰.

کدامیک از شما تخت او را برای من می آورد پیش از آنکه فرمانبردارانه نزد من بیایند؟!^۱

عفریتی از جن ها گفت: «من پیش از آنکه از جایت برخیزی آن را نزد تو حاضر می کنم، چرا که من بر این کار هم توانا هستم و هم امین.»
و آن کس که دانشی از کتاب داشت گفت: «من پیش از آن که چشم بر هم نهی آن را نزد تو می آورم.» و آنگاه هنگامی که (سلیمان) آن (تخت) را نزد خویش ثابت دید گفت: «این از فزون بخشی پروردگار من است...»
این آیه شریفه به صراحت بیان گر امکان (طی الارض) و تحقق آن است، نشانگر آن است که تخت ملکه سبا در ظرف کمتر از یک لحظه در برابر سلیمان علیه السلام حاضر گردید، آن هم از فاصله ای بسیار دور، همچون فاصله (یمن) در (جزیره العرب) تا (اردن).

راستی چگونه می توان سریعتر از سرعت صوت تخت ملکه سبا را از یمن به اردن انتقال داد؟! روشن است که معیارهای مادی و طبیعی در پاسخگویی به حقایق ماورای طبیعی، ناتوان و نارسایند.^۱
ایمان استوار و محکم؛ نیایش به درگاه خدای متعال و شب زنده داری؛ اطاعت و فرمانبرداری از حجت الهی؛ عرفان و آگاهی؛ تواضع و فروتنی؛ اتحاد و برادری؛ نشاط و اقتدار؛ هماهنگی و یکدلی؛ زهد و وارستگی؛ جهاد و ستیز با ستمگران؛ ایثار و فداکاری؛ یاد آوری مصائب جانسوز امام حسین علیه السلام؛ عشق به شهادت در راه خدا نیز از ویژگی های یاران امام عصر علیه السلام می باشد.

شیعه در عصر ظهور

شیعیان و پیروان خاندان وحی و رسالت که عقیده به امام مهدی علیه السلام دارند و او را دوازدهمین امام معصوم می شناسند، هنگامه ظهور امام مهدی علیه السلام در طلوعه

۱. نک: امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور، ص ۶۱۷-۶۱۸.

یاران او هستند و در عصر ظهور به اوج شکوه خواهند رسید.
 در آن روزگار نه حکومت منحرف و بیدادگری وجود خواهد داشت که
 اینان از او بهراسند و نه قدرتی که از آن در هراس باشند.^۱
 امام صادق علیه السلام می فرمایند: «یکون شیعتنا فی دولة القائم علیه السلام سنام
 الارض و حکامها، يعطى كل رجل منهم قوة أربعين رجلاً»؛ شیعیان ما، در
 حکومت قائم علیه السلام سروران و زمامداران زمین و فرمانروایان آن هستند و به هر
 کدام نیروی چهل قهرمان داده می شود.
 نیز آن حضرت فرموده اند: «ان الله نزع الخوف من قلوب شیعتنا و أسكنه
 قلوب أعدائنا، فواحدهم أمضى من سنان و أجراً من لیث، يطعن عدوه برمحاه و
 يضربه بسيفه و يدوسه بقدمه»^۲؛ خداوند ترس را از قلب شیعیان ما برکنده و آن
 را در قلب دشمنان ما جای می دهد. هر کدام از آنان برنده تر از نیزه و پرشهامت
 تر از شیرند. دشمنان را با سرنیزه خویش زخم کاری می زنند و بوسیله شمشیر
 از پای در می آورند و پایمال می سازند.
 امیر مؤمنان علیه السلام فرموده اند: «کانی انظر الی شیعتنا بمسجد الکوفة،
 قد ضربوا الفساطیط يعلمون الناس القرآن»^۳؛ گویی به شیعیان مان می نگرم که در
 مسجد کوفه خیمه ها برافراشته اند و قرآن را به مردم آموزش می دهند.

۱. نک: همان، ص ۷۶۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۲.

۳. همان، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۴. محمدبن ابراهیم نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۳۱۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴.

بخش دوم

استغاثه به حضرت مهدی علیه السلام

فصل ۱

کاوش معنایی و کاربرد قرآنی

«استغاثة»، مصدر باب إستفعال از ریشه «غوٲ» (یاری کردن، مدد رسانی)، می‌باشد.

جوهری از لغت شناسان بنام گوید: عبارت «غوٲ الرجل» در جایی بکار می‌رود که شخصی فریاد برآورد: «واغوٲاه»؛ یعنی: مرا دریابید، بفریادم برسید. «إستغاثنی فلان فأغٲته»؛ یعنی: فلانی از من یاری خواست من هم او را کمک نمودم.^۱

راغب اصفهانی در کتاب گرانسنگ المفردات گوید: «غوٲ» در باره یاری نمودن و «غیٲ» در باران بکار می‌رود.^۲

در سوره یوسف عليه السلام می‌خوانیم: «ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَ فِيهِ يَعْصِرُونَ»^۳؛ سپس سالی فرا می‌رسد که باران فراوان نصیب مردم می‌شود؛ و در آن سال، مردم عصاره (میوه‌ها و دانه‌های روغنی را) می‌گیرند.

بدیهی است وقتی سال پر برکت باشد و باران و نعمت فراوان بیاید، مردم آن دیار یاری و فریاد رسی شده‌اند و از اینجا دانسته می‌شود که «غوٲ» و «غیٲ» معنای مشترک و نزدیک به هم دارد.

در قرآن کریم «استغاثة»، به معنای درخواست یاری و فریاد رسی است که

۱ جوهری، صحاح اللغة، ج ۱، ص ۲۸۹.

۲ «الغوٲ يقال في النصره والغیٲ في المطر» المفردات، ص ۳۶۷.

۳ یوسف، ۴۹.

گاه بصورت مستقیم و بدون واسطه از خدای متعال درخواست شده است مانند آیه شریفه: ﴿إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُم بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرَدِّينَ﴾^۱؛ به یاد آورید زمانی را که (در جنگ بدر) از پروردگارتان کمک می‌خواستید و او خواسته شما را پذیرفت (و گفت): من شما را با یک هزار از فرشتگان، که پشت سر هم فرود می‌آیند، یاری می‌کنم.

در جایی دیگر در مذمت فردی حق شناس که به نصایح پدر و مادرش گوش نمی‌داد می‌خوانیم: «وَالَّذِي قَالَ لَوَالِدَيْهِ أَفْ لَكُمْمَا أَتَعَدَانِي أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي وَهُمَا يَسْتَكْبِرَانِ اللَّهُ وَتِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ»^۲؛ کسی که به پدر و مادرش می‌گوید: اف بر شما آیا به من وعده می‌دهید که روز قیامت مبعوث می‌شوم؟ در حالی که قبل از من اقوام زیادی بودند (و مبعوث نشدند) و آن‌ها پیوسته فریاد می‌کشند و خدا را به یاری می‌طلبند که: وای بر تو! ایمان بیاور که وعده خدا حق است، اما او پیوسته می‌گوید: اینها چیزی جز افسانه‌های پیشینیان نیست!

و گاه استغاثه از غیر خداوند متعال است مانند: ﴿وَ دَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينٍ غَفْلَةٍ مِنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَةِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَزَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُضِلٌّ مُبِينٌ﴾^۳؛ و (موسی) هنگامی که اهل شهر در غفلت بودند وارد شهر شد؛ ناگهان دو مرد را دید که به جنگ و نزاع مشغولند؛ یکی از پیروان او بود و دیگری از دشمنانش؛ آن که از پیروانش بود در برابر دشمنش از وی یاری خواست؛ پس (موسی) مشتی بدو زد و کار او را ساخت (بر زمین افتاد و مرد)؛ (موسی) گفت: این (نزاع شما) کار شیطان بود، چرا که او دشمنی گمراه کننده و آشکار است.

در سوره کهف می‌فرماید: ﴿وَ قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّا

۱. انفال، ۹.

۲. احقاف، ۱۷.

۳. قصص، ۱۵.

أَخْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِنْ يَسْتَعِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا^۱؛ و بگو این حق است از سوی پروردگارتان، هر کس می‌خواهد ایمان بیاورد و هر کس می‌خواهد کافر گردد، ما برای ستمگران آتشی آماده کرده‌ایم که سراپرده‌اش آن‌ها را از هر سو احاطه کرده است، و اگر تقاضای آب کنند، آبی برای آن‌ها می‌آورند همچون فلز گداخته که صورت‌ها را بریان می‌کند، چه بد نوشیدنی است و چه بد محل اجتماعی!

بنابر این «استغاثه» یعنی درخواست یاری و دستگیری، خواه از خداوند باشد و یا از دیگران. بدیهی است کمک خواهی از انبیاء الاهی، امامان معصوم علیهم‌السلام و بندگان صالح خداوند متعال، از آنجا که همراه با رضایتمندی و إذن خالق یکتاست و از سویی در اثر گذاری و کمک رسانی مستقل از خواست خداوند نیستند؛ مدد خواهی از خداوند است و هیچ گونه منافاتی با آن ندارد و اما دل‌بستگی به قدرت‌ها و افراد و راه‌هایی که رضای خدای متعال در آن نیست؛ سرابی بیش نبوده و کاری از آنان ساخته نیست.

در قرآن کریم واژه‌هایی مانند: «استنصار»؛ «استصراخ»؛ «اصطراخ» و «جوار» نیز بکار رفته که پیوند معنایی نزدیکی با «استغاثه» دارد.

در سوره قصص آمده است: ﴿فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا السُّدِّيُّ اسْتَنْصَرَهُ بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِخُهُ قَالَ لَهُ مُوسَى إِنَّكَ لَغَوِيٌّ مُبِينٌ^۲؛ صبحگاهان (موسی) در شهر بیمناک و در انتظار [حادثه‌ای] بود ناگاه همان کسی که دیروز از وی یاری خواسته بود [باز] با فریاد از او یاری خواست؛ موسی به او گفت: تو آشکارا انسان (ماجرا جو) و گمراهی هستی.

مرحوم علامه طباطبائی «ره» می‌نویسد: کلمه «استصراخ» به معنای استغاثه به صدای بلند است، که از «صراخ» به معنای صیحه و فریاد مشتق شده است.^۳

۱. کهف، ۲۹.

۲. قصص، ۱۸.

۳. نک: محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۲۰.

در سوره فاطر می خوانیم: ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا كَذَلِكَ نَجْزِي كُلَّ كَافِرٍ * وَهُمْ يَصْطَرِّخُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ أَوْ لَمْ نَعْمَرْكُمْ مَا يُتَذَكَّرُ فِيهِ مِنْ تَذَكُّرٍ وَجَاءَكُمْ النَّذِيرُ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ﴾^۱ و [الی] کسانی که کافر شده اند آتش جهنم برای آنان خواهد بود حکم به مرگ بر ایشان [جاری] نمی شود تا بمیرند و نه عذاب آن از ایشان کاسته شود [آری] هر ناسپاسی را چنین کیفر می دهیم * و آنان در آنجا فریاد برمی آورند پروردگارا ما را بیرون بیاور تا غیر از آنچه می کردیم کار شایسته کنیم مگر شما را [آن قدر] عمر دراز ندادیم که هر کس که باید در آن عبرت گیرد عبرت می گرفت و [آیا] برای شما هشداردهنده نیامد پس بچشید که برای ستمگران یآوری نیست.

مرحوم طبرسی «ره» می نویسد: کلمه «اصطراخ» به معنای شیون، فریاد و استغاثه است، و این کلمه از باب افتعال از ماده «صراخ - ناله» است.^۱

در دعای ارزشمند و پر محتوای کمیل این گونه به درگاه خداوند متعال استغاثه و ناله می کنیم: «یا صریخ المستصرخين^۲؛ ای فریاد رس ناله کنندگان. در آیه ای دیگر آمده است: ﴿حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِم بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْأَرُونَ * لَآ تَجْأَرُوا الْيَوْمَ إِلَيْكُمْ مِنَّا لَآ تَنْصَرُونَ﴾^۳؛ تا وقتی خوشگذرانان آن ها را به عذاب گرفتار ساختیم بناگاه به زاری درمی آیند * امروز زاری نکنید که قطعاً شما از جانب ما یاری نخواهید شد.

﴿وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ لَأَلَيْهِ تَجْأَرُونَ﴾^۴؛ و هر نعمتی که دارید از خداست سپس چون آسیبی به شما رسد به سوی او روی می آورید [و می نالید].

۱. فاطر، ۳۶-۳۷.

۲. نک: طبرسی، مجمع البیان، ج ۸، ص ۲۴۸.

۳. نک: محدث قمی، مفاتیح الجنان، انتشارات نور المبین.

۴. مومنون، ۶۴-۶۵.

۵. نحل، ۵۳.

علامه «ره» می‌نویسد: کلمه «جؤار» - به ضم جیم - به معنای صدای حیوانات وحشی است، و جمله «فَالَيْهِ تَجْتَرُونَ» (به درگاه او نعره می‌زنید) کنایه از دعا و تضرع و استغاثه است که به نعره حیوانات تشبیه شده است.^۱

واژه‌هایی مانند: «توسل»، «تشفع»، «توجه»، «تجوه»، نیز در زبان عربی برای واسطه شدن و درخواست یاری و دستگیری و فریاد رسی بکار می‌رود.

۱. نک: تفسیرالمیزان، ج ۱۲، ص ۲۷۰-۲۷۱.

فصل ۲

مشروعیت استغاثه

استغاثه و توسل به پیامبران الهی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام آن گونه که شیعیان اهل بیت علیهم السلام بر اساس توصیه و راهنمایی‌های امامان علیهم السلام به آن معتقدند امری جایز و برخوردار از دلیل عقلی، قرآنی و روایی می‌باشد. از سوی دیگر با توجه به ارتباط نزدیک معنایی میان واژه‌هایی مانند: توسل؛ شفاعت؛ استغفار؛ می‌توان از ادله جواز شان، در باب استغاثه نیز بهره برد. بدیهی است که استغاثه به اولیاء الهی در واقع استغاثه به ذات مقدس خداوند یگانه و مقتدر است. ما با استغاثه به کسانی که از بندگان شایسته خداوند می‌باشند و واسطه‌های فیض و حلقه‌های وصل پروردگار عالم هستند، در واقع به خدای متعال توسل جسته‌ایم و این هیچ گونه تضادی با توحید و یکتا پرستی ندارد!

به سخن دیگر: کمک خواهی از غیر خدا، خواه انسان باشد، خواه عامل طبیعی، با اعتقاد به این که او در فعل و کمک رسانی خود، از خدا بی نیاز بوده و از موضع استقلال، انسان را یاری می‌کند، چنین کمک خواهی قطعاً شرک بوده و شیعیان اهل بیت علیهم السلام از چنین اندیشه باطل و ناروایی بیزارند.

و اما استغاثه و کمک خواهی از غیر خداوند، با این قید که این فرد، در یاری رسانی خود، از قدرت و نیروی خدادادی بهره گرفته است و انسان را یاری می‌کند، نه تنها مایه شرک نیست، بلکه عین توحید است، زیرا جهان آفرینش

۱. نک: علامه امینی، *الغدیر*، ج ۳، ص ۲۹۲.

جهان اسباب و مسببات است، و فیض الاهی، براساس مشیت خدا، از مجاری یک رشته اسباب به انسان می‌رسد، و سبب در کار خود، استقلال ندارد و به امر الاهی کار خود را انجام می‌دهد.^۱

استغاثه در قرآن

برخی از آیاتی که دلالت بر جواز استغاثه داشته و یا آن را تایید می‌کنند عبارتند از:

۱- ﴿فَاسْتَعَاثَ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ...﴾^۲؛ پیرو موسی، از او استغاثه نمود و موسی او را یاری نمود.

اگر استغاثه و توسل به اولیاء و صالحان جایز نبود، و کاری خلاف شرایع توحیدی بود، بر حضرت موسی عليه السلام به عنوان یک پیامبر بزرگ الاهی، لازم بود او را نهی کند.

از این که آن حضرت پیرو خود را نهی ننموده، بلکه به یاری و کمک او شتافته است، نتیجه می‌گیریم استغاثه و یاری خواستن از اولیاء الاهی امری جایز است.

۲- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۳؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید پرهیزگاری پیشه کنید و وسیله‌ای برای تقرب به خدا انتخاب نمائید و در راه او جهاد کنید باشد که رستگار شوید.

«وسيله» در اصل به معنی تقرب جستن و یا چیزی که باعث تقرب به دیگری از روی علاقه و رغبت می‌شود می‌باشد.

وسيله در آیه فوق معنای بسیار وسیعی دارد و هر کار و هر چیزی را که

۱. نک: جعفر سبحانی، راهنمای حقیقت، ص ۱۵۸-۱۶۲.

۲. قصص، ۱۵.

۳. مائده، ۳۵.

باعث نزدیک شدن به پیشگاه مقدس پروردگار می‌شود شامل می‌گردد، که مهم‌ترین آن‌ها ایمان به خدا و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و جهاد و عبادات، همچون نماز و زکات و روزه و زیارت خانه خدا و همچنین صلۀ رحم و انفاق در راه خدا اعم از انفاق‌های پنهانی و آشکار و همچنین هر کار نیک و خیر می‌باشد.

شفاعت پیامبران و امامان و بندگان صالح خدا که طبق صریح قرآن باعث تقرب به پروردگار می‌گردد، در مفهوم وسیع توسل داخل است، و همچنین پیروی از پیامبر و امام و گام نهادن در جای گام آن‌ها زیرا همه اینها موجب نزدیکی به ساحت قدس پروردگار می‌باشد...^۱

گاهی انسان به جهت سرپیچی از فرمان‌های الاهی، احساس می‌کند شایستگی آن را ندارد که درخواستش مقبول درگاه خداوند قرار گیرد و به همین جهت دنبال وسیله‌ای می‌گردد تا بین او و پروردگار واسطه شود؛ مانند کارمندی که از وظایفش سرپیچی کرده و رو ندارد از رئیسش درخواستی کند.

زمان و مکان شریف، از وسیله‌های ارتباط انسان با پروردگار است. خداوند می‌فرماید هرگاه حاجتی داشتی، حاجتت را با مکان شریف یا زمان شریف قسریں کن تا آن مکان و زمان شریف شفیع تو شوند و دعایت شایستگی اجابت را پیدا کند.

حضرت یعقوب علیه السلام هنگامی که فرزندانش مرتکب گناه شدند، گفت: هنگام سحر برای شما طلب مغفرت می‌کنم.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام نیز از وسائل ارتباط با خدا می‌باشند.

وفات و حیات در توسل به پیامبر و امامان علیهم السلام تاثیری ندارد و توسل به آن‌ها پس از رحلت شان، مانند توسل به آن‌ها در زمان حیاتشان است؛ چرا که ما امامان معصوم را همواره زنده می‌دانیم.

۱. نک: مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۳۶۴-۳۶۵.

سید ابن طاووس دعایی را برای حل مشکلات سخت معرفی می‌کند. در این دعا آمده است: «اللهم بلغ روح محمد و آل محمد منی التحية و السلام و اردد علی منهم تحية كثيرة و سلاماً».

این که از خداوند می‌خواهیم جواب سلام ما را از پیامبر به ما برساند، نشان دهنده اعتقاد ما به زنده بودن پیامبر صلی الله علیه و آله است.

همچنین سید ابن طاووس به سند معتبر از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «هرکس هنگام رفتن به رختخواب، سوره ملک را بخواند و سپس این دعا را چهار مرتبه بخواند: «اللهم رب الحل و الحرم بلغ روح محمد عنی تحية و سلاماً»؛ خداوند دو ملک را مکلف می‌کند که درود او را به پیامبر برساند و بگویند: «فلانی برای شما درود فرستاد» آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گوید: «و بر این شخص درود و رحمت خدا باد».

این روایت‌ها نشان می‌دهد که پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام پس از رحلت نیز مانند زمان حیاتشان، به درخواست‌ها پاسخ می‌دهند و حیات و ممات برای آنها معنا ندارد؛ از این رو می‌توانیم از آنها حاجتی را بخواهیم یا آنها را وسیله قرار دهیم.^۲

۳- ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِيماً﴾^۳؛ اگر آنها هنگامی که به خویشتن ستم کردند (و مرتکب گناهی شدند) به سراغ تو می‌آمدند و از خداوند طلب عفو و بخشش می‌کردند و تو نیز برای آنها طلب عفو می‌کردی، خدا را توبه پذیر و رحیم می‌یافتند.

از این آیه شریفه نیز استفاده می‌شود که وسیله قرار دادن مقام انسان صالحی در پیشگاه خدا و طلب چیزی از خداوند به خاطر او، به هیچوجه ممنوع نیست و

۱. بحار ج ۸۳، ص ۸۹.

۲. نک: پرتو ولایت، ص ۷۱-۷۵.

۳. نساء، ۶۴.

منافات با توحید ندارد.

نیز در آیه ۹۷ سوره یوسف می خوانیم که: ﴿يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ﴾ * قَالَ سَوْفَ اسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿﴾ برادران یوسف از پدر تقاضا کردند که در پیشگاه خداوند برای آنها استغفار کند و یعقوب نیز این تقاضا را پذیرفت. در آیه ۱۱۴ سوره توبه نیز موضوع استغفار ابراهیم در مورد پدرش آمده که تاثیر دعای پیامبران را در باره دیگران تایید می کند و همچنین در آیات متعدد دیگر قرآن این موضوع منعکس است.

استغاثه در روایات

از روایات فراوانی که از طرق شیعه و اهل تسنن در دست داریم، به خوبی استفاده می شود که استغاثه به بندگان صالح خداوند و کمک خواهی از آنان هیچ گونه اشکالی ندارد، بلکه کاری شایسته محسوب می شود، در اینجا به چند روایت که در کتب معروف اهل تسنن آمده است اشاره می کنیم:

۱- در کتاب «وفاء الوفاء»، تالیف دانشمند معروف سنی «سمهودی» چنین می خوانیم که: مدد گرفتن و شفاعت خواستن در پیشگاه خداوند از پیامبر ﷺ و از مقام و شخصیت او، هم پیش از خلقت او مجاز است و هم بعد از تولد و هم بعد از رحلتش، هم در عالم برزخ، و هم در روز رستاخیز، سپس روایت معروف توسل آدم را به پیامبر اسلام از عمر بن خطاب نقل کرده که: آدم روی اطلاعی که از آفرینش پیامبر اسلام در آینده داشت به پیشگاه خداوند چنین عرض کرد: «یا رب اسئلك بحق محمد لما غفرت لی»؛ خداوندا به حق محمد ﷺ از تو تقاضا می کنم که مرا ببخشی.

سپس حدیث دیگری از جماعتی از راویان حدیث از جمله «نسایی» و «ترمذی» دانشمندان معروف اهل تسنن به عنوان شاهد برای جواز توسل به

۱. نک: تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۳۶۷، به نقل از: وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۳۷۱.

پیامبر در حال حیات نقل می‌کند که خلاصه‌اش این است: مرد نابینایی تقاضای دعا از پیامبر برای شفای بیماریش کرد، پیغمبر به او دستور داد که چنین دعا کند: «اللهم انی اسئلك و اتوجه الیک بنبیک محمد نبی الرحمة یا محمد انی توجت بک الی ربی فی حاجتی لتقضى لی اللهم شفعه فی^۱؛ خداوندا من از تو به خاطر پیامبرت، پیامبر رحمت، تقاضا می‌کنم و به تو روی می‌آورم ای محمد! بوسیله تو به سوی پروردگارم برای انجام حاجتم متوجه می‌شوم، خداوندا او را شفیع من ساز.

سپس در مورد جواز توسل به پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از وفات نقل می‌کند که: مرد حاجتمندی در زمان عثمان کنار قبر پیامبر آمد و نماز خواند و چنین دعا کرد: «اللهم انی اسئلك و اتوجه الیک بنبینا محمد نبی الرحمة، یا محمد انی اتوجه بک الی ربک ان تقضى حاجتی؛ خداوندا از تو تقاضا می‌کنم و بوسیله پیامبر ما محمد پیغمبر رحمت به سوی تو متوجه می‌شوم، ای محمد من بوسیله تو متوجه پروردگار تو می‌شوم تا مشکلم حل شود.

وی می‌افزاید: چیزی نگذشت که مشکل او حل شد^۲.

۲- نویسنده کتاب «التوصل الی حقیقة التوسل» که در موضوع توسل بسیار سختگیر است ۲۶ حدیث از منابع مختلف نقل کرده که جواز این موضوع در لابلای آن‌ها منعکس است، اگر چه نامبرده سعی دارد که در اسناد این احادیث خدشه وارد کند، ولی واضح است که روایات هنگامی که فراوان باشند و به حد تواتر برسند جایی برای خدشه در سند حدیث باقی نمی‌ماند، و روایاتی که در زمینه توسل در منابع اسلامی وارد شده است ما فوق حد تواتر است، و از جمله روایاتی که نقل می‌کند این است:

«ابن حجر مکی» در کتاب «صواعق» از «امام شافعی» پیشوای معروف اهل

۱. نک: همان.

۲. نک: همان، به نقل از: وفاء الوفاء، ص ۱۳۷۳

تسنن نقل می‌کند که به اهل بیت پیامبر توسل می‌جست و چنین می‌گفت:

آل النسبی ذریعتی
و هم الیه و سیلتی
ارجو بهم اعطی غذا
بید الیمین صحیفتی^۱

«خاندان پیامبر وسیله منند آنها در پیشگاه او سبب تقرب من می‌باشند»،
«امیدوارم به سبب آنها فردای قیامت نامه عمل من به دست راست من سپرده شود».

نیز از «بیهقی» نقل می‌کند که در زمان خلافت خلیفه دوم سالی قحطی شد بلال به همراهی عده‌ای از صحابه بر سر قبر پیامبر آمد و چنین گفت:
«یا رسول الله استسق لامتک... فانهم قد هلكوا..^۲؛ ای رسول خدا! از خدایت برای امتت باران بخواه... که ممکن است هلاک شوند».

در تفسیر «آلوسی» قسمت‌های زیادی از احادیث فوق را نقل کرده و پس از تجزیه و تحلیل طولانی و حتی سختگیری در باره احادیث فوق در پایان ناگزیر به اعتراف شده و چنین می‌گوید:

«بعد از تمام این گفتگوها من مانعی در توسل به پیشگاه خداوند به مقام پیامبر نمی‌بینم چه در حال حیات پیامبر و چه پس از رحلت او».
وی بعد از بحث نسبتاً مشروحی گوید: «توسل جستن به مقام غیر پیامبر در پیشگاه خدا نیز مانعی ندارد به شرط این که او حقیقتاً در پیشگاه خدا مقامی داشته باشد».^۳

اما در منابع شیعه موضوع کاملاً روشن است و روایات معتبر فراوانی در جواز و سفارش به استغاثه و توسل به اولیاء الاهی و صالحان داریم که در ذیل به بیان چند مورد بسنده می‌شود.

۱. نک: همان، به نقل از: التوصل...، ص ۳۲۹.

۲. همان، به نقل از: التوصل ص ۲۵۳.

۳. همان، ص ۳۶۹، از: روح المعانی، ج ۴-۶ ص ۱۱۴-۱۱۵.

۱- معمر بن راشد گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: مردی یهودی به حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد، در مقابل حضرت ایستاد و به ایشان خیره شد.

آن حضرت فرمود: چه نیازی داری، ای یهودی!

یهودی گفت: تو برتر هستی یا موسی بن عمران، پیامبری که خدا با او سخن گفت و تورات و عصا را بر او نازل کرد، دریا را برایش شکافت و بر او ابر را سایه قرار داد؟!!

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: خوب نیست انسان خود را بستاید ولی (برای آگاهی تو) می گویم: آدم علیه السلام هنگامی که مرتکب خطا (ترک اولی) شد، توبه اش به این بود که گفت: «اللهم انی أسألك بحق محمد و آل محمد، لما غفرت لی^۱»، و خداوند او را بخشید؛ نوح علیه السلام آنگاه که بر کشتی سوار شد و ترسید گفت: «اللهم انی أسألك بحق محمد و آل محمد، لما أنجیتنی من الغرق^۲»، و خداوند او را از غرق شدن نجات داد؛ ابراهیم علیه السلام هنگامی که در آتش افکنده شد گفت: «اللهم انی أسألك بحق محمد و آل محمد، لما أنجیتنی منها^۳» و خداوند آتش را برایش سرد و سلامت قرار داد؛ موسی علیه السلام چون عصا را انداخت و هراسید گفت: «اللهم انی أسألك بحق محمد و آل محمد، لما أمنتنی منها^۴» و خداوند به او فرمود: «لا تخف إنک أنت الاعلی^۵»؛ نترس تو برتر هستی.

ای یهودی! اگر موسی زمان مرا درک می کرد و به من و نبوت من ایمان نمی آورد، ایمان و نبوتش سودی به حال او نداشت.

ای یهودی! از ذریه و نسل من مهدی است که هر گاه خروج کند عیسی پسر مریم برای یاری او فرود می آید و او را پیش فرستاده و پشت سر او نماز

۱. خدایا از تو درخواست می کنم به حق محمد و آل محمد مرا ببخشای.

۲. خدایا به حق محمد و آل محمد مرا از غرق شدن نجات بخش.

۳. خدایا به محمد و آل محمد مرا از آتش نجات ده.

۴. خدایا به حق محمد و آل محمد مرا ایمنی بخش.

۵. طه، ۲۰.

می خوانند.^۱

۲- ابن عباس گوید: از رسول خدا ﷺ در باره کلماتی که حضرت آدم علیهِ السلام از جانب خداوند متعال دریافت نمود و خدا توبه‌اش را پذیرفت سوال کردم، آن حضرت فرمود: از خداوند به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین درخواست نمود و خداوند توبه او را پذیرفت.^۲

۳- رسول اکرم ﷺ فرموده اند: «الائمة من ولد الحسين علیهِ السلام، من اطاعهم فقد اطاع الله، و من عصاهم فقد عصی الله - عز وجل - هم العروة الوثقی و هم الوسيلة الی الله - عز وجل -»؛ امامان از فرزندان حسین هستند، هر که آنان را اطاعت کند خداوند را اطاعت نموده و هر کس آنان را نافرمانی کند خدا را عصیان کرده است، ایشان گره محکم الاهی و وسیله نزد خدای متعال هستند.

۴- امام صادق علیهِ السلام در تفسیر آیه «ولله الاسماء الحسنی فادعوه بها» فرموده اند: به خدا سوگند اسمای حسنای خداوند ما هستیم که خداوند عملی را جز با معرفت ما نمی پذیرد.^۳

۵- از امام رضا علیهِ السلام نقل شده است: هر گاه سختی و گرفتاری به شما روی آورد به وسیله ما از خدای عزوجل کمک بخواهید و این است معنی کلام خداوند متعال در قرآن کریم: «و لله الاسماء الحسنی فادعوه بها».^۴

ابعاد ولایت امامان علیهِم السلام

ولایت امامان معصوم علیهِم السلام، یعنی جانشینان راستین پیامبر عظیم الشان ﷺ را

۱. نک: شیخ صدوق، امالی، ص ۲۸۷-۲۸۸.

۲. نک: شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۱۲۵.

۳. عیون اخبار الرضا علیهِ السلام، ج ۱، ص ۶۳.

۴. اعراف، ۱۸۰.

۵. نک: الکافی، ج ۱، ص ۱۴۳-۱۴۴.

۶. نک: شیخ مفید، الاختصاص، ص ۲۵۲.

می‌توان در سه حوزه خلاصه کرد:

الف - ولایت تشریحی: این ولایت به معنای زعامت سیاسی - دینی امام معصوم علیه السلام است؛ به سخن دیگر: مسلمانان علاوه بر امور دینی باید در امور سیاسی نیز پیرو امامان معصوم علیهم السلام باشند.

زعامت سیاسی - دینی پیامبر صلی الله علیه و آله به نص آیه «النبی اولی بالمومنین من انفسهم»^۱ ثابت می‌شود و این ولایت برای مولا امیر مؤمنان علیه السلام به نص حدیث غدیر ثابت است. همچنین هر امام معصوم سابق، امام بعدی را منصوب می‌کند.

ولایت تشریحی در زمان غیبت نیز ادامه دارد، با این تفاوت که تعیین ولی امر دوران غیبت، از جانب شارع مقدس با توصیف مشخص می‌شود.

شارع صفاتی را ارائه داده است تا نخبگان مردم طبق آن صفات، ولی امر را مشخص کنند. این صفات در سخن مولا امیر مؤمنان علیه السلام خلاصه می‌شود: «ایها الناس ان احق الناس بهذا الامر اقواهم علیه، و اعلمهم بامر الله فيه»^۲؛ ای مردم، از بین مردم کسی سزاوار این امر { امامت } است که قوی‌ترین آنها در امر امامت و داناترین آنها به امر خدا در آن است.

حضرت دو شاخصه را برای ولی امر در دوران غیبت مطرح می‌کند: بینش سیاسی قدرتمند؛ داناترین فرد امت به احکام شرع در مسائل سیاسی.^۳

ب - ولایت تشریح: شریعت در حقیقت نظامی است الاهی که زندگی اجتماعی انسان را قانونمند می‌کند و ولایت تشریح همان حق قانون‌گذاری است؛ به این معنا که: پیغمبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام حق قانون‌گذاری در این نظام الاهی را دارند.

خداوند حق تشریح را به پیغمبر تفویض کرده است تا با معیارهای خدادادی

۱. احزاب، ۶.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳.

۳. نک: محمد هادی معرفت، پرتو ولایت، ص ۱۷-۱۸.

که در اختیار دارد، احکام متناسب با مصالح امت را وضع کند. پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مقام تشریح پیامبر، به امامان معصوم علیهم السلام انتقال یافت و آن‌ها نیز ولایت تشریح داشتند.

امامان معصوم علیهم السلام همانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، دارای بینشی گسترده بودند که مفاسد و مصالح واقعی را می‌دیدند و طبق این بینش احکامی را وضع می‌کردند؛ از این رو فقهای بزرگ شیعه، امامان معصوم علیهم السلام را همانند سخنان حضرت رسول صلی الله علیه و آله، مصدر و منبع می‌دانند.^۱

ج - ولایت تکوینی: این نوع از ولایت، به این معناست که امامان معصوم علیهم السلام قدرت تصرف در جهان هستی را دارند و واسطه‌های فیض الهی هستند. برکات الهی (که شریعت گوشه‌ای از آن است) به واسطه ائمه اطهار علیهم السلام بر اهل زمین ریزش می‌کند.

اگر کسی بگوید: چنانچه برکات این جهان از برکت وجودی ائمه علیهم السلام است، پس خداوند چه نقشی دارد؟

گوئیم: خدا یک جا می‌فرماید: «قل يتوفاكم ملك الموت^۲»؛ یعنی فرشته مرگ مامور قبض ارواح است؛ ولی در آیه دیگر می‌فرماید: «الله يتوفى الانفس^۳»؛ یعنی خدا قبض روح می‌کند.

فرشته مرگ مامور قبض ارواح است و قابض اصلی خداوند است که به وسیله فرشته مرگ ارواح را قبض می‌کند.

همان گونه که فرشته مرگ واسطه قبض روح است، امامان معصوم علیهم السلام واسطه در نزول برکات الهی هستند.

به سخن دیگر: خداوند برکاتش را به واسطه ائمه اطهار علیهم السلام بر اهل زمین

۱. نک: همان، ص ۱۹ - ۲۲.

۲. سجده، ۱۱.

۳. زمر، ۴۲.

نازل می‌کند^۱.

روش حاجت خواستن

امامان معصوم علیهم‌السلام از ولایت تکوینی برخوردارند یعنی خداوند مقتدر و والامرتبه، قدرت و اجازه تصرف در تکوینیات را به آنان داده است.

هنگام تشریف به حرم یکی از امامان معصوم علیهم‌السلام یا استغاثه به یکی از آن بندگان شایسته خداوند متعال، باید حاجت را از خود معصوم خواست. امام نیز اگر مصلحت بداند، آن حاجت را می‌دهد.

برخی بر این عقیده‌اند که برای درخواست حاجت، باید از امام معصوم بخواهیم که برایمان دعا کند تا حاجتمان برآورده شود.

به طور قطع اگر امام برای ما دعا کند، دعایش مستجاب می‌شود؛ اما سوال این است که تفاوت امام با مومنی که دعاهایش مستجاب می‌شود، چیست؟

آیا درخواستی که از مولا امیر مومنان علیه‌السلام می‌کنیم با درخواستی که از ابوذر می‌کنیم یکسان است؟ ابوذر انسان مومنی بود و خداوند به جهت قربش، دعاهای او را برآورده می‌کند. اگر از او خواهش کنیم که دعا کند خدا فرزند ما را شفا دهد و او دعا کند، دعایش مستجاب می‌شود.

اما آیا حضرت علی علیه‌السلام مانند ابوذر است؟

ما معتقدیم حضرت علی علیه‌السلام در جایگاهی بالاتر قرار دارد و به جهت ولایت تکوینی‌اش توانایی برآورده کردن هر حاجتی را دارد.

البته همه چیز با اذن خدا انجام می‌گیرد و اگر خدا اذن ندهد هیچ کس نمی‌تواند کاری انجام دهد.

اگر تیغ عالم بجنبد زجای نبرد رگی تا نخواهد خدای

خداوند زنده کردن مردگان و شفا دادن بیماران را به حضرت عیسی علیه‌السلام

۱. نک: پرتو ولایت، ص ۳۵.

نسبت می‌دهد^۱، گرچه با اذن او انجام گرفته است^۲.

امام مظهر صفات جمال و جلال

هر موجودی نمایانگر یکی از صفات باری تعالی و تجلی گاه انوار ملکوتی باری تعالی است: ﴿واشرق الارض بنور ربها﴾^۳؛ یعنی: گستره زمین تجلی گاه نور حق تعالی است.

امامان معصوم علیهم‌السلام مظهر کامل صفات باری تعالی هستند و هر یک تجلی گاه صفات جمال و جلال پروردگار، چه در جنبه تشریح و چه در جنبه تکوین، هستند.

هریک از آنان مظهر قدرت بی نهایت خداوند هستند و هرچه بخواهند با اذن خداوند می‌توانند انجام دهند.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند: «من و یازده فرزندم و توای علی، پیوند زمین هستیم، میخ‌هایی که زمین را به هم پیوند داده است تا از هم نپاشد. تا یکی از ما باشد، زمین استوار است و اگر نباشیم زمین از هم می‌گسلد»^۴.

در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم: «واشرق الارض بنورکم»^۵ که اشاره دارد به آیه شریفه ﴿واشرق الارض بنور ربها﴾؛ یعنی هر یک از امامان معصوم علیهم‌السلام مصداق کامل صفات پروردگارند.

دعاها و زیارت‌های امامان معصوم علیهم‌السلام، دانشنامه جهان تشیع است که شیعه از کودکی با آنها ارتباط دارد و در این دانشگاه پرورش می‌یابد.

در زیارت رجبیه می‌خوانیم: «من از شما درخواست می‌کنم و در آن چه به

۱. نک: مائده، ۱۱۰.

۲. نک: پرتو ولایت، ص ۳۶.

۳. زمر، ۶۹.

۴. نک: الکافی، ج ۱، ص ۵۳۶.

۵. مفاتیح الجنان، ص ۸۳۰.

شما واگذار شده است به شما چشمداشت دارم و پاداش دادن بر عهده شماست، به برکت وجود شما استخوان‌ها التیام پیدا می‌کند و بیمار بهبودی می‌یابد و رحم‌ها فزونی می‌یابد یا فروکش می‌کند^۱».

در زیارت نخست مطلقه امام حسین علیه السلام آمده است: «اراده پروردگار در تقدیرات امور بر شما فرود آید و از خانه‌های شما صادر می‌گردد^۲».

این زیارت را علاوه بر ابن قولویه، مرحوم کلینی، صدوق و شیخ طوسی آورده‌اند و رجال و راویان سند آن، همگی توثیق شده‌اند؛ از این رو سند این زیارت از بالاترین اعتبار برخوردار است.

علامه امینی «ره» هرگاه به کربلا مشرف می‌شد، مقید بود که همین زیارت را بخواند. در این زیارت آمده است: «به برکت شما زمین درختان خود را می‌رویاند و میوه‌های خود را عرضه می‌کند؛ به برکت شما آسمان برکات خود را فرو می‌ریزد؛ به برکت شما خداوند اندوه را برطرف می‌سازد و باران را می‌باراند و به برکت شما زمینی که پیکرهای شما را در بر دارد، پابرجاست و کوه‌ها بر جای خود هستند^۳».

امام، امان امت

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرموده اند: «النجوم امان لاهل السماء و اهل بیتی امان لامتی^۴؛ ستارگان، پناهگاه و مایه امنیت اهل آسمانها هستند و خاندان من، مایه امنیت برای امت من».

چهارمین امام نور حضرت سجاد علیه السلام می‌فرماید: «نحن امان لاهل الارض کما

۱. همان، ص ۲۲۸ - ۲۲۹.

۲. جعفر بن قولویه قمی، کامل الزیارات، ص ۱۹۹ باب ۷۹.

۳. الکافی، ج ۴، ص ۵۷۶ - ۵۷۷.

۴. نک: پرتو ولایت، ص ۳۷ - ۳۸.

۵. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۰.

أن النجوم أمان لاهل السماء و نحن الذين بنا يمسك الله السماء أن تقع على الارض الا باذنه و بنا يمسك الارض ان تميد بأهلها و بنا ينزل الغيث و تنشر الرحمة و تخرج بركات الارض و لو لا ما فى الارض منا لساخت بأهلها^۱؛ ما مایه امنیت برای زمینیان هستیم، همانگونه که ستارگان، مایه امنیت برای آسمانیان هستند و ما کسانى هستیم که خداوند به برکت و احترام ما، آسمان را، از فرو افتادن بر زمین، جز به اذن خویش حفظ می‌کند و توازن و تعادل زمین را، تضمین می‌نماید. به برکت ما باران رحمت خدا، همه جا گسترش می‌یابد و بركات زمین سر بر می‌آورد و اگر از ما کسی در روی زمین نباشد، زمین اهل خویش را فرو می‌برد.

هشتمین امام نور حضرت رضاء علیه السلام در این مورد می‌فرماید: «نحن حجج الله فى خلقه... بنا يمسك الله السماوات و الارض أن تزولا و بنا ينزل الغيث و ينشر الرحمة و لا تخلوا الارض من قائم منا ظاهر أو خاف و لو خلت يوما بغير حجة لماجت بأهلها كما يموج البحر بأهله^۲؛ ما حجت‌های خدا در میان بندگانستیم... به برکت ما، خداوند، آسمانها و زمین را از نابودی حفظ می‌کند و بخاطر ما باران رحمت خویش را نازل می‌کند و بخشایش و مهر خویش را می‌گستراند. زمین، هیچگاه از قائم و پیشوایی از اهل بیت، خالی نمی‌ماند، خواه آشکار و یا پنهان و ناشناخته باشد، چرا که اگر روزی زمین از حجت خدا تهی باشد قرار و آرام خویش را از دست می‌دهد و ساکنان خویش را بسان امواج توفنده دریا به این سو و آن سو می‌کوبد.

در نامه مبارک امام مهدی علیه السلام به اسحاق بن یعقوب آمده است که: «و انى أمان لاهل الارض كما، أن النجوم أمان لاهل السماء^۳؛ من مایه آرامش زمینیان هستیم، همانگونه که ستارگان آسمان باعث امنیت آسمانیان هستند.

۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۲۰۷.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ص ۲۰۲-۲۰۳.

۳. جواد قیومی، صحیفه المهدی، ص ۳۴۰.

نیز در فرمایشی از امام زمان علیه السلام آمده است: «انا خاتم الاوصیاء، بی یدفع الله البلاء عن اهلی و شیعتی^۱؛ من خاتم جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هستم، خداوند بواسطه من بلا را از خانواده و شیعیانم دور می کند.

در زیارت روز جمعه این گونه به حضرت مهدی علیه السلام سلام می دهیم: «السلام علیک یانور الله الذی یهدی به المهتدون و یفرج به عن المومنین^۲؛ سلام بر توای نور خدا که به این نور اهل هدایت، هدایت می یابند و به آن فرج برای اهل ایمان حاصل می شود.

استعداد فوق العاده انسان

براساس جهان بینی اسلامی، انسان از استعداد و توانمندی های والایی برخوردار است به گونه ای که با انجام عبادات و ترک گناهان و تهذیب نفس و خود سازی، می تواند به مرتبه ای از کمال برسد که تمام اعضاء و جوارح بدن او الاهی شود.

در این صورت چشم، گوش، پای، تمام اندام و ظاهر و باطن او صبغه و رنگ خدایی داشته و در مسیر رضا و خوشنودی خداوند متعال بکار گرفته خواهد شد.

از این مرتبه از کمال در حدیث قدسی مشهور که امام صادق علیه السلام آن را از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت می کنند، با این تعابیر یاد شده است:

«قال الله عزوجل: ما یتقرَّب إلى عبدٍ من عبادی بشیء أحبَّ إلىَّ ممَّا فترضتُ علیه و إنه تقرَّب الیَّ بالنافلة حتی احبَّه فإذا أحبَّته کنتُ سمعه الذی یسمع به و بصره الذی یبصر به و لسانه الذی ینطق به و یده الذی یبطش بها إن دعانی أحبَّته، وإن سألتنی أعطیته^۳؛ بنده ای با وسیله ای به من نزدیک نشده است

۱. قطب الدین راوندی، الدعوات، ص ۲۰۷.

۲. مفاتیح الجنان، ص ۹۵.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۳۵۲.

که از فرائض نزد من محبوب تر باشد، همانا بنده به وسیله مستحبات - که آن‌ها را واجب نکرده‌ام - به من نزدیک می‌شود تا به جایی که محبوب من می‌گردد، همین که محبوب من گشت، من گوش او می‌شوم که با آن می‌شنود، و چشم او که با آن می‌بیند، و زبان او که با آن سخن می‌گوید، و دست او می‌شوم که با آن حمله می‌کند. در این حال اگر مرا بخواند دعایش را اجابت می‌کنم، و اگر از من چیزی درخواست کند آن را به او می‌دهم.

وقتی انسان‌های معمولی از چنین قابلیت و توانمندی برخوردارند، به یقین امامان معصوم علیهم‌السلام به جهت کمالات و شایستگی‌هایی که دارند می‌توانند از جایگاه و منزلتی برخوردار شوند که بتوانند در امور گوناگون جهان با اجازه پروردگار هستی، تصرف نمایند.

استغاثه به صاحب زمان علیه‌السلام یک وظیفه

امام زمان علیه‌السلام فریاد رس مردم است، چنان که در زیارتی که از حضرتش روایت گردیده آمده است «و غیاث لمن استغاث به»؛ و دادرس کسی است که از او دادخواهی کند.

آن حضرت حصار محکم امت و فریادرس هر بیچاره درمانده و پناه گریختگان و نجات دهنده بیمناکان و نگهبان مصونیت خواهان است چنان که در باره آن حضرت و پدران معصومش وارد شده در دعایی که از امام زین العابدین علیه‌السلام در ایام ماه شعبان وارد گردیده است، و در زیارت جامعه چنین آمده است: «فاز من تمسک بکم، وأمن من لجأ إلیکم»؛ هر کس به شما تمسک جست رستگار و پیروز شد و هر کس به شما پناه آورد ایمن گشت.

وظیفه رعیت - چنان که در احوال عموم مردم می‌بینیم - آن است که در مهمات و جهت دفع دشمنانشان در هر زمان به رئیس خود مراجعه کنند، همچنان که همواره این عادت و شیوه اهل ولایت و عرفان بوده است، که شکوه‌ها و حوایج خود را بر امامان خود علیهم‌السلام عرضه می‌نموده‌اند.

بدون تردید هرکس از مردم، از رعایای رئیس مقتدر صاحب نفوذی باشد، اگر بر او ستم شود، دوستانش او را راهنمایی می‌کنند که نزد آن رئیس شکایت برد، و اگر این کار را نکند خردمندان او را سرزنش و مذمت نمایند که چرا حاجت خود را بر او عرضه نکرده است.

از این روی می‌توان گفت: هرگاه در مهمات و حوائج مان روی آوردن به صاحب و مولایمان را ترک گوئیم از ذلت و خواری در امان نخواهیم ماند، چون وظیفه خود را که خدای تعالی ما را به آن امر فرموده ترک کرده ایم، چنان که از آنچه در تاویل فرموده خدا «فانتشروا فی الأرض وابتغوا من فضل الله» آمده است ظاهر می‌شود که در حدیث جابر به اوصیاء تفسیر گردیده است.

پس وظیفه هر کسی آن است که در امور خود جز به امام زمانش پناه نبرد و هر گاه این کار را ترک گوید و بر او گرفتاری و محنت‌ها وارد گردد از ملامت شدگان زیانکار است که به فرموده خدای تعالی مخاطب می‌شود: «ألم تکن أرض الله واسعة فتهاجروا فیها»؛ مگر زمین خداوند پهناور نبود که در آن هجرت نمایید. نیز دستور یافته ایم که از درب‌ها به خانه‌ها در آییم و خداوند، امام و حجت را در هر زمان باب خود قرار داده که از آن در آیند، و مامور شده ایم که به وسیله امام علیه السلام به درگاه خدا تضرع کنیم اکنون که این امور را دانستی، می‌گویم: حضور و غیبت امام علیه السلام با هم تفاوتی ندارند، زیرا که او دارای بینایی و شنوایی کامل است، و هیچ چیز از احوال مردم بر امام پوشیده نیست، چنان که در روایات مستفیض بلکه متواتر تصریح گردیده است و دیوارها و کوه‌ها و پرده‌ها، بین امام و کسی از مخلوق، حایل نمی‌باشند، چنان که در اخبار وارد شده اند.^۱

۱. نک: سید محمد تقی موسوی اصفهانی، مکیال المکارم، با ترجمه فارسی سید مهدی حائری قزوینی، ج ۲، ۳۲۴-۳۲۵.

فصل ۳

شرایط استغاثه

برای نتیجه بخشی استغاثه و بیان حاجت و درخواست، به ساحت قدسی امام زمان علیه السلام به عنوان حجت الاهی و مآذون از جانب خالق هستی، رعایت برخی شرایط لازم است.

بدیهی است که عدم توجه به زمینه‌های لازم، مانع برآورده شدن حاجت خواهد شد.

به یک اعتبار این شرایط به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) شرایط استغاثه کننده:

فرد استغاثه کننده، می‌بایست شرایطی را در خود فراهم نماید تا ثمره و میوه شیرین استغاثه را بچشد. برخی از این شرایط عبارتند از:

- ۱- ایمان و اعتقاد راسخ به خدای متعال و قدرت بی‌نهایت پروردگار هستی؛
- ۲- ایمان به مقام و منزلت پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت علیهم السلام که وسائط فیض الاهی اند؛

۳- توبه صادقانه از گناهان و آلودگی‌های عقیدتی و اخلاقی؛

۴- استواری در توسل و استغاثه و مایوس نشدن از کار و تلاش؛

۵- هماهنگی خواسته با دل انسان، یعنی واقعا در هنگام استغاثه مضطر باشد و هیچ امیدی به راه‌های عادی و اسباب معمولی نداشته باشد.

روایت شده است که خداوند متعال به حضرت عیسی علیه السلام چنین وحی

فرستاد: «یا عیسی أدعنی دعاء الغریق الحزین الذی لیس له مغيث^۱؛ ای عیسی! وقتی می خواهی دعا کنی همانند کسی که در حال غرق شدن هست و فریاد رسی ندارد دعا کن.

۶- حسن ظن و خوش گمانی بنده به پروردگار عالم و اهل بیت عصمت علیهم السلام به گونه ای باشد، که باور داشته باشد خواسته او اجابت می شود. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «إذا دعوت فظن أن حاجتك بالباب^۲؛ چون دعا می کنی گمان کن که خواسته ات جلوی در است.

۷- حضور قلب، طهارت ظاهر و باطن، خضوع و کرنش، مداومت و اصرار و تکرار بر خواسته و مطلوب.

۸- بهره گیری از مکان ها، زمان ها و فرصت های مناسب تر مانند: حرم امامان؛ مساجد؛ بعد از فرایض؛ در آستانه غروب؛ سحر گاهان؛ ماه های رجب، شعبان و رمضان.

(ب) شرایط استغاثه

باید توجه داشت که همه درخواست های انسان صلاحیت برآورده شدن را ندارند. خواهسته ای شایسته اجابت و پاسخ است که از برخی شرایط مانند آنچه در ذیل می آید برخوردار باشد.

۱- استغاثه مخالف سنت های جاری و ثابت الهی و اراده تکوینی خداوند نباشد، به سخن دیگر چیزی را درخواست کند که با نظام حاکم بر عالم و قوانین آن هماهنگ باشد به عنوان مثال: خواهسته اش جمع میان دو نقیض نباشد نظیر اینکه درخواست کند هم باران بیارد هم نیارد.

حضرت امیر علیه السلام می فرماید: إن کرم الله سبحانه لاینقض حکمته، فلذلک لایقع

۱. الکافی، ج ۸، ص ۱۳۸.

۲. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۸۸۰.

الاجابة في كل دعوة^۱؛ کرامت پروردگار حکمت او را از بین نمی برد، به همین جهت هر دعایی مستجاب نمی شود.

۲- امر مورد درخواست، حلال باشد، به بیان دیگر: مورد رضای خدای متعال باشد و خارج از اراده تشریعی خداوند نباشد.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: «من تمنی شیئا و هو لله - عز و جل - رضالم یخرج من الدنيا حتی یعطاه^۲؛ هر کس چیزی را آرزو نماید و خداوند متعال از آن راضی باشد، از دنیا بیرون نرود تا آن را داده شود.

اگر کسی تمام آداب و شرایط توسل و استغاثه را بکار برد، اما به حسب ظاهر در خواستش بر آورده نشد نباید تصور کند که درخواست او رد شده است، چه بسا خداوند دوست دارد بنده اش باز به او مراجعه کند، پس بدون آنکه ناامید شود دوباره حاجت خود را از خداوند متعال و یا حجت الهی طلب کند.

به علاوه در بعضی از خواسته ها شاید وقت استجابت دعا نرسیده باشد پس باید صبر کرد تا زمان مناسب آن فرا رسد.

گاهی نیز اصل بر آورده شدن حاجت به صلاح فرد نیست لذا خداوند بواسطه لطف و عنایتی که به بنده خود دارد خواسته او را چون به ضرر اوست برآورده نمی سازد، با این حال پاداش معنوی استغاثه کننده در جای خود محفوظ است.

۱. همان، ج ۲، ص ۸۷۶

۲. همان، ج ۲، ص ۸۷۳

فصل ۴

شیوه‌های استغاثه

برای استغاثه به ساحت قدسی صاحب الزمان علیه السلام راه‌های گوناگونی وجود دارد. ما در این نگاهشته به بیان برخی راهکارها و شیوه‌ها بسنده می‌کنیم، باشد که مورد استفاده خوانندگان عزیز قرار گرفته و نویسنده را نیز از دعاهای خیر خود فراموش نفرمایند.

۱- طاعت و بندگی خدای متعال

از بهترین راه‌ها برای استغاثه به حضرت حجت علیه السلام، کوشش در طاعت و بندگی خدای متعال است. آن حضرت برترین بنده و حجت الاهی در عصر ماست.

مهم‌ترین خواسته آن حضرت گسترش عبودیت و بندگی خداوند متعال و حاکمیت شریعت مقدس اسلام در سراسر عالم می‌باشد.

در دعای منسوب به آن عزیز می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَ بُعْدَ الْمَعْصِيَةِ وَ...»؛ بار خدایا به ما توفیق طاعت و دوری از گناه را عنایت فرما. با انجام واجبات و ترک گناهان، می‌توان به آن عبد صالح پروردگار نزدیک و به آن حضرت استغاثه و توسل نمود.

۲- انس با قرآن

قرآن کریم معجزه جاوید رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است که عمل به آن ضامن سعادت زندگی فردی و اجتماعی، دنیا و آخرت بشریت است.

قرائت و تدبر در قرآن و بکار گیری آموزه‌های ارزشمند آن در زندگی، خوشنودی حضرت صاحب الزمان را به دنبال دارد. ثمره این رویکرد به قرآن کریم، دعای خیر و رضایتمندی آن حضرت است که تأثیر زیادی در بر آورده شدن خواسته‌ها دارد.

۳- وسیله قرار دادن حضرت

از راه‌های استغاثه به امام زمان - ارواحنا فداه - وسیله قرار دادن آن جناب در پیشگاه خالق یگانه است با بهره گیری از دعاها و نیایش‌های فراوانی که در کتاب‌های ارزشمند دعا آمده است مانند:

الف- «اللَّهُمَّ أَنْتَ اسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ وَ حُبِّكَ صَاحِبِ الزَّمَانِ، أَلَا أَعْثَنِي بِهِ عَلَى جَمِيعِ أُمُورِي، وَ كَفَيْتَنِي بِهِ مَوْنَةَ كُلِّ مُوْذٍ وَ طَاغٍ وَ بَاغٍ، وَ أَعْثَنِي بِهِ فَقْدَ بَلَاغِ مَجْهُودِي، وَ كَفَيْتَنِي كُلَّ عَدُوٍّ وَ هَمٍّ وَ غَمٍّ وَ دَيْنٍ، وَ وُلْدِي وَ جَمِيعِ أَهْلِي وَ إِخْوَانِي، وَ مَنْ يَعْزِينِي أَمْرُهُ، وَ خَاصَّتِي آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ».

ب- دعای حضرت صاحب الامر علیه السلام که تعلیم فرمود آن را به شخصی که محبوس بود و خلاص شد: «إِلَهِي عَظَمَ الْبَلَاءُ، وَ بَرِحَ الْخَفَاءُ، وَ انْكَشَفَ الْغَطَاءُ، وَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ، وَ ضَاقتْ الْأَرْضُ وَ مُنَعَتِ السَّمَاءُ، وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَ إِلَيْكَ الْمُسْتَكَى، وَ عَلَيْكَ الْمَعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، أُولِي الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ، وَ عَرَّفْتَنَا بِذَلِكَ مَنَزَلَتَهُمْ، فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ، فَرَجًا عَاجِلًا قَرِيبًا، كَلَّمَحِ الْبَصَرَ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، اكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَانِ وَ انصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَانِ يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، الْغَوْثُ الْغَوْثُ الْغَوْثُ، أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي، السَّاعَةَ السَّاعَةَ

۱. سید مرتضی مجتهدی سیستانی، صحیفه مهدیه، ص ۴۳۴، از نجم الثاقب، ص ۷۳۱.

السَّاعَةَ، الْعَجَلَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
الطَّاهِرِينَ^۱!

۴- استفاده از نماز استغاثه

هنگام استغاثه به حضرت صاحب الزمان علیه السلام هر جا که باشی دو رکعت نماز
با حمد و هر سوره که خواهی بخوان، آنگاه رو به قبله زیر آسمان بایست و بگو:
«سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ التَّامُّ، الشَّامِلُ الْعَامُّ، وَ صَلَوَاتُهُ الدَّائِمَةُ، وَ بَرَكَاتُهُ الْقَائِمَةُ
التَّامَّةُ، عَلَى حُجَّةِ اللَّهِ وَ وَليِّهِ فِي أَرْضِهِ وَ بِلَادِهِ، وَ خَلِيفَتِهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ عِبَادِهِ، وَ
سَلَالَةِ النُّبُوَّةِ، وَ بَقِيَّةِ الْعَثَرَةِ وَ الصَّفْوَةِ، صَاحِبِ الزَّمَانِ، وَ مُظْهِرِ الْإِيمَانِ، وَ مُلَقِّنِ
[مُعَلِّنِ] أَحْكَامِ الْقُرْآنِ، وَ مُطَهِّرِ الْأَرْضِ وَ نَاشِرِ الْعَدْلِ فِي الطُّولِ وَ الْعَرْضِ، وَ
الْحُجَّةِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الْإِمَامِ الْمُتَنْتَظَرِ الْمَرْضِيِّ وَ ابْنِ الْأَئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ، الْوَصِيِّ
ابْنِ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ، الْهَادِي الْمَعْصُومِ ابْنِ الْأَئِمَّةِ الْهُدَاةِ الْمَعْصُومِينَ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا مُعَزَّ الْمُؤْمِنِينَ الْمُسْتَضْعَفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُدَلِّ الْكَافِرِينَ الْمُتَكَبِّرِينَ
الظَّالِمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ
اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ،
سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْأَئِمَّةِ الْحُجَّجِ الْمَعْصُومِينَ، وَ الْإِمَامِ
عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، سَلَامٌ مُخْلِصٌ لَكَ فِي الْوِلَايَةِ،
أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْمَهْدِيُّ قَوْلًا وَ فِعْلًا، وَ أَنْتَ الَّذِي تَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا،
بَعْدَ مَا مَلَأْتَ ظُلْمًا وَ جَوْرًا، فَعَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَكَ، وَ سَهَّلَ مَخْرَجَكَ، وَ قَرَّبَ زَمَانَكَ
وَ كَثَّرَ أَنْصَارَكَ، وَ أَعْوَانَكَ وَ أَنْجَزَ لَكَ مَا وَعَدَكَ فَهُوَ أَصْدَقُ الْقَائِلِينَ، وَ تُرِيدُ أَنْ
نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوْا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ، يَا
مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ حَاجَتِي كَذَا وَ كَذَا

۱. مفاتيح الجنان، ص ۱۹۵.

بجای کذا و کذا حاجات خود را ذکر کند آنگاه بگوید:

«فَاشْفَعْ لِي فِي نَجَاحِهَا، فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي، لَعَلِّي أَنْ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَفَاعَةٌ مَقْبُولَةٌ، وَ مَقَامًا مَحْمُودًا، فَبِحَقِّ مَنْ اخْتَصَّكَ بِأَمْرِهِ، وَ ارْتَضَاكُمْ لِسِرِّهِ، وَ بِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُ، سَلِ اللَّهُ تَعَالَى فِي نُجْحِ طَلِبَتِي، وَ إِجَابَةِ دَعْوَتِي، وَ كَشْفِ كُرْبَتِي»!

محدث قمی «ره» می نویسد: بهتر آن است که در رکعت اول، بعد از حمد سوره «إنا فتحنا» بخواند و در رکعت دوم «إذا جاء نصر الله».

۵- نماز منسوب به امام زمان علیه السلام

نماز منسوب به امام زمان علیه السلام نیز می تواند در استغاثه به آن حضرت مورد استفاده قرار گیرد. این نماز را علمای بزرگ شیعه در کتاب های خود به چند صورت روایت کرده اند.

الف - سید بن طاووس می نویسد: نماز حضرت حجت علیه السلام دو رکعت است. در هر رکعت فاتحه کتاب را تا آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» می خوانی، سپس این آیه را صد مرتبه تکرار کرده، آن گاه سوره را تمام می کنی و بعد سوره توحید را می خوانی و بعد از نماز دعای زیر را بخوان:

«اللَّهُمَّ عَظَمَ الْبَلَاءُ، وَ بَرِحَ الْخِفَاءُ، وَ انْكَشَفَ الْغَطَاءُ، وَ ضَاقَتِ الْأَرْضُ بِمَا وَسَعَتِ السَّمَاءُ، وَ إِلَيْكَ يَا رَبُّ الْمُشْتَكَى، وَ عَلَيْكَ الْمُعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، الَّذِينَ أَمَرْنَا بِطَاعَتِهِمْ وَ عَجَّلَ اللَّهُمَّ فَرَجَهُمْ بِقَائِمِهِمْ، وَ أَظْهَرِ إِعْزَازَهُ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، إِكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَايَ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ أَنْصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَايَ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، احْفَظَانِي فَإِنَّكُمَا حَافِظَايَ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ،

یا مَوْلایَ یا صاحبَ الزَّمانِ، یا مَوْلایَ یا صاحبَ الزَّمانِ، اَلْفَوْثَ اَلْفَوْثَ اَلْفَوْثَ اَلْفَوْثَ، اَدْرِکْنی اَدْرِکْنی اَدْرِکْنی، اَلْأمانَ اَلْأمانَ»^۱.

ب - شیخ طبرسی «ره» در کتاب «کنوز النجاح» روایت آورده که: از ناحیه مقدسه حضرت صاحب الزمان علیه السلام وارد شده است: هر کس از درگاه ربوبی حاجتی دارد، شب جمعه بعد از نصف شب غسل کرده و به جایگاه نماز خود رفته و دو رکعت نماز بخواند.

در رکعت اول سوره حمد را بخواند تا برسد به آیه «إِیَّاكَ نَعْبُدُ وَإِیَّاكَ نَسْتَعینُ» و آن را صد مرتبه تکرار نماید و سپس سوره حمد را تا آخر و سوره توحید را یک مرتبه بخواند. سپس به رکوع و سجده رفته و در هر کدام، ذکر آن را هفت مرتبه بگوید.

رکعت دوم را نیز به همین صورت بجا آورد سپس دعایی را که ذکر می‌شود بخواند که خدای تعالی به طور قطع حاجتش را هر چه باشد بر آورده می‌کند مگر آن که قطع صلۀ رحم را خواسته باشد و دعا چنین است:

«اللَّهُمَّ اِنْ اَطَعْتُكَ فَالْمَحْمَدَةُ لَكَ، وَاِنْ عَصَيْتُكَ فَالْحُجَّةُ لَكَ، مِنْكَ الرُّوحُ وَمِنْكَ الْفَرَجُ، سُبْحَانَ مَنْ اَنْعَمَ وَشَكَرَ، سُبْحَانَ مَنْ قَدَرَ وَغَفَرَ، اللَّهُمَّ اِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ فَاِنِّي قَدْ اَطَعْتُكَ فِي اَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ وَهُوَ الْإِيْمَانُ بِكَ، لَمْ اَتَّخِذْ لَكَ وِلْدًا وَكَمْ اَدْعُ لَكَ شَرِيكًا، مَنَّا مِنْكَ بِه عَلَيَّ لَامِنًا مَنِي بِه عَلَيْكَ، وَقَدْ عَصَيْتُكَ يَا اَلْهِي عَلَيَّ غَيْرِ وَجْهِ الْمُكَاْبِرَةِ، وَ الْخُرُوجِ عَنْ عُبُودِيَّتِكَ، وَلَا الْجُحُودِ لِرُبُوبِيَّتِكَ وَ لَكِنْ اَطَعْتُ هَوَايَ وَ اَزَلَّنِي الشَّيْطَانُ فَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ وَالْيِيَانُ، فَاِنْ تُعَذِّبْنِي فَبِذُنُوبِي غَيْرِ ظالِمٍ، وَاِنْ تَغْفِرْ لِي وَ تَرْحَمْنِي فَاِنَّكَ جَوادٌ كَرِيمٌ»

بعد از آن تا نفس او وفا کند بگوید: «یا کریمُ یا کریمُ»

و آنگاه بگوید: «یا اِمِنًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، وَكُلُّ شَيْءٍ مِنْكَ خَائِفٌ حَذَرٌ، اَسْئَلُكَ

۱. صحیفه مهدیه، ص ۱۱۵-۱۱۶، از جمال الاسبوع، ص ۱۸۱.

بِأَمْنِكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَخَوْفٍ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلَ مُحَمَّدٍ،
وَأَنْ تُعْطِيَنِي أَمَانًا لِنَفْسِي وَأَهْلِي وَوَالِدِي وَسَائِرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، حَتَّى لَا أَخَافَ
وَلَا أَخْذَرَ مِنْ شَيْءٍ أَبَدًا، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، يَا
كَافِيَ إِبْرَاهِيمَ نَمْرُودَ، يَا كَافِيَ مُوسَى فِرْعَوْنَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَكْفِيَنِي شَرَّ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ»

به جای فلان بن فلان، نام شخصی را که از ضرر او می‌ترسد و نام پدر او را
بگویند، و از خداوند طلب کند که ضرر او را دفع نماید و کفایت کند.

بعد از آن به سجده رود و حاجت خود را درخواست نماید و به درگاه خداوند
تضرع و زاری کند. زن و مرد مؤمنی نیست که این نماز را به جا آورد و این دعا
را از روی اخلاص بخواند، مگر که برای او درهای آسمان گشوده می‌شود و
دعای او مستجاب می‌گردد، و این از فضل و انعام خداوند تعالی بر ما و بر
مردمان است^۱.

ج - قطب راوندی «ره» در کتاب «دعوات» در ضمن نمازهای
معصومین علیهم السلام می‌گوید: نماز امام مهدی علیه السلام دو رکعت است: در هر رکعتی حمد
یک مرتبه و صد مرتبه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»، و بعد از نماز، صد مرتبه صلوات
بر پیغمبر و آل او (صلوات الله عليهم)^۲.

د - در ضمن بیان داستان مسجد مقدس جمکران، از قول حسن بن مثله
جمکرانی آمده است: امام زمان علیه السلام فرمود: دو رکعت نماز تحیت مسجد بگذارند،
در هر رکعتی یک بار سوره «حمد» و هفت بار سوره «اخلاص» بخواند و تسبیح
رکوع و سجود را هفت بار بگویند؛ و پس از آن دو رکعت نماز صاحب
الزمان علیه السلام به گونه‌ای که ذکر می‌شود انجام دهد:

سوره «حمد» را شروع کند، به آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» که رسید، صد بار

۱. همان، ص ۱۳۴-۱۳۵، به نقل از: مهج الدعوات، ص ۳۵۱.

۲. نک: قطب الدین راوندی، الدعوات، ص ۸۹.

آن را بگوید، سپس سوره «حمد» را تمام کرده، سوره «اخلاص» را بعد از آن بخواند و در هر رکوع و سجده ذکر آن را هفت مرتبه بگوید و رکعت دوم را نیز همی گونه بخواند.

و چون نماز را تمام کرد، تهلیل^۱ بگوید و تسبیح فاطمه زهرا (علیهاالسلام) را، و چون از تسبیح فارغ شد سر به سجده نهد و صد بار بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد^۲.

۶- عریضه نگاری

عریضه نگاری یا عرض حال و درخواست نامه از شیوه‌های توسل است که در طول تاریخ، در فرهنگ اسلامی همواره مورد توجه بوده است. توضیح آن که گاهی افراد جامعه با یک سلسله نیاز و گرفتاری‌ها مواجه می‌شوند که بر حسب ظاهر امکان برطرف نمودن آن‌ها از طریق اسباب عادی میسر نیست، یا حد اقل بسیار مشکل است؛ در چنین مواردی به جای نا امید شدن، از ناحیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام توصیه شده است که از دعا و توسل که در جای خود اثبات شده است - که هر یک از آن‌ها اگر مؤثرتر از اسباب عادی نباشند کمتر از آن‌ها نیستند - کمک گرفته شود.

عریضه گاه خطاب به خداوند تبارک و تعالی نوشته می‌شود و در آن فرد نیازمند ضمن اشاره به حاجت مورد نظر خود، به منزلت یکی از معصومین علیهم السلام یا همه آن‌ها در پیشگاه خداوند متوسل می‌شود.

و گاهی مستقیماً به معصوم علیه السلام نوشته می‌شود تا او بواسطه منزلتی که در نزد خداوند متعال دارد، از او برآورده شدن یا برطرف گشتن آن حاجت و مشکل را درخواست نماید.

۱. «لا اله الا الله» یا «لا اله الا الله وحده وحده»

۲. نک: صحیفه مهدیه، ص ۱۱۷، به نقل از جنه المأوی، ص ۲۳۱.

یا این که خود معصوم علیه السلام بواسطه ولایت و قدرتی که از ناحیه پروردگار عالم به او اعطا شده است، به اذن خداوند مهربان این نیاز و گرفتاری را برطرف سازد.

بدیهی است که هیچ یک از این امور با قیودی که به آنها ذکر شد به اموری نظیر شرک و بت پرستی منتهی نمی‌شوند.^۱

در تحفة الزائر نقل شده است که امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه کسی درخواستی از خداوند متعال داشت و یا از موضوعی در هراس بود، آن را به این ترتیب که بیان می‌شود بر روی کاغذی بنویسد:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوجَّهُ إِلَيْكَ بِأَحَبِّ الْأَسْمَاءِ إِلَيْكَ، وَ أَعْظَمَهَا لَدَيْكَ، وَ أَتَقَرَّبُ وَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمَنْ أَوْجَبَتْ حَقَّهُ عَلَيْكَ، بِمُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ الْحُجَّةَ الْمُتَنْظِرَ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، أَكْفِنِي كَذَا وَ كَذَا...» سپس آن نوشته را در آب جاری یا در چاهی بیندازد انشاءالله خداوند متعال حاجت و درخواست او را بر می‌آورد.^۲

۷- حج و عمره

حج و عمره تمرین و نمایشی از بندگی و کرنش در برابر خدای متعال، و فرصت مغتنمی در استغاثه و توسل به عصاره هستی، حضرت مهدی علیه السلام است. بدون شک آن حضرت عنایت خاصی به آن مشاهد مشرفه دارند، پس شایسته است ره یافتگان به آن مکان‌های پر فضیلت، قدر چنین فرصت‌های ارزنده را بدانند، وقت خود را بیهوده تلف ننمایند.

۱. نک: عریضه نویسی، سید صادق سید نژاد، انتشارات مسجد مقدس جمکران.

۲. نک: مفاتیح الجنان، ص ۸۸۴

معلوم نیست دوباره چنین توفیقی شامل حال انسان شود، پس چه خوبست در راز و نیاز به بارگاه خدای متعال و توبه و استغفار از گناهان و کوتاهی‌ها، و در توسل و استغاثه به حجت‌الاهی بهره ببرند.

در روایتی از امام محمد باقر علیه السلام آمده است: خداوند به مردم فرمان حج داد، تا بعد از طواف کعبه، به سراغ ما بیایند، پایداری خود را نسبت به ولایت ما اعلام نموده و یاری شان را (نسبت به اهداف مقدس ما) عرضه نمایند.^۱

نیز در روایتی از آن امام همام آمده است: «تمام الحج لقاء الامام^۲؛ کمال حج به دیدار امام است.

۸- زیارت امامان معصوم

در حرم مطهر امامان معصوم علیهم السلام، که بندگان ویژه خداوند و واسطه‌های فیض‌الاهی هستند، و در آرامگاه‌های نورانی امام زادگان بزرگوار، و شهیدان و صالحان، نیز شایسته است از استغاثه و توسل به آن یگانه دوران غافل نباشیم زیرا این اماکن مورد عنایت و زیارت آن حجت‌پروردگار است.

۹- حضور در مساجد

مساجد در فرهنگ اسلامی از جایگاه والایی برخوردار است، حضور در مساجدی مانند: مسجد کوفه، مسجد سهله، مسجد جمکران و مساجد فراوان دیگری که در جای‌جای جهان، بر پایه تقوا بنا نهاده شده است نیز فرصت مغتنمی برای استغاثه و توسل به امامان معصوم علیهم السلام از جمله وجود مقدس امام زمان علیه السلام می‌باشد.

۱. نک: الکافی، ج ۴، ص ۵۴۹.

۲. همان.

۹- زیارت و پیمان هر روزه با امام

شایسته نیست تنها در مشکلات و سختی‌ها بیاد امام زمان علیه السلام باشیم. استغاثه کننده و متوسل واقعی کسی است که پیوسته بیاد آن عزیز باشد و صبح و شام با امام خویش و حجت الاهی زمزمه و نجوا نماید.

برای این توجه و دلداگی می‌توان از دعای عهد و زیارت آل یس که در خاتمه همین نگاهشته می‌آید استفاده و بهره بر داری نماید.

۱۰- اقامه عزاداری اهل بیت

برپا داشتن عزاداری اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و بیان معارف نورانی آن پاکان و بندگان شایسته خداوند، بویژه اقامه عزاداری و گریه و شیون در مصایب جانسوز سید الشهداء علیهم السلام زمینه ساز توسل و استغاثه به حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد، زیرا آن حضرت به چنین جلسات و محافلی عنایت خاص و ویژه دارند.

بایسته است در عزاداری‌ها از کتاب‌های معتبر مانند: لهوف؛ نفس المهموم و از اشعاری پر محتوا مانند اشعار ابن عرندس، محتشم کاشانی استفاده شود و عزاداری‌ها از هر کاری که موجب وهن مذهب و هتک حرمت اهل بیت علیهم السلام می‌شود بدور باشد.

۱۱- توجه و استغاثه به حضرت در روز جمعه

روز جمعه امید بخش ظهور آن یار غائب از نظر و نجاتبخش مستضعفان و محرومان و ستمدیدگان جهان است، این روز تعلق خاصی به آن یادگار امامان معصوم علیهم السلام دارد.

شایسته است در روز جمعه بیشتر بیاد آن عزیز باشیم و با قرائت دعاهای رسیده مانند دعای ارزنده ندبه، که در پایان کتاب می‌آید به آن حجت حق توسل و استغاثه نماییم، باشد که خداوند متعال در ظهور آن حضرت تعجیل نماید و

بزودی شاهد بر افراشته شدن پرچم حق و عدالت در دستان مبارک آن حضرت باشیم.

۱۲- بزرگداشت نماز جمعه

نمازهای با شکوه، وحدت بخش و دشمن شکن جمعه که از برکات نظام مقدس جمهوری اسلامی ماست، نیز صحنه ارزشمندی است که موجب خوشنودی حضرت صاحب الزمان علیه السلام می‌باشد و از این فرصت نیز می‌توان در استغاثه و توسل به ساحت قدسی آن حضرت بهره برد.

۱۳- اهتمام به نماز

کسی که بر نمازهای پنجگانه محافظت دارد، بسان کسی است که در منزل خود نهر آبی دارد و در شبانه روز پنج نوبت خود را شستشو می‌دهد. چنین فردی از طهارت و پاکی بالایی برخوردار بوده، نماز او نردبان ترقی و صعود او خواهد گردید و به مقام قرب الاهی نزدیک خواهد شد. اهتمام به نمازهای واجب یعنی: خواندن از روی شوق و برای قرب الاهی، حضور قلب، سر وقت خواندن، تا جایی که ممکن است در مسجد و با جماعت بجای آوردن، سبب رضایتمندی و خوشنودی ولی عصر علیه السلام گردیده و دعای خیر آن حضرت را بدنبال دارد و برای استغاثه‌کنندگان به آن سرور جهانیان فرصت گران قیمتی است.

۱۴- نماز شب و شب زنده داری

امام زمان علیه السلام اهل تهجد و سحر خیزی و اقامه نماز شب است. کسانی که سحر خیزند و توفیق اقامه نماز بافضیلت شب را دارند، هم نوا و هم ناله با حجت الاهی هستند و از بهترین لحظه‌ها برای توسل و استغاثه به آن حضرت است.

فصل ۵

اشعاری در استغاثه

در این فصل به چند نمونه از اشعاری که در توسل و استغاثه به یگانه دوران، حضرت حجت بن الحسن العسکری ارواحنا فداه سروده شده است اشاره می‌کنیم:

۱- استغاثه / غروی اصفهانی /

آمد بهار و بی گل رویت بهار نیست
بی روی گل‌عذار مخوانم بلالسه زار
بی سرو قد یار چه حاجت بجویبار
بی چین زلف دوست نه هر حلقه‌ای نکوست
گمراه دهر گردد و ویران شود به قهر
ای سرو معتدل که به میزان عدل و داد
ای نخل طور نور که در عرصه ظهور
مصباح بزم انس بمشکوۃ قرب قدس
ای قبله عقول که اهل قبول را
امروز در قلمسرو توحید سکه زن
در نشئه تجرد و اقلیم کن فکان
جز نام دلربای تو از شرق تا بغرب

باد صبا مباد چه پیغام یار نیست
بی گل نوای بلبل و شور هزار نیست
ما را سرشک دیده کم از جویبار نیست
تاری ز طره‌اش به ختا و تثار نیست
شهری که شاه عشق در او شهریار نیست
سروی باعتدال تو در روزگار نیست
جز شعله رخ تو نمایان ز نار نیست
حقا که جز تجلی حسن نگار نیست
جز کعبه تو ملتزم و مستجار نیست
غیر از تسوای شهنشئه والاتبار نیست
جز عنصر لطیف تو فرمانگذار نیست
زینت فزای دفتر لیل و نهار نیست

جز خط و خال حسن ترا اعتبار نیست
 جز نقطه بسیط دهانت مدار نیست
 این توسن سپهر که هیچش قرار نیست
 ما را زیاده طاقت این شام تار نیست
 جز ساحل عنایت و لطفت کنار نیست
 آب حیات جز ز لب خوشگوار نیست
 از یک اشاره‌ای که مشیر و مشار نیست
 هیچ آرزو در این دل امیدوار نیست
 مجنون حسن ترا کار و بار نیست
 جز مست باده ازلی هوشیار نیست^۱

در صفحه صحیفه هستی برآستی
 و ندر محیط دائره علم و معرفت
 با یکه‌تاز عزم تو زانو دوته کند
 ای صبح روشن از افق معدلت درآی
 ما را ز قلم فتن آخرالزمان
 در کسام دوستان توای خضر رهنما
 ای طاق ابروی تو مراقبه نیاز
 غیر از طواف کوی توای قبله مراد
 غیر از حدیث عشق توای لیلی قدم
 شور شراب لم یزلی در سر است و بس

۲- خاک ره یار / حافظ^۲

بیر اندوه دل و مژده دلدار بیار
 نامه خوش خبر از عالم اسرار بیار
 شمه از نفحات نفس یار بیار
 بی غباری که پدید آید از اغیار بیار
 بهر آسایش این دیده خوناب بیار
 خبری از بر آن دلبر عیار بیار
 باسیران قفس مژده گلزار بیار

ای صبا نکستی از خاک ره یار بیار
 نکته روح فزا از دهن دوست بگو
 تا معطر کنم از لطف نسیم تو مشام
 بوفسای تو که خاک ره آن یار عزیز
 گردی از رهگذر دوست بکوری رقیب
 خامی و ساده دلی شیوه جانبازان نیست
 شکر آن را که تو در عشرتی، ای مرغ چمن

۱. دیوان آیت الله غروی اصفهانی، ص ۲۰۶-۲۰۸.

۲. حافظ شیرازی هرچند در این شعر زیبا، تصریح به نام حضرت مهدی علیه السلام ندارد، ولی به نظر می‌رسد ارتباط زیادی با آن یگانه دوران دارد.

کام جان تلخ شد از صبر که کردم بی دوست
روزگاری است که دل چهره مقصود ندید
دلق حافظ بچه ارزد؟ بمیش رنگین کن

۳- فراق تا کی / فیض کاشانی /

گفتم که روی خویت از ما چرا نهان است
گفتم که از که پرسم جانا نشان رویت
گفتم مرا غم تو خوشتر ز شادمانی
گفتم که سوخت جانم از آتش نهانم
گفتم فراق تا کی، گفتا که تا تو هستی
گفتم که حاجتی است، گفتا بخواه از ما
گفتم ز فیض پذیر، این نیم جان که دارد

عشوه زان لب شیرین شکر بار بیار
ساقیا، آن قدح آینه کردار بیار
و آنگهش مست و خراب از سر بازار بیار^۱

گفتا تو خود حجابی ورنه رحم عیانست
گفتا نشان چه پرسی، آن کوی بی نشانست
گفتا که در ره ما غم نیز شادمانست
گفت آنکه سوخت، او را کی ناد یا فغانست
گفتم نفس همین است گفتا سخن همانست
گفتم غم بیفزا، گفتا که رایگانست
گفتا نگاه دارش غمخانه تو جانست^۲

۴- روز وصل / امام خمینی «ره» /

غم منخور ایام هجران رو پایان می رود
پرده را از روی ماه خویش بالا می زند
بلبل اندر شاخسار گل هویدا می شود
محفل از نور رخ او نور افشان می شود
ابرها از نور خورشید رخس پنهان شوند
وعده دیدار نزدیک است یاران مژده باد

این خماری از سر ما می گساران می رود
غمزه را سر می دهد غم از دل و جان می رود
زاغ با صد شرمساری از گلستان می رود
هر چه غیر از ذکر یار از یاد رندان می رود
پرده از رخسار آن سرو خرامان می رود
روز وصلش می رسد ایام هجران می رود^۳

۱. دیوان حافظ، به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر، ص ۳۳۶-۳۳۷.

۲. محمد حجتی، یار غائب از نظر، ص ۲۲۶.

۳. موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، دیوان امام، ص ۱۱۱.

۵. بانگ جرس / آیت الله خامنه‌ای دامت برکاته /

دل را ز بیخودی سر از خود رمیدن است
 از بیم ترس نیست که سر داده ام فغان
 دستم نمی رسد که دل از سینه برکنم
 شامم سیه تر است ز گیسوی سرکشت
 سوی تو ای خلاصه گلزار زندگی
 بگرفته آب و رنگ ز فیض حضور تو
 با اهل درد شرح غم خود نمی‌کنم
 آن را که لب به جام هوس گشت آشنا
 جان را هوای از قفس تن پریدن است
 بانگ جرس ز شوق به منزل رسیدن است
 باری علاج شوق، گریبان دریدن است
 خورشید من برآی که وقت دمیدن است
 مرغ ننگه در آرزوی پر کشیدن است
 هر گل در این چمن که سزاوار دیدن است
 تقدیر قصه دل من ناشنیدن است
 روزی «امین» سزا لب حسرت گزیدن است^۱

۶. هجران / شهید حسین شاهد /

عمرم تمام گشت ز هجران روی تو
 با آنکه روی ماه تو از دیده شد نهان
 خورشید چهره ات چو نهان شد ز چشم خلق
 دامن پر از ستاره کنم شب ز اشک چشم
 گردش به باغ بهر تماشای گل بود
 همچون مسیح جان به تن مردگان دمد
 تا کی ز هجر روی تو سوزیم همچو شمع
 رحمی به حال شاهد از پا فتاده کن
 ترسم شها به خاک برم آرزوی تو
 عشاق را همیشه بود دیده سوی تو
 شد روزشان سیاه از این غم چو موی تو
 چون بنگرم به ماه و کنم یاد روی تو
 گل‌های باغ را نبود رنگ و بوی تو
 گر بگذرد نسیم سحر گه ز کوی تو
 شبها به یاد روی تو و گفتگو تو
 تا کی بهر دیار کند جستجوی تو^۲

۱. یار غائب از نظر، ص ۲۹.

۲. یار غائب از نظر، ص ۱۱۴.

۷- امام منتظر / علیرضا کمیلی /

امام منتظر ببین چه فتنه‌ها دمیده است
 زمین شده پر از شرر پر از دغل
 تمام شیعیان تو به انتظار تو نشسته‌اند
 حریم امن جد تو چو سرخی شفق شده
 حریم کعبه و منا، صفا و مسجد الحرام
 چه قرن‌ها گذشته است به شوق انتظار تو
 تمام جمعه‌های من پر از حضور گریه بود
 تو را به جان مادرت به حق آل اطهرت

۸- جان جهان / غلامحسین کمیلی /

ای جان جهان مهدی موعود کجایی
 افتاده ام از پای و اسیر هوسم من
 عالم شده از ظلم و جنایت متیمم
 دشمن همه دم طعنه زن ماست
 این جمعه گذشت و رخ زیبات ندیدیم
 سرگشته کمیلی به امید نظر توست

۹- با تو بودن / غلامحسین کمیلی /

چه خوش است با تو بودن به بر تو آرمیدن
 به قیام و هم قعودت همه دم نظاره کردن
 سخنی محبت‌آمیز ز تو دلربا شنیدن
 چه خوش است صوت قرآن زلبان سرخ قامت

بیا که ظلم ظالمان به اوج خود رسیده است
 بیا که شعله ستم به هر کجا کشیده است
 بیا که خواب عاشقان زچشمشان پریده است
 بیا که آه شیعیان به آسمان رسیده است
 به دست آن سعودیان حصار غم تنیده است
 هنوز هیبت تو را جهان به خود ندیده است
 بیا که گریه‌های من دگر زمن رمیده است
 بیا که نوحه دلم در این سرا تپیده است

وی حجت حق قائم موجود کجایی
 وی طلعت فرخنده و مسعود کجایی
 ای ناشر عدل و کرم و جود کجایی
 ای منتقم خون خدا نغمه داوود کجایی
 ای شمس پس ابر بیا زود کجایی
 ای آینه مظهر معبود کجایی

ز توای عصاره حق کلمات حق شنیدن
 حکم و مواعظ ناب ز تو یار حق چشیدن
 هوس حجاز کردن سفر منا نمودن
 همه کس ز تو شنیدن همه جا به جان خریدن

چه خوش آن دمی که بویند همه از گل وجودت
چه خوش ای کمیلی آنکه به حضور دوست رفتن
چه خوش است وقت مردن سر من به دامن تو
چه طیور و وحش و انسان همه در صفا نشستن
به صف مجاهدانش به وصال حق رسیدن
و عروج مرغ جانم به دو دست تو رهیدن

خاتمه در ذکر چند دعا

شایسته است متوسلان و استغاثه‌کنندگان به حضرت مهدی علیه السلام، از قرائت دعاهای رسیده از امامان معصوم علیهم السلام، که از مضامین بلندی برخوردار است، غافل نمانند.

این دعاهای ارزنده، سرشار از معارف الهی بوده و نقش زیادی در تقرب به درگاه خداوند متعال دارد. بزرگی می‌گفت: اگر بدانیم در نقطه دوری از جهان پیراهن منسوب به امام سجاده علیه السلام وجود دارد حاضر بودیم هزینه‌ها کنیم و آن لباس متبرک را ببوییم، حال صحیفه سجادیه، دعاهایی است که از لبان مبارک آن حجت الهی صادر شده است آیا شایسته‌اهتمام و بهره‌برداری بیشتر نیست؟! دعاهای ما گاه به گونه‌ای است که یک‌جا را خوب و جای دیگر را خراب می‌کند، و از جامعیت خیر دنیا و آخرت برخوردار نیست، ولی دعاهای امامان معصوم و حجت‌های الهی علیهم السلام، برخوردار از جامعیت و خیر دنیا و آخرت می‌باشد.

در این قسمت تنها برخی از دعاهای رسیده از امامان نور، برای متوسلان و استغاثه‌کنندگان به حضرت مهدی - ارواحنا فداه - فراهم آمده است، باشد که مورد استفاده قرار گیرد.

۱- دعای کمیل

دعای کمیل از بهترین دعاها است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آن را به کمیل که از اصحاب خاص آن حضرت است تعلیم نموده است.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسَعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَرَتْ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَخَضَعَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ وَذَلَّ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ، وَبِجَبْرُوتِكَ الَّتِي غَلَبْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ، وَبِعَظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَبِسُلْطَانِكَ الَّذِي عَلَا كُلُّ شَيْءٍ، وَبِوَجْهِكَ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ، وَبِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأَتْ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ، وَبِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَضَاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ، يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ، يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ وَيَا آخِرَ الْآخِرِينَ

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ النَّقْمَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ الْبَلَاءَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ، وَكُلَّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ، وَاسْتَشْفَعُ بِكَ إِلَى نَفْسِكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِجُودِكَ أَنْ تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ، وَأَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ، وَأَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خَاشِعٍ، أَنْ تُسَامِحَنِي وَتَرْحَمَنِي، وَتَجْعَلَنِي بِقِسْمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا، وَفِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا، اللَّهُمَّ وَ أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ، وَ أَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ، وَ عَظُمَ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتُهُ، اللَّهُمَّ عَظُمَ سُلْطَانُكَ، وَ عَلَا مَكَانُكَ، وَ خَفِيَ مَكْرُوكُكَ، وَ ظَهَرَ أَمْرُكَ، وَ غَلَبَ قَهْرُكَ، وَ جَرَتْ قُدْرَتُكَ، وَ لَا يُمَكِّنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ

اللَّهُمَّ لَا أَجِدُ لِدُنُوبِي غَافِرًا، وَ لَا لِقَبَائِحِي سَاتِرًا، وَ لَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلًا غَيْرَكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ وَ بِحَمْدِكَ، ظَلَمْتُ نَفْسِي، وَ تَجَرَّاتُ بَجْهَلِي، وَ سَكَنْتُ إِلَى قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي، وَ مَنَّكَ عَلَيَّ، اللَّهُمَّ مَوْلَايَ كَمْ مِنْ قَبِيحِ سِرَّتِهِ، وَ كَمْ مِنْ فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ أَقْلَتُهُ، وَ كَمْ مِنْ عِثَارٍ وَقَيْتُهُ، وَ كَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتُهُ، وَ كَمْ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا لَهُ نَشْرَتُهُ

اللَّهُمَّ عَظَمَ بَلَائِي، وَ أَفْرَطَ بِي سُوءُ حَالِي، وَ قَصُرَتْ بِي أَعْمَالِي، وَ قَعَدَتْ
بِي أَغْلَالِي، وَ حَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي بَعْدُ أَمَلِي، وَ خَدَعَتْنِي الدُّنْيَا بِغُرُورِهَا، وَ نَفَسِي
بِجَنَائِبِهَا، وَ مَطَالِي يَا سَيِّدِي، فَاسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ أَنْ لَا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعَائِي، سُوءُ
عَمَلِي وَ فَعَالِي، وَ لَا تَفْضَحْنِي بِخَفِيِّ مَا أَطْلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي، وَ لَا تُعَاجِلْنِي
بِالْعُقُوبَةِ عَلَى مَا عَمَلْتَهُ فِي خَلَوَاتِي، مِنْ سُوءِ فَعْلِي وَ إِسَاءَتِي، وَ دَوَامِ تَفْرِيطِي
وَ جَهَالَتِي، وَ كَثْرَةِ شَهَوَاتِي وَ غَفْلَتِي، وَ كُنِ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ
رِءُوفًا، وَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَطُوفًا

إِلَهِي وَ رَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ، أَسْأَلُكَ كَشْفَ ضُرِّي، وَ النَّظَرَ فِي أَمْرِي، إِلَهِي وَ
مَوْلَايَ أَجْرَيْتَ عَلَيَّ حُكْمًا اتَّبَعْتُ فِيهِ هَوَى نَفْسِي، وَ لَمْ أَحْتَرَسْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ
عَدُوِّي، فَغَرَّنِي بِمَا أَهْوَى، وَ أَسْعَدَهُ عَلَيَّ ذَلِكَ الْقَضَاءُ، فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرَى عَلَيَّ
مِنْ ذَلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ، وَ خَالَفتُ بَعْضَ أَوْامِرِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ
ذَلِكَ، وَ لَا حُجَّةَ لِي فِيمَا جَرَى عَلَيَّ فِيهِ قِضَاؤُكَ، وَ أَلْزَمَنِي حُكْمُكَ، وَ بَلَاؤُكَ وَ
قَدْ أَتَيْتَكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي وَ إِسْرَافِي عَلَيَّ نَفْسِي، مُعْتَذِرًا نَادِمًا، مُتَكَسِّرًا
مُسْتَقِيلًا، مُسْتَغْفِرًا مُنِيبًا، مُقْرَأً مُذْعِنًا مُعْتَرِفًا، لَا أَجِدُ مَفْرَأً مِمَّا كَانَ مِنِّي، وَ لَا
مَفْزَعًا أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي، غَيْرَ قَبُولِكَ عُذْرِي، وَ إِدْخَالِكَ إِيَّايَ فِي سَعَةِ
رَحْمَتِكَ

اللَّهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْرِي، وَ ارْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي، وَ فُكِّنِي مِنْ شِدَّةِ وَثَاقِي، يَا رَبُّ
ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي، وَ رِقَّةَ جِلْدِي، وَ دِقَّةَ عَظْمِي، يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي، وَ ذَكَرِي وَ
تَرَبَّيْتِي وَ بَرَّيْتِي وَ تَغَذَّيْتِي، هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ، وَ سَالِفِ بَرَكَ بِي، يَا إِلَهِي وَ
سَيِّدِي وَ رَبِّي، أَثْرَاكَ مُعَذِّبِي بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ، وَ بَعْدَ مَا انْطَوَى عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ
مَعْرِفَتِكَ، وَ لَهَجَ بِهِ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ، وَ اعْتَقَدَهُ ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ، وَ بَعْدَ صِدْقِ
اعْتِرَافِي، وَ دُعَائِي خَاضِعًا لِرُبُوبِيَّتِكَ، هَيْهَاتَ أَنْتَ أَكْرَمُ مَنْ أَنْ تُضَيِّعَ مَنْ رَبَّيْتَهُ،
أَوْ تُبْعِدَ مَنْ أَدَبَيْتَهُ، أَوْ تُشَرِّدَ مَنْ أَوَيْتَهُ، أَوْ تُسَلِّمَ إِلَى الْبَلَاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ وَ رَحِمْتَهُ،

وَ لَيْتَ شِعْرِي يَا سَيِّدِي وَ إِلَهِي وَ مَوْلَايَ، أ تُسَلِّطُ النَّارَ عَلَيَّ وَ جُوهَ خَرَّتْ
لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً، وَ عَلَيَّ أَلْسُنَ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً، وَ بِشُكْرِكَ مَادِحَةً، وَ
عَلَيَّ قُلُوبَ اعْتَرَفَتْ بِإِلَهِيَّتِكَ مُحَقِّقَةً، وَ عَلَيَّ ضَمَائِرَ حَوَتْ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتَّى
صَارَتْ خَاشِعَةً، وَ عَلَيَّ جَوَارِحَ سَعَتْ إِلَى أَوْطَانِ تَعْبُدُكَ طَائِعَةً، وَ أَشَارَتْ
بِاسْتِغْفَارِكَ مُذْعِنَةً، مَا هَكَذَا الظَّنُّ بِكَ، وَ لَا أَخْبَرْنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ، يَا كَرِيمُ يَا رَبُّ
وَ أَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي، عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَ عُقُوبَاتِهَا، وَ مَا يَجْرِي فِيهَا مِنْ
الْمَكَارِهِ عَلَيَّ أَهْلِهَا، عَلَيَّ أَنَّ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَ مَكْرُوهٌ، قَلِيلٌ مَكْثُهُ، يَسِيرٌ بَقَاؤُهُ، قَاصِرٌ
مُدَّتُهُ، فَكَيْفَ احْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ وَ جَلِيلِ وَقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا، وَ هُوَ بَلَاءٌ
تَطُولُ مُدَّتُهُ، وَ يَدُومُ مَقَامُهُ، وَ لَا يُخَفَّفُ عَنْ أَهْلِهِ، لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنْ غَضَبِكَ،
وَ انْتِقَامِكَ وَ سَخَطِكَ، وَ هَذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ، يَا سَيِّدِي فَكَيْفَ
لِي، وَ أَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ، الدَّلِيلُ الْحَقِيرُ الْمُسْتَكِينُ

يَا إِلَهِي وَ رَبِّي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ، لَأَيُّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكُو، وَ لِمَا مِنْهَا أَضْجُ
وَ أَبْكِي، لِأَلِيمِ الْعَذَابِ وَ شِدَّتِهِ، أَمْ لَطُولِ الْبَلَاءِ وَ مُدَّتِهِ، فَلَمَّا صَيَّرْتَنِي لِلْعُقُوبَاتِ
مَعَ أَهْدَائِكَ، وَ جَمَعْتَ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَهْلِ بَلَائِكَ، وَ فَرَّقْتَ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَحِبَّائِكَ وَ
أَوْلِيَائِكَ، فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَ رَبِّي صَبْرْتُ عَلَيَّ عَذَابِكَ، فَكَيْفَ
أَصْبِرُ عَلَيَّ فِرَاقِكَ، وَ هَبْنِي يَا إِلَهِي صَبْرْتُ عَلَيَّ حَرًّا نَارِكَ، فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنْ
النَّظَرِ إِلَى كَرَامَتِكَ، أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النَّارِ وَ رَجَائِي عَفْوِكَ، فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي
وَ مَوْلَايَ، أَقْسَمُ صَادِقًا، لَمَّا تَرَكْتَنِي نَاطِقًا، لِأَضْجَعْنُ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا ضَجِيجِ
الْأَمَلِينَ، وَ لِأَصْرُخَنَّ إِلَيْكَ صُرَاخَ الْمُسْتَضْرَحِينَ، وَ لِأَبْكِينَ عَلَيْكَ بُكَاءَ الْفَاقِدِينَ،
وَ لِأَنَادِيَنَّكَ أَيْنَ كُنْتَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يَا غَايَةَ آمَالِ الْعَارِفِينَ، يَا غِيَاثَ
الْمُسْتَعِيثِينَ، يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ، وَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ

أَفْتَرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي وَ بِحَمْدِكَ، تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سَجَنَ فِيهَا
بِمُخَالَفَتِهِ، وَ ذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا بِمَعْصِيَتِهِ، وَ حُبَسَ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا بِجُرْمِهِ وَ جَرِيرَتِهِ،

وَ هُوَ يَضِجُ إِلَيْكَ ضَجِيجَ مُؤَمِّلٍ لِرَحْمَتِكَ، وَ يُنَادِيكَ بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ، وَ
يَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ، يَا مَوْلَايَ فَكَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ وَ هُوَ يَرْجُو مَا سَلَفَ
مِنْ حَلْمِكَ، أَمْ كَيْفَ تُؤَلِّمُهُ النَّارَ وَ هُوَ يَأْمُلُ فَضْلَكَ وَ رَحْمَتَكَ، أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ
لَهَيْبَتِهَا وَ أَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ، وَ تَرَى مَكَانَهُ، أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا، وَ أَنْتَ
تَعْلَمُ ضَعْفَهُ، أَمْ كَيْفَ يَتَقَلَّقُ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا، وَ أَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ، أَمْ كَيْفَ تَزْجُرُهُ
رَبَابِيَّتُهَا، وَ هُوَ يُنَادِيكَ يَا رَبِّهِ، أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عَتَقِهِ مِنْهَا فَتَرُكُهُ فِيهَا
هَيْهَاتَ مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ، وَ لَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ، وَ لَا مُشَبَّهٌ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ
الْمُؤَحِّدِينَ مِنْ بَرِّكَ وَ إِحْسَانِكَ، فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ لَوْ لَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِيبِ
جَاحِدِيكَ، وَ قَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلَادِ مُعَانِدِيكَ، لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَ سَلَامًا، وَ
مَا كَانَ لِأَحَدٍ فِيهَا مَقْرًا وَ لَا مُقَامًا، لَكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ، أَقْسَمْتُ أَنْ تَمْلَأَهَا
مِنَ الْكَافِرِينَ، مِنَ الْجِنَّةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ، وَ أَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا الْمُعَانِدِينَ، وَ أَنْتَ
جَلَّ ثَنَاؤُكَ قُلْتَ مُبْتَدِنًا، وَ تَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعَامِ مُتَكْرِمًا أَمْ مَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ
فَاسِقًا، لَا يَسْتَوُونَ

إِلَهِي وَ سَيِّدِي فَاسْأَلْكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا، وَ بِالْقَضِيَّةِ الَّتِي حَكَمْتَهَا وَ
حَكَمْتَهَا، وَ غَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ أَجْرِيَّتَهَا، أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ، وَ فِي هَذِهِ
السَّاعَةِ كُلَّ جُرْمٍ أَجْرَمْتُهُ، وَ كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ، وَ كُلَّ قَبِيحٍ أَسْرَرْتُهُ، وَ كُلَّ جَهْلٍ
عَمَلْتُهُ، كَتَمْتُهُ أَوْ أَغْلَنْتُهُ، أَخْفَيْتُهُ أَوْ أَظْهَرْتُهُ، وَ كُلَّ سَيِّئَةٍ أَمَرْتُ بِإِثْبَاتِهَا الْكِرَامَ
الْكَاتِبِينَ، الَّذِينَ وَكَلْتَهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي، وَ جَعَلْتَهُمْ شُهُودًا عَلَيَّ مَعَ
جَوَارِحِي، وَ كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ، وَ الشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ، وَ
بِرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتَهُ، وَ بِفَضْلِكَ سَرَرْتَهُ، وَ أَنْ تُوقِرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ، أَوْ
إِحْسَانٍ فَضَّلْتَهُ، أَوْ بَرٍّ نَشَرْتَهُ، أَوْ رِزْقٍ بَسَطْتَهُ، أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ أَوْ خَطِيئَةٍ تَسْتُرُهُ، يَا
رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ

يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَ مَالِكِ رِقِّي، يَا مَنْ بِيَدِهِ نَاصِيَّتِي، يَا عَلِيمًا بِضُرِّي

وَمَسْكَتِي، يَا خَيْرًا بِفَقْرِي وَفَاقَتِي، يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ
 أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ، وَاعْظِمَ صِفَاتِكَ وَأَسْمَائِكَ، أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنَ
 اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً، وَبِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً، وَأَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً،
 حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَأَوْرَادِي كُلُّهَا وَرَدًا وَاحِدًا، وَحَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا، يَا
 سَيِّدِي يَا مَنْ عَلَيْهِ مُعْوَلِي، يَا مَنْ إِلَيْهِ شَكْوَتُ أَحْوَالِي، يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ
 قُوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي، وَاشْدُدْ عَلَى الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي، وَهَبْ لِي الْجِدَّةَ
 فِي خَشْيَتِكَ، وَالِدَوَامَ فِي الْإِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ، حَتَّى أُسْرِحَ إِلَيْكَ فِي مِيَادِينِ
 السَّابِقِينَ، وَأُسْرِعَ إِلَيْكَ فِي الْبَارِزِينَ، وَأَشْتاقَ إِلَى قُرْبِكَ فِي الْمُشْتاقِينَ، وَأَذْنُو
 مِنْكَ ذُنُوقَ الْمُخْلِصِينَ، وَأَخَافَكَ مَخَافَةَ الْمُوقِنِينَ، وَأَجْتَمِعَ فِي جِوَارِكَ مَعَ
 الْمُؤْمِنِينَ

اللَّهُمَّ وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ، وَمَنْ كَادَنِي فَكَدْهُ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ
 عِبِيدِكَ نَصِيبًا عِنْدَكَ، وَأَقْرَبِهِمْ مَنزِلَةً مِنْكَ، وَأَخْصِهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ
 ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ، وَجُدْ لِي بِجُودِكَ، وَاعْظِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ، وَاحْفَظْنِي
 بِرَحْمَتِكَ، وَاجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجًا، وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مُتِيمًا، وَمَنْ عَلَيَّ بِحُسْنِ
 إِجَابَتِكَ، وَأَقْلِنِي عَثْرَتِي، وَاعْفِرْ زَلَّتِي، فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ عِبَادَتَكَ بِعِبَادَتِكَ، وَ
 أَمَرْتَهُمْ بِدُعَائِكَ، وَضَمَنْتَ لَهُمُ الْإِجَابَةَ، فَإِلَيْكَ يَا رَبُّ نَصَبْتُ وَجْهِي، وَإِلَيْكَ يَا
 رَبُّ مَدَدْتُ يَدِي، فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي، وَبَلِّغْنِي مُنَايَ، وَلَا تَقْطَعْ مِنْ
 فَضْلِكَ رَجَائِي، وَاكْفِنِي شَرَّ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ مِنْ أَعْدَائِي

يَا سَرِيعَ الرِّضَا اغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءُ، فَإِنَّكَ فَعَّالٌ لِمَا تَشَاءُ، يَا مَنْ
 اسْمُهُ دَوَاءٌ، وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ، وَطَاعَتُهُ غِنَى، ارْحَمْ مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ، وَسِلَاحُهُ
 الْبُكَاءُ، يَا سَابِغَ النُّعْمِ، يَا دَافِعَ النُّقْمِ، يَا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلْمِ، يَا عَالِمًا لَا
 يُعَلِّمُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَصَلِّ اللَّهُ عَلَى

رَسُولِهِ وَ الْأَئِمَّةِ الْمَيَامِينِ مِنْ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا [كَثِيرًا] ۱

۲- دعای یستشیر

سید بن طاوس «ره» در کتاب مهج الدعوات از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نقل کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله این دعا را به من تعلیم نمود و مرا امر کرد که در هر سختی و آسانی آن را بخوانم و تعلیم نمایم به خلیفه بعد از خود و ترک ننمایم این دعا را تا حق تعالی را ملاقات نمایم و فرمود: یا علی هر صبح و شام این دعا را بخوان که گنجی است از گنج‌های عرش الهی:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ، الْمُدَبِّرُ بِلَا وَزِيرٍ، وَلَا خَلْقَ مِنْ عِبَادِهِ يَسْتَشِيرُ، الْأَوَّلُ غَيْرُ مَوْصُوفٍ، وَ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ الْخَلْقِ، الْعَظِيمُ الرَّبُّوِيَّةِ، نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ، وَ فَاطِرُهُمَا وَ مُبْتَدِعُهُمَا بغيرِ عَمَدٍ خَلَقَهُمَا، وَ فَتَقَهُمَا فَتَقًا فَقَامَتِ السَّمَاوَاتُ طَائِعَاتٍ بِأَمْرِهِ، وَ اسْتَقَرَّتِ الْأَرْضُونَ بِأَوْتَادِهَا فَوْقَ الْمَاءِ، ثُمَّ عَلَا رَبُّنَا فِي السَّمَاوَاتِ الْعُلَى، الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا وَ مَا تَحْتَ الثَّرَى

فَأَنَا أَشْهَدُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا رَافِعَ لِمَا وَضَعْتَ، وَ لَا وَاضِعَ لِمَا رَفَعْتَ، وَ لَا مُعَزِّزَ لِمَنْ أَدَلَّتْ، وَ لَا مُدَلِّ لِمَنْ أَعَزَّزْتَ، وَ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَ لَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ، وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، كُنْتَ إِذْ لَمْ تَكُنْ سَمَاءٌ مَبْنِيَّةً، وَ لَا أَرْضٌ مَدْحِيَّةً، وَ لَا شَمْسٌ مُضِيَّةً، وَ لَا لَيْلٌ مُظْلِمٌ، وَ لَا نَهَارٌ مُضِيٌّ، وَ لَا بَحْرٌ لَجِيٌّ، وَ لَا جَبَلٌ رَاسٌ وَ لَا نَجْمٌ سَارٌ، وَ لَا قَمَرٌ مُتِيرٌ وَ لَا رِيحٌ تَهْبٌ، وَ لَا سَحَابٌ يَسْكَبُ، وَ لَا بَرْقٌ يَلْمَعُ وَ لَا رَعْدٌ يُسْبِحُ، وَ لَا رُوحٌ تَنْفَسُ وَ لَا طَائِرٌ يَطِيرُ، وَ لَا نَارٌ تَتَوَقَّدُ وَ لَا مَاءٌ يَطْرُدُ

كُنْتُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، وَ كَوْنْتُ كُلَّ شَيْءٍ، وَ قَدَرْتُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، وَ
 ابْتَدَعْتُ كُلَّ شَيْءٍ، وَ أُغْنَيْتَ وَ أَفْقَرْتَ وَ أَمَتَّ وَ أَحْيَيْتَ، وَ أَضْحَكْتَ وَ أَبْكَيْتَ،
 وَ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَيْتَ، فَتَبَارَكْتَ يَا اللَّهُ وَ تَعَالَيْتَ، أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا
 أَنْتَ الْخَلَّاقُ الْمُعِينُ، أَمْرُكَ غَالِبٌ وَ عِلْمُكَ نَافِذٌ، وَ كَيْدُكَ غَرِيبٌ وَ وَعْدُكَ
 صَادِقٌ، وَ قَوْلُكَ حَقٌّ وَ حُكْمُكَ عَدْلٌ، وَ كَلَامُكَ هُدًى وَ وَحْيُكَ نُورٌ، وَ رَحْمَتُكَ
 وَاسِعَةٌ وَ عَفْوُكَ عَظِيمٌ، وَ فَضْلُكَ كَثِيرٌ، وَ عَطَاؤُكَ جَزِيلٌ، وَ حَبْلُكَ مَتِينٌ، وَ
 إِمْكَانُكَ عَتِيدٌ، وَ جَارُكَ عَزِيزٌ، وَ بَأْسُكَ شَدِيدٌ، وَ مَكْرُكَ مَكِيدٌ

أَنْتَ يَا رَبِّ مَوْضِعُ كُلِّ شَكْوَى، [وَ] حَاضِرُ كُلِّ مَلَأٍ وَ شَاهِدُ كُلِّ نَجْوَى،
 مُنْتَهَى كُلِّ حَاجَةٍ مُفْرَجٌ كُلِّ حُزْنٍ، غَنَى كُلِّ مَسْكِينٍ حَصْنٌ كُلِّ هَارِبٍ، أَمَانٌ كُلِّ
 خَائِفٍ، حَرِّ الضُّعْفَاءِ كَنْزُ الْفُقَرَاءِ، مُفْرَجُ الْغَمِّاءِ مُعِينُ الصَّالِحِينَ، ذَلِكَ اللَّهُ رَبُّنَا
 لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، تَكْفِي مَنْ عِبَادَكَ مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ، وَ أَنْتَ جَارٌ مَنْ لَازَبَكَ وَ
 تَضَرَّعَ إِلَيْكَ، عِصْمَةٌ مَنْ اغْتَصَمَ بِكَ، نَاصِرٌ مَنْ انْتَصَرَ بِكَ، تَغْفِرُ الذُّنُوبَ لِمَنْ
 اسْتَغْفَرَكَ، جَبَّارُ الْجَبَابِرَةِ عَظِيمُ الْعُظَمَاءِ، كَبِيرُ الْكُبَرَاءِ سَيِّدُ السَّادَاتِ، مَوْلَى
 الْمَوَالِي، صَرِيحُ الْمُسْتَضْرَحِينَ، مُنْفَسٌّ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ، مُجِيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ،
 أَسْمَعُ السَّامِعِينَ، أَبْصِرُ النَّاطِرِينَ، أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ، أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ، أَرْحَمُ
 الرَّاحِمِينَ، خَيْرُ الْغَافِرِينَ، قَاضِي حَوَائِجِ الْمُؤْمِنِينَ، مُغِيثُ الصَّالِحِينَ، أَنْتَ اللَّهُ لَا
 إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، رَبُّ الْعَالَمِينَ

أَنْتَ الْخَالِقُ وَ أَنَا الْمَخْلُوقُ، وَ أَنْتَ الْمَالِكُ وَ أَنَا الْمَمْلُوكُ، وَ أَنْتَ الرَّبُّ وَ أَنَا
 الْعَبْدُ، وَ أَنْتَ الرَّازِقُ وَ أَنَا الْمَرْزُوقُ، وَ أَنْتَ الْمُعْطِي وَ أَنَا السَّائِلُ، وَ أَنْتَ الْجَوَادُ وَ
 أَنَا الْبَخِيلُ، وَ أَنْتَ الْقَوِيُّ وَ أَنَا الضَّعِيفُ، وَ أَنْتَ الْعَزِيزُ وَ أَنَا الذَّلِيلُ، وَ أَنْتَ الْغَنِيُّ وَ
 أَنَا الْفَقِيرُ، وَ أَنْتَ السَّيِّدُ وَ أَنَا الْعَبْدُ، وَ أَنْتَ الْغَافِرُ وَ أَنَا الْمُسِيءُ، وَ أَنْتَ الْعَالِمُ وَ أَنَا
 الْجَاهِلُ، وَ أَنْتَ الْحَلِيمُ وَ أَنَا الْعَجُولُ، وَ أَنْتَ الرَّحْمَنُ وَ أَنَا الْمَرْحُومُ، وَ أَنْتَ
 الْمُعَافِي وَ أَنَا الْمُبْتَلَى، وَ أَنْتَ الْمُجِيبُ وَ أَنَا الْمُضْطَرُّ، وَ أَنَا أَشْهَدُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ، لَا

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْمُعْطِي عِبَادَكَ بِلَا سُؤَالٍ، وَ أَشْهَدُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ،
الْمُتَفَرِّدُ الصَّمَدُ الْفَرْدُ، وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ
الطَّاهِرِينَ، وَ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، وَ اسْتُرْ عَلَيَّ عَيْبِي، وَ افْتَحْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَ
رِزْقًا وَاسِعًا، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ
الْوَكِيلُ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ».

۳- دعای صباح حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

از دعاهاى پر محتوا و ارزنده دعای صباح حضرت علی علیه السلام مى باشد. خوب
انسان هر روز صبح بر آن مداومت نموده و خود را در پناه خدای متعال قرار دهد
و به اولیاء الاهی توسل جوید.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ يَا مَنْ دَلَعَ لِسَانَ الصَّبَاحِ بِنُطْقِ تَبَلُّجِهِ، وَ
سَرَّحَ قَطْعَ اللَّيْلِ الْمُظْلَمِ بَغِيَابِ تَلْجُلُجِهِ، وَ أَتَقَنَّ صُنْعَ الْفَلَكَ الدَّوَّارِ فِي مَقَادِيرِ
تَبَرُّجِهِ، وَ شَغَشَعَ ضِيَاءَ الشَّمْسِ بِنُورِ تَأَجُّجِهِ، يَا مَنْ دَلَّ عَلَى ذَاتِهِ بِذَاتِهِ، وَ تَنَزَّهَ
عَنْ مُجَانَسَةِ مَخْلُوقَاتِهِ، وَ جَلَّ عَنْ مُلَاءَمَةِ كَيْفِيَّاتِهِ، يَا مَنْ قَرُبَ مِنْ خَطَرَاتِ
الظُّنُونِ، وَ بَعُدَ عَنْ لَحَظَاتِ الْعَيُونِ، وَ عَلِمَ بِمَا كَانَ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ، يَا مَنْ
أَرْقَدَنِي فِي مَهَادِ أَمْنِهِ وَ أَمَانِهِ، وَ أَيَقْظَنِي إِلَى مَا مَنَحَنِي بِهِ مِنْ مَنِّهِ وَ إِحْسَانِهِ، وَ
كَفَّ أَكْفَاءَ السُّوءِ عَنِّي بِيَدِهِ وَ سُلْطَانِهِ، صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى الدَّلِيلِ إِلَيْكَ فِي اللَّيْلِ
الْأَلِيلِ، وَ الْمَاسِكِ مِنْ أَسْبَابِكَ بِحَبْلِ الشَّرَفِ الْأَطْوَلِ، وَ النَّاصِعِ الْحَسَبِ فِي ذُرْوَةِ
الكَاهِلِ الْأَعْبَلِ، وَ الثَّابِتِ الْقَدَمِ عَلَى رَحَالِيفِهَا فِي الزَّمَنِ الْأَوَّلِ، وَ عَلَى آلِهِ
الْأَخْيَارِ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَبْرَارِ، وَ افْتَحِ اللَّهُمَّ لَنَا مَصَارِيحَ الصَّبَاحِ بِمَفَاتِيحِ الرَّحْمَةِ وَ
الْفَلَاحِ، وَ أَلْبِسْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَفْضَلِ خَلْعِ الْهُدَايَةِ وَ الصَّلَاحِ، وَ اغْرَسِ اللَّهُمَّ
بِعَظْمَتِكَ فِي شَرِبِ جَنَانِي يَنَابِيعَ الْخُشُوعِ، وَ أَجْرِ اللَّهُمَّ لِهَيْبَتِكَ مِنْ أَمَاقِي رَفَرَاتِ

الدُّمُوعِ، وَ أَدَّبَ اللَّهُمَّ نَزَقَ الْخُرُقَ مِنِّي بِأَزْمَةِ الْقُنُوعِ، إِلَهِي إِنْ لَمْ تَبْتَدِئْني
الرَّحْمَةً مِنْكَ بِحُسْنِ التَّوْفِيقِ، فَمَنْ السَّالِكُ بِي إِلَيْكَ فِي وَاضِحِ الطَّرِيقِ، وَ إِنْ
أَسْلَمْتَنِي أَنَاتِكَ لِقَائِكَ الْآمِلِ وَ الْمُنِي، فَمَنْ الْمُقِيلُ عَثْرَاتِي مِنْ كَبَوَاتِ الْهَوَى، وَ
إِنْ خَذَلْنِي نَصْرُكَ عِنْدَ مُحَارَبَةِ النَّفْسِ وَ الشَّيْطَانِ، فَقَدْ وَكَلْنِي خِذْلَانِكَ إِلَيَّ
حَيْثُ النَّصَبُ وَ الْحَرَمَانُ

إِلَهِي أْتَرَانِي مَا أَتَيْتَكَ إِلَّا مِنْ حَيْثُ الْآمَالُ، أَمْ عَلَّقْتُ بِأَطْرَافِ حَبَالِكَ إِلَّا
حِينَ بَاعَدْتَنِي ذُنُوبِي عَنْ دَارِ الْوَصَالِ، فَبُسَ الْمَطِيئَةَ الَّتِي امْتَطَتْ نَفْسِي مِنْ
هَوَاهَا، فَوَاهَا لَهَا لَمَّا سَوَّلَتْ لَهَا ظُنُونَهَا وَ مَنَاهَا، وَ تَبَا لَهَا لِحُرَاتِهَا عَلَى سَيِّدِهَا وَ
مَوْلَاهَا، إِلَهِي قَرَعْتُ بَابَ رَحْمَتِكَ بِيَدِ رَجَائِي، وَ هَرَبْتُ إِلَيْكَ لِأَجْنَا مِنْ فَرْطِ
أَهْوَائِي، وَ عَلَّقْتُ بِأَطْرَافِ حَبَالِكَ أَنَامِلَ وَ لَائِي، فَاصْفَحِ اللَّهُمَّ عَمَّا كُنْتُ أُجْرِمْتُهُ
مِنْ زَلِّي وَ خَطَائِي، وَ أَقْلِنِي مِنْ صَرَعَةِ رَدَائِي، فَإِنَّكَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَ
مُعْتَمِدِي وَ رَجَائِي، وَ أَنْتَ غَايَةُ مَطْلُوبِي وَ مُنَايَ فِي مُنْقَلَبِي وَ مَشْوَايَ، إِلَهِي
كَيْفَ تَطَرَّدُ مَسْكِنَا التَّجَا إِلَيْكَ مِنَ الذُّنُوبِ هَارِبًا، أَمْ كَيْفَ تُخَيِّبُ مُسْتَرَشِدًا
قَصِدًا إِلَى جَنَابِكَ سَاعِيًا، أَمْ كَيْفَ تَرُدُّ ظَمَانَ وَرَدًا إِلَى حِيَاضِكَ شَارِبًا، كَلَا وَ
حِيَاضُكَ مِثْرَعَةٌ فِي ضَنْكَ الْمُخُولِ، وَ بَابُكَ مَفْتُوحٌ لِلطَّلَبِ وَ الْوُغُولِ، وَ أَنْتَ غَايَةُ
الْمَسْتُولِ وَ نِهَايَةُ الْمَأْمُولِ، إِلَهِي هَذِهِ أَزْمَةُ نَفْسِي عَقَلْتُهَا بِعَقَالِ مَشِيَّتِكَ، وَ هَذِهِ
أَغْبَاءُ ذُنُوبِي دَرَأْتُهَا بِعَفْوِكَ وَ رَحْمَتِكَ، وَ هَذِهِ أَهْوَائِي الْمُضِلَّةُ وَ كَلَّتْهَا إِلَى جَنَابِ
لُطْفِكَ وَ رَأْفَتِكَ، فَاجْعَلِ اللَّهُمَّ صَبَاحِي هَذَا نَازِلًا عَلَيَّ بِضِيَاءِ الْهُدَى، وَ بِالسَّلَامَةِ
فِي الدِّينِ وَ الدُّنْيَا، وَ مَسَائِي جُنَّةً مِنْ كَيْدِ الْعَدَى، وَ وَقَايَةً مِنْ مُرْدِيَاتِ الْهَوَى،
إِنَّكَ قَادِرٌ عَلَى مَا تَشَاءُ، تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ، وَ تُعْزِ
مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ، بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، تُسَوِّجُ اللَّيْلَ
فِي النَّهَارِ وَ تُسَوِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ، وَ تُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ تُخْرِجُ الْمَيِّتَ
مِنَ الْحَيِّ، وَ تُرْزِقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ

بِحَمْدِكَ

مَنْ ذَا يَعْرِفُ قَدْرَكَ فَلَا يَخَافُكَ، وَ مَنْ ذَا يَعْلَمُ مَا أَنْتَ فَلَا يَهَابُكَ، أَلْفَتْ
 بِقُدْرَتِكَ الْفَرْقَ، وَ فَلَقْتَ بِلُطْفِكَ الْفَلَقَ، وَ أَنْرَتْ بِكَرَمِكَ دِيَاجِي الْغَسَقِ، وَ أَنْهَرْتَ
 الْمِيَاهَ مِنَ الصُّمِّ الصِّيَاخِيدِ عَذْبًا وَ أَجَاجًا، وَ أَنْزَلْتَ مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا،
 وَ جَعَلْتَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ لِلْبَرِيَّةِ سَرَاجًا وَ هَاجًا، مِنْ غَيْرِ أَنْ تُمَارِسَ فِيمَا ابْتَدَأْتَ
 بِهِ لُغُوبًا وَ لَا عِلَاجًا، فَيَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْعِزِّ وَ الْبَقَاءِ، وَ قَهَرَ عِبَادَهُ بِالْمَوْتِ وَ الْفَنَاءِ،
 صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الْأَتْقِيَاءِ، وَ اسْمَعَ نِدَائِي وَ اسْتَجَبَ دُعَائِي، وَ حَقَّقَ
 بِفَضْلِكَ أَمَلِي وَ رَجَائِي، يَا خَيْرَ مَنْ دُعِيَ لِكَشْفِ الضَّرِّ، وَ الْمَأْمُولَ لِكُلِّ عُسْرٍ وَ
 يُسْرِ، بِكَ أَنْزَلْتَ حَاجَتِي فَلَا تَرُدَّنِي مِنْ سَنِي مَوَاهِبِكَ خَائِبًا، يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا
 كَرِيمُ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ
 أَجْمَعِينَ.

پس به سجده برود و بفوید: اِلهِي قَلْبِي مَحْجُوبٌ وَ نَفْسِي مَعْيُوبٌ، وَ عَقْلِي
 مَغْلُوبٌ وَ هَوَائِي غَالِبٌ، وَ طَاعَتِي قَلِيلٌ وَ مَعْصِيَتِي كَثِيرٌ، وَ لِسَانِي مُقْرٌ بِالذُّنُوبِ،
 فَكَيْفَ حِيلَتِي يَا سِتَّارَ الْعُيُوبِ، وَ يَا عَلَامَ الْغُيُوبِ وَ يَا كَاشِفَ الْكُرُوبِ، اغْفِرْ
 ذُنُوبِي كُلَّهَا، بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، يَا غَفَّارُ يَا غَفَّارُ يَا غَفَّارُ، بِرَحْمَتِكَ يَا
 أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»

۴- مناجات امام علی علیه السلام

مناجات حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در مسجد کوفه از مناجات‌های بسیار
 دلنشین در تضرع و راز و نیاز به درگاه آفریدگار بی نیاز است.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُونَ، إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ
 سَلِيمٍ، وَ أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ يَعْصُرُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ

الرَّسُولِ سَبِيلاً، وَ أَسْأَلُكَ الْإِيمَانَ يَوْمَ يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنُّوَاصِي
 وَ الْأَقْدَامِ، وَ أَسْأَلُكَ الْإِيمَانَ يَوْمَ لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَ لَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنْ
 وَالِدِهِ شَيْئاً، إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ، وَ أَسْأَلُكَ الْإِيمَانَ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعذِرَتُهُمْ،
 وَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ، وَ أَسْأَلُكَ الْإِيمَانَ يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئاً وَ
 الْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ، وَ أَسْأَلُكَ الْإِيمَانَ يَوْمَ يَفْرُ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ، وَ أُمِّهِ وَ أَبِيهِ وَ
 صَاحِبَتِهِ وَ بَنِيهِ، لِكُلِّ امْرِيءٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ، وَ أَسْأَلُكَ الْإِيمَانَ يَوْمَ يَوَدُّ
 الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابٍ يَوْمَئِذٍ بِبَنِيهِ، وَ صَاحِبَتِهِ وَ أَخِيهِ، وَ فَصِيلَتِهِ الَّتِي
 تُؤْوِيهِ، وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً ثُمَّ يُنْجِيهِ، كَلَّا أَنْهَا لَطْفِي نَزَاعَةً لِلشَّوْىِ
 مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْمَوْلَى وَ أَنَا الْعَبْدُ وَ هَلْ يَرْحَمُ الْعَبْدَ إِلَّا الْمَوْلَى، مَوْلَايَ
 يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْمَالِكُ وَ أَنَا الْمَمْلُوكُ وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَمْلُوكَ إِلَّا الْمَالِكُ، مَوْلَايَ يَا
 مَوْلَايَ أَنْتَ الْعَزِيزُ وَ أَنَا الذَّلِيلُ وَ هَلْ يَرْحَمُ الذَّلِيلَ إِلَّا الْعَزِيزُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ
 أَنْتَ الْخَالِقُ وَ أَنَا الْمَخْلُوقُ وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَخْلُوقَ إِلَّا الْخَالِقُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ
 أَنْتَ الْعَظِيمُ وَ أَنَا الْحَقِيرُ وَ هَلْ يَرْحَمُ الْحَقِيرَ إِلَّا الْعَظِيمُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ
 الْقَوِيُّ وَ أَنَا الضَّعِيفُ وَ هَلْ يَرْحَمُ الضَّعِيفَ إِلَّا الْقَوِيُّ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ
 الْغَنِيُّ وَ أَنَا الْفَقِيرُ وَ هَلْ يَرْحَمُ الْفَقِيرَ إِلَّا الْغَنِيُّ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْمُعْطِي وَ
 أَنَا السَّائِلُ وَ هَلْ يَرْحَمُ السَّائِلَ إِلَّا الْمُعْطِي، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْحَيُّ وَ أَنَا
 الْمَيِّتُ وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَيِّتَ إِلَّا الْحَيُّ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْبَاقِي وَ أَنَا الْفَانِي وَ
 هَلْ يَرْحَمُ الْفَانِي إِلَّا الْبَاقِي، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الدَّائِمُ وَ أَنَا الزَّائِلُ وَ هَلْ
 يَرْحَمُ الزَّائِلَ إِلَّا الدَّائِمُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الرَّازِقُ وَ أَنَا الْمَرْزُوقُ وَ هَلْ يَرْحَمُ
 الْمَرْزُوقَ إِلَّا الرَّازِقُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْجَوَادُّ وَ أَنَا الْبَخِيلُ وَ هَلْ يَرْحَمُ
 الْبَخِيلَ إِلَّا الْجَوَادُّ

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْمُعَافِي وَ أَنَا الْمُتَبَلَّى وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمُتَبَلَّى إِلَّا
 الْمُعَافِي، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْكَبِيرُ وَ أَنَا الصَّغِيرُ وَ هَلْ يَرْحَمُ الصَّغِيرَ إِلَّا

الْكَبِيرُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْهَادِي وَ أَنَا الضَّالُّ وَ هَلْ يَرْحَمُ الضَّالَّ إِلَّا الْهَادِي، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الرَّحْمَنُ وَ أَنَا الْمَرْحُومُ وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَرْحُومَ إِلَّا الرَّحْمَنُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ السُّلْطَانُ وَ أَنَا الْمُتَّخَنُ وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمُتَّخَنَ إِلَّا السُّلْطَانُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الدَّلِيلُ وَ أَنَا الْمَسْحِيُّرُ وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَسْحِيُّرَ إِلَّا الدَّلِيلُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْغَفُورُ وَ أَنَا الْمَذْنِبُ وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَذْنِبَ إِلَّا الْغَفُورُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْغَالِبُ وَ أَنَا الْمَغْلُوبُ وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَغْلُوبَ إِلَّا الْغَالِبُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الرَّبُّ وَ أَنَا الْمَرْبُوبُ وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَرْبُوبَ إِلَّا الرَّبُّ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْمُتَكَبِّرُ وَ أَنَا الْخَاشِعُ وَ هَلْ يَرْحَمُ الْخَاشِعَ إِلَّا الْمُتَكَبِّرُ، مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ ارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ وَ ارْضَ عَنِّي بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ وَ فَضْلِكَ، يَا ذَا الْجُودِ وَ الْإِحْسَانِ، وَ الطُّوْلِ وَ الْإِمْتِنَانِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

۵- دعای سمات

دعای سمات به دعای شبّور معروف بوده و مستحب است خواندن آن در ساعت آخر روز جمعه. بیشتر عالمان پیشین بر این دعا مواظبت می نموده اند. این دعا به سندهای معتبر از جناب محمد بن عثمان عمروی «ره»، که از نواب حضرت صاحب الامر علیه السلام است و از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام روایت شده است:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ [الْأَعْظَمِ]، الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ، الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى مَغَالِقِ أَبْوَابِ السَّمَاءِ لِلْفَتْحِ بِالرَّحْمَةِ انْفَتَحَتْ، وَ إِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى مَضَانِقِ أَبْوَابِ الْأَرْضِ لِلْفَرَجِ انْفَرَجَتْ، وَ إِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى الْعُسْرِ لِلْيُسْرِ تيسرت، وَ إِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى الْأَمْوَاتِ لِلنُّشُورِ انْتَشَرَتْ، وَ إِذَا

دُعِيَتْ بِهِ عَلَى كَشْفِ الْبَاسَاءِ وَالضَّرَاءِ انْكَشَفَتْ، وَبِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، أَكْرَمِ
الْوُجُوهِ وَأَعَزِّ الْوُجُوهِ، الَّذِي عَنَتَ لَهُ الْوُجُوهُ وَخَضَعَتْ لَهُ الرَّقَابُ، وَخَشَعَتْ
لَهُ الْأَصْوَاتُ وَوَجَلَتْ لَهُ الْقُلُوبُ مِنْ مَخَافَتِكَ، وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي بِهَا تُمْسِكُ السَّمَاءَ
أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِكَ، وَتُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا
وَ بِمَشِيَّتِكَ الَّتِي دَانَ [كَانَ] لَهَا الْعَالَمُونَ، وَبِكَلِمَتِكَ الَّتِي خَلَقْتَ بِهَا
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ، وَبِحُكْمَتِكَ الَّتِي صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَائِبَ، وَخَلَقْتَ بِهَا الظُّلْمَةَ
وَ جَعَلْتَهَا لَيْلًا، وَ جَعَلْتَ اللَّيْلَ سَكَنًا، وَ خَلَقْتَ بِهَا النُّورَ وَ جَعَلْتَهُ نَهَارًا وَ جَعَلْتَ
النَّهَارَ نُشُورًا مُبْصِرًا، وَ خَلَقْتَ بِهَا الشَّمْسَ وَ جَعَلْتَ الشَّمْسَ ضِيَاءً، وَ خَلَقْتَ بِهَا
الْقَمَرَ وَ جَعَلْتَ الْقَمَرَ نُورًا، وَ خَلَقْتَ بِهَا الْكَوَاكِبَ وَ جَعَلْتَهَا نُجُومًا وَ بُرُوجًا وَ
مَصَابِيحَ وَ زِينَةً وَ رُجُومًا، وَ جَعَلْتَ لَهَا مَشَارِقَ وَ مَغَارِبَ، وَ جَعَلْتَ لَهَا مَطَالِعَ وَ
مَجَارِي، وَ جَعَلْتَ لَهَا فَلَكَا وَ مَسَابِحَ، وَ قَدَّرْتَهَا فِي السَّمَاءِ مَنَازِلَ فَأَحْسَنْتَ
تَقْدِيرَهَا، وَ صَوَّرْتَهَا فَأَحْسَنْتَ تَصْوِيرَهَا، وَ أَحْصَيْتَهَا بِأَسْمَائِكَ إِحْصَاءً، وَ دَبَّرْتَهَا
بِحُكْمَتِكَ تَدْبِيرًا وَ أَحْسَنْتَ تَدْبِيرَهَا، وَ سَخَّرْتَهَا بِسُلْطَانِ اللَّيْلِ وَ سُلْطَانِ النَّهَارِ، وَ
السَّاعَاتِ وَ عَدَدِ السَّنِينَ وَ الْحِسَابِ، وَ جَعَلْتَ رُؤْيَتَهَا لِجَمِيعِ النَّاسِ مَرَأَى وَاحِدًا
وَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِمَجْدِكَ الَّذِي كَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَ رَسُولَكَ مُوسَى بْنِ
عِمْرَانَ عليه السلام، فِي الْمُقَدَّسِينَ فَوْقَ إِحْسَاسِ الْكَرُوبِينَ، فَوْقَ غَمَائِمِ النُّورِ، فَوْقَ
تَابُوتِ الشَّهَادَةِ فِي عَمُودِ النَّارِ، وَ فِي طُورِ سَيْنَاءَ وَ فِي جَبَلِ حُورِيثَ فِي الْوَادِ
الْمُقَدَّسِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ مِنَ الشَّجَرَةِ، وَ فِي أَرْضِ
مِصْرَ بِتِسْعِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ، وَ يَوْمَ فَرَّقْتَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ، وَ فِي الْمُنْبَجِسَاتِ
الَّتِي صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَائِبَ فِي بَحْرِ سُوفٍ، وَ عَقَدْتَ مَاءَ الْبَحْرِ فِي قَلْبِ الْغَمْرِ
كَالْحِجَارَةِ وَ جَاوَزْتَ بَيْنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ، وَ تَمَّتْ كَلِمَتُكَ الْحُسْنَى عَلَيْهِمْ بِمَا
صَبَرُوا وَ أَوْرَثْتَهُمْ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْتَ فِيهَا لِلْعَالَمِينَ، وَ
أَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَ جُنُودَهُ وَ مَرَاكِبَهُ فِي الْيَمِّ، وَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ [الْأَعْظَمِ]

الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمُ

وَبِمَجْدِكَ الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِمُوسَى كَلِمَكَ ﷺ فِي طُورِ سَيْنَاءَ، وَ
لِإِبْرَاهِيمَ ﷺ خَلِيلِكَ مِنْ قَبْلُ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ، وَ لِإِسْحَاقَ صَفِيكَ ﷺ فِي بَشْرِ
شَيْعٍ، وَ لِيَعْقُوبَ نَبِيكَ ﷺ فِي بَيْتِ إِيلَ، وَ أَوْقَيْتَ لِإِبْرَاهِيمَ ﷺ بِمِيثَاقِكَ، وَ
لِإِسْحَاقَ بِحَلْفِكَ، وَ لِيَعْقُوبَ بِشَهَادَتِكَ، وَ لِلْمُؤْمِنِينَ بِوَعْدِكَ، وَ لِلدَّاعِينَ بِأَسْمَائِكَ
فَأَجَبْتَ

وَبِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ ﷺ عَلَى قُبَّةِ الرَّمَّانِ، وَ بِآيَاتِكَ الَّتِي
وَقَعْتَ عَلَى أَرْضِ مِصْرَ بِمَجْدِ الْعِزَّةِ وَ الْغَلْبَةِ، بِآيَاتِ عَزِيزَةٍ وَ بِسُلْطَانِ الْقُوَّةِ وَ
بِعِزَّةِ الْقُدْرَةِ وَ بِشَأْنِ الْكَلِمَةِ النَّامَةِ، وَ بِكَلِمَاتِكَ الَّتِي تَفَضَّلْتَ بِهَا عَلَى أَهْلِ
السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ أَهْلِ الدُّنْيَا وَ أَهْلِ الْآخِرَةِ

وَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي مَنَنْتَ بِهَا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَ بِاسْتِطَاعَتِكَ الَّتِي أَقَمْتَ بِهَا
عَلَى الْعَالَمِينَ، وَ بِبُورِكَ الَّذِي قَدْ خَرَّ مِنْ فَرْعِهِ طُورُ سَيْنَاءَ، وَ بِعِلْمِكَ وَ جَلَالِكَ وَ
كِبْرِيَاءَتِكَ وَ عِزَّتِكَ وَ جَبْرُوتِكَ الَّتِي لَمْ تَسْتَقْلَهَا الْأَرْضُ، وَ انْخَفَضَتْ لَهَا
السَّمَاوَاتُ وَ انْزَجَرَ لَهَا الْعُمُقُ الْأَكْبَرُ، وَ رَكَدَتْ لَهَا الْبِحَارُ وَ الْأَنْهَارُ، وَ خَضَعَتْ
لَهَا الْجِبَالُ وَ سَكَنْتَ لَهَا الْأَرْضُ بِمَنَاقِبِهَا، وَ اسْتَسَلَمَتْ لَهَا الْخَلَائِقُ كُلُّهَا، وَ
خَفَقَتْ لَهَا الرِّيَّاحُ فِي جَرِيَانِهَا، وَ خَمَدَتْ لَهَا النَّيْرَانُ فِي أَوْطَانِهَا، وَ بِسُلْطَانِكَ
الَّذِي عُرِفَتْ لَكَ بِهِ الْغَلْبَةُ دَهْرَ الدُّهُورِ، وَ حُمِدَتْ بِهِ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ،
وَ بِكَلِمَتِكَ كَلِمَةَ الصِّدْقِ الَّتِي سَبَقَتْ لِأَبِينَا آدَمَ ﷺ وَ ذُرِّيَّتِهِ بِالرَّحْمَةِ، وَ أَسْأَلُكَ
بِكَلِمَتِكَ الَّتِي غَلَبَتْ كُلَّ شَيْءٍ

وَ بِبُورِ وَ جِهْكَ الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِلْجَبَلِ فَجَعَلْتَهُ دَكَاً وَ خَرَّ مُوسَى صَعْقاً، وَ
بِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ عَلَى طُورِ سَيْنَاءَ فَكَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَ رَسُولَكَ مُوسَى بْنَ
عِمْرَانَ، وَ بَطَّلَعْتَكَ فِي سَاعِيرٍ وَ ظُهُورِكَ فِي جَبَلِ فَارَانَ بِرَبَّوَاتِ الْمُقَدَّسِينَ، وَ
جُنُودِ الْمَلَائِكَةِ الصَّافِينَ، وَ خُشُوعِ الْمَلَائِكَةِ الْمُسَبِّحِينَ، وَ بِيْرَكَاتِكَ الَّتِي بَارَكْتَ

فِيهَا عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ عليه السلام فِي أُمَّةٍ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبَارَكْتَ
لِإِسْحَاقَ صَفِيكَ فِي أُمَّةٍ عِيسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، وَبَارَكْتَ لِيَعْقُوبَ إِسْرَائِيلِكَ فِي
أُمَّةٍ مُوسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، وَبَارَكْتَ لِحَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي
عُتْرَتِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَ[فِي] أُمَّتِهِ

اللَّهُمَّ وَكَمَا غَبْنَا عَنْ ذَلِكَ وَ لَمْ نَشْهَدْهُ وَ آمَنَّا بِهِ وَ لَمْ نَرَهُ صِدْقًا وَ عَدْلًا أَنْ
تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تُبَارِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ تَرْحَمَ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ
آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ، فَعَالَ لِمَا تُرِيدُ، وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

پس حاجت خود را ذکر می کنی و می فویی: اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ، وَ بِحَقِّ
هَذِهِ الْأَسْمَاءِ الَّتِي لَا يَعْلَمُ تَفْسِيرَهَا وَ لَا يَعْلَمُ بَاطِنَهَا غَيْرُكَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
آلِ مُحَمَّدٍ، وَ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ وَ اغْفِرْ لِي مِنْ
ذُنُوبِي مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَ مَا تَأَخَّرَ، وَ وَسَّعْ عَلَيَّ مِنْ حَلَالِ رِزْقِكَ، وَ اكْفِنِي مَثْوَنَةً
إِنْسَانِ سَوْءٍ، وَ جَارِ سَوْءٍ، وَ قَرِينِ سَوْءٍ، وَ سُلْطَانِ سَوْءٍ، إِنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ،
وَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ آمِينَ رَبُّ الْعَالَمِينَ.

محدث قمی «ره» گوید: در بعض نسخ است که بعد از (وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ)، هر حاجت داری ذکر کن و بگو: يَا اللَّهُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ، يَا بَدِيعَ
السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا
الدُّعَاءِ...

علامه مجلسی از مصباح سید بن باقی نقل کرده که بعد از دعای سمات این
دعا بخواند: اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ وَ، بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ الَّتِي لَا يَعْلَمُ تَفْسِيرَهَا وَ
لَا تَأْوِيلَهَا وَ لَا بَاطِنَهَا وَ لَا ظَاهِرَهَا غَيْرُكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ
أَنْ تَرْزُقَنِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

پس حاجات خود را بطلبد و بگوید: وَ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَ لَا تَفْعَلْ بِي

مَا أَنَا أَهْلُهُ، وَانْتَقِمْ لِي مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ (و نام دشمن را بگوید)، وَ اغْفِرْ لِي مِنْ ذُنُوبِي مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَ مَا تَأَخَّرَ، وَ لَوَالِدِي وَ لِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، وَ وَسَّعْ عَلَيَّ مِنْ حَلَالِ رِزْقِكَ وَ اكْفِنِي مَثْوَنَةَ إِنْسَانٍ سَوْءٍ، وَ جَارٍ سَوْءٍ، وَ سُلْطَانَ سَوْءٍ، وَ قَرِينَ سَوْءٍ وَ يَوْمٍ سَوْءٍ، وَ سَاعَةَ سَوْءٍ، وَ انْتَقِمْ لِي مِمَّنْ يَكِيدُنِي، وَ مِمَّنْ يَبْغِي عَلَيَّ، وَ يُرِيدُ بِي وَ بِأَهْلِي وَ أَوْلَادِي وَ إِخْوَانِي وَ جِيرَانِي وَ قَرَابَاتِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ ظُلْمًا، إِنَّكَ عَلَيَّ مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ، وَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

پس بگوید: اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ تَفَضَّلْ عَلَيَّ فَقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَى وَ الثَّرْوَةِ، وَ عَلَيَّ مَرْضَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ وَ الصِّحَّةِ، وَ عَلَيَّ أَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِاللُّطْفِ وَ الْكِرَامَةِ، وَ عَلَيَّ أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ وَ الرَّحْمَةِ، وَ عَلَيَّ مُسَافِرِي الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ عِتْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا.

شیخ بن فهد گفته که مستحب است بعد از دعای سمات بگویی: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ هَذَا الدُّعَاءِ، وَ بِمَا فَاتَ مِنْهُ مِنَ الْأَسْمَاءِ، وَ بِمَا يَشْتَمَلُ عَلَيْهِ مِنْ التَّفْسِيرِ وَ التَّدْبِيرِ الَّذِي لَا يُحِيطُ بِهِ إِلَّا أَنْتَ، أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا (و بجای کذا و کذا حاجت خود را بخواهد).^۱

۶- مناجات شعبانیه

این نیایش پر فضیلت، مناجات حضرت امیر المؤمنین و امامان از فرزندان او علیهم السلام است که در ماه شعبان می خواندند. خواندن این مناجات در هر وقت که حضور قلبی باشد مناسب است.

۱. همان، ص ۱۱۷-۱۲۴.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ، وَاسْمَعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ، وَأَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَاجَيْتُكَ، فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ وَوَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ، مُسْتَكِينًا لَكَ مُتَضَرِّعًا إِلَيْكَ، رَاجِيًا لِمَا لَدَيْكَ ثَوَابِي، وَتَعَلِّمُ مَا فِي نَفْسِي، وَتَخْبِرْ حَاجَتِي، وَتَعْرِفْ ضَمِيرِي، وَلَا يَخْفَى عَلَيْكَ أَمْرٌ مُنْقَلِبِي وَمَثْوَايَ، وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَبْدِيَ بِهِ مِنْ مَنْطِقِي وَأَتَفَوَّءُ بِهِ مِنْ طَلَبَتِي، وَأَرْجُوهُ لِعَاقِبَتِي وَقَدْ جَرَتْ مَقَادِيرُكَ عَلَيَّ يَا سَيِّدِي فِيمَا يَكُونُ مِنِّي إِلَى آخِرِ عُمْرِي، مِنْ سَرِيرَتِي وَعَلَانِيَتِي، وَبِيَدِكَ لَا يَبِيدُ غَيْرُكَ زِيَادَتِي وَنَقْصِي، وَنَفْعِي وَضَرِّي

إِلَهِي إِنْ حَرَمْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْزُقُنِي، وَإِنْ خَذَلْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُنِي، إِلَهِي أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَضَبِكَ وَخُلُولِ سَخَطِكَ، إِلَهِي إِنْ كُنْتُ غَيْرَ مُسْتَأْهِلٍ لِرَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيَّ بِفَضْلِ سَعَتِكَ، إِلَهِي كَأَنِّي بِنَفْسِي وَاقِفَةٌ بَيْنَ يَدَيْكَ وَقَدْ أَظَلَّهَا حُسْنُ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ، فَقُلْتَ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَتَعَمَّدْتَنِي بِعَفْوِكَ، إِلَهِي إِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِذَلِكَ، وَإِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي وَلَمْ يُدْتَنِي مِنْكَ عَمَلِي، فَقَدْ جَعَلْتُ الْإِقْرَارَ بِالذَّنْبِ إِلَيْكَ وَسَيْلَتِي، إِلَهِي قَدْ جُرْتُ عَلَى نَفْسِي فِي النَّظَرِ لَهَا، فَلَهَا الْوَيْلُ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَهَا

إِلَهِي لَمْ يَزَلْ بَرُّكَ عَلَيَّ أَيَّامَ حَيَاتِي، فَلَا تَقْطَعْ بَرُّكَ عَنِّي فِي مَمَاتِي، إِلَهِي كَيْفَ آيَسُ مِنْ حُسْنِ نَظَرِكَ لِي بَعْدَ مَمَاتِي، وَأَنْتَ لَمْ تُؤَكِّنِي إِلَّا الْجَمِيلَ فِي حَيَاتِي، إِلَهِي تَوَلَّ مِنْ أَمْرِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَغَدَّ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ، عَلَيَّ مُذْنِبٌ قَدْ غَمَرَهُ جَهْلُهُ، إِلَهِي قَدْ سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوبًا فِي الدُّنْيَا، وَأَنَا أَخُوجُ إِلَى سِتْرِهَا عَلَيَّ مِنْكَ فِي الْآخِرَى، [إِلَهِي] قَدْ أَحْسَنْتَ [إِلَيَّ] إِذْ لَمْ تُظْهِرْهَا لِأَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، فَلَا تَفْضَحْنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى رُءُوسِ الْأَشْهَادِ

إِلَهِي جُودُكَ بَسَطَ أَمَلِي، وَعَفْوُكَ أَفْضَلَ مِنْ عَمَلِي، إِلَهِي فَسُرَّنِي بِلِقَائِكَ يَوْمَ تَقْضِي فِيهِ بَيْنَ عِبَادِكَ، إِلَهِي اعْتَذَرِي إِلَيْكَ اعْتَذَارًا مَنْ لَمْ يَسْتَعْنِ عَنْ قَبُولِ عَذْرِهِ، فَاقْبَلْ عَذْرِي يَا أَكْرَمَ مَنْ اعْتَذَرَ إِلَيْهِ الْمُسِيئُونَ، إِلَهِي لَا تَرُدَّ حَاجَتِي وَ

لَا تُخَيِّبْ طَمَعِي، وَ لَا تَقْطَعْ مِنْكَ رَجَائِي وَ أَمَلِي، إِلَهِي لَوْ أَرَدْتَ هَوَانِي لَمْ تَهْدِنِي، وَ لَوْ أَرَدْتَ فَضِيحَتِي لَمْ تُعَافِنِي، إِلَهِي مَا أَظُنُّكَ تَرُدُّنِي فِي حَاجَةِ قَدْ أَفْنَيْتُ عُمْرِي فِي طَلِبَهَا مِنْكَ، إِلَهِي فَلَكَ الْحَمْدُ أَبَدًا أَبَدًا، دَائِمًا سَرْمَدًا، يَزِيدُ وَ لَا يَبِيدُ، كَمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى، إِلَهِي إِنْ أَخَذْتَنِي بِجُرْمِي أَخَذْتُكَ بِعَفْوِكَ، وَ إِنْ أَخَذْتَنِي بِذُنُوبِي أَخَذْتُكَ بِمَغْفِرَتِكَ، وَ إِنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ أَغْلَمْتُ أَهْلَهَا أَنِّي أَحْبَبْتُكَ، إِلَهِي إِنْ كَانَ صَغْرٌ فِي جَنْبِ طَاعَتِكَ عَمَلِي، فَقَدْ كَبُرَ فِي جَنْبِ رَجَائِكَ أَمَلِي، إِلَهِي كَيْفَ أَنْقَلِبُ مِنْ عِنْدِكَ بِالْخَيْبَةِ مَحْرُومًا، وَ قَدْ كَانَ حُسْنُ ظَنِّي بِجُودِكَ أَنْ تَقْلِبَنِي بِالنَّجَاةِ مَرْحُومًا

إِلَهِي وَ قَدْ أَفْنَيْتُ عُمْرِي فِي شَرِّ السَّهْوِ عَنكَ، وَ أَبْلَيْتُ شَبَابِي فِي سَكْرَةِ التَّبَاعُدِ مِنْكَ، إِلَهِي فَلَمْ أُسْتَيْقِظْ أَيَّامَ اغْتِرَارِي بِكَ، وَ رُكُونِي إِلَى سَبِيلِ سَخَطِكَ، إِلَهِي وَ أَنَا عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ، قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيْكَ، مُتَوَسِّلٌ بِكَرَمِكَ إِلَيْكَ، إِلَهِي أَنَا عَبْدٌ أَتَنَصَّلُ إِلَيْكَ مِمَّا كُنْتُ أُوَاجِهُكَ بِهِ، مِنْ قَلَّةِ اسْتِحْيَائِي مِنْ نَظَرِكَ، وَ أَطْلُبُ الْعَفْوَ مِنْكَ، إِذِ الْعَفْوُ نَعْتُ لِكَرَمِكَ، إِلَهِي لَمْ يَكُنْ لِي حَوْلٌ فَانْتَقَلَ بِهِ عَن مَعْصِيَتِكَ، إِلَّا فِي وَقْتِ انْقِطَاعِنِي لِمَحَبَّتِكَ، وَ كَمَا أَرَدْتَ أَنْ أَكُونَ كُنْتُ، فَشَكَرْتُكَ بِإِدْخَالِي فِي كَرَمِكَ، وَ لَتَطْهِيرَ قَلْبِي مِنْ أَوْسَاحِ الْغَفْلَةِ عَنكَ

إِلَهِي انْظُرْ إِلَيَّ نَظْرَ مَنْ نَادَيْتَهُ فَأَجَابَكَ، وَ اسْتَعْمَلْتَهُ بِمَعُونَتِكَ فَأَطَاعَكَ، يَا قَرِيبًا لَا يَبْعُدُ عَنِ الْمُغْتَرِّ بِهِ، وَ يَا جَوَادًا لَا يَبْخُلُ عَمَّنْ رَجَا ثَوَابَهُ، إِلَهِي هَبْ لِي قَلْبًا يُدْنِيهِ مِنْكَ شَوْقُهُ، وَ لِسَانًا يُرْفَعُ إِلَيْكَ صِدْقُهُ، وَ نَظْرًا يُقَرِّبُهُ مِنْكَ حَقُّهُ، إِلَهِي إِنْ مَنْ تَعَرَّفَ بِكَ غَيْرُ مَجْهُولٍ، وَ مَنْ لَازَ بِكَ غَيْرُ مَخْذُولٍ، وَ مَنْ أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ غَيْرُ مَمْلُوكٍ، إِلَهِي إِنْ مَنْ انْتَهَجَ بِكَ لِمُسْتَتِيرٍ، وَ إِنْ مَنْ اغْتَصَمَ بِكَ لِمُسْتَجِيرٍ، وَ قَدْ لَذْتُ بِكَ يَا إِلَهِي، فَلَا تُخَيِّبْ ظَنِّي مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ لَا تَخْجِبْنِي عَن رَأْفَتِكَ، إِلَهِي أَقْمِنِي فِي أَهْلِ وَايَتِكَ مُقَامَ مَنْ رَجَا الزِّيَادَةَ مِنْ مَحَبَّتِكَ، إِلَهِي وَ الْهَمْنِي وَلَهَا بِذِكْرِكَ إِلَى ذِكْرِكَ، وَ هَمِّي فِي رُوحِ نَجَاحِ أَسْمَائِكَ، وَ مَحَلِّ قُدْسِكَ

إِلَهِي بِكَ عَلَيَّ إِلَّا الْحَقَّتَنِي بِمَحَلِّ أَهْلِ طَاعَتِكَ، وَالْمَشْوَى الصَّالِحِ مِنْ
مَرْضَاتِكَ، فَإِنِّي لَا أَقْدِرُ لِنَفْسِي دَفْعًا، وَلَا أَمْلِكُ لَهَا نَفْعًا، إِلَهِي أَنَا عَبْدُكَ
الضَّعِيفُ الْمُذْنِبُ، وَ مَمْلُوكُكَ الْمُنِيبُ، فَلَا تَجْعَلْنِي مِمَّنْ صَرَفَتْ عَنْهُ وَجْهَكَ، وَ
حَبَبَهُ سَهْوَةً عَنْ عَفْوِكَ

إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ، وَ أَنْرْ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ،
حَتَّى تَخْرُقَ أَبْصَارُ الْقُلُوبِ حُجُبَ الثُّورِ، فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعَظْمَةِ وَ تَصِيرَ
أَرْوَاحُنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ، إِلَهِي وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ نَادَيْتَهُ فَأَجَابَكَ، وَ لَاحِظْتَهُ
فَصَعِقَ لَجَلَالِكَ، فَتَاجِبْتَهُ سِرًّا وَ عَمَلًا لَكَ جَهْرًا، إِلَهِي لَمْ أُسَلِّطْ عَلَى حُسْنِ ظَنِّي
قُتُوبَ الْإِيَّاسِ، وَ لَا أَنْقَطَعَ رَجَائِي مِنْ جَمِيلِ كَرَمِكَ، إِلَهِي إِنْ كَانَتْ الْخَطَايَا قَدْ
أَسْقَطْتَنِي لَدَيْكَ، فَاصْفَحْ عَنِّي بِحُسْنِ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ، إِلَهِي إِنْ حَطَّتْ الذُّنُوبُ
مِنْ مَكَارِمِ لُطْفِكَ، فَقَدْ تَبَهَّنِي الْيَقِينُ إِلَى كَرَمِ عَطْفِكَ

إِلَهِي إِنْ أَنَامْتَنِي الْغَفْلَةَ عَنِ الاسْتِعْدَادِ لِلْقَائِكِ، فَقَدْ تَبَهَّنِي الْمَعْرِفَةُ بِكَرَمِ
الْآنِكِ، إِلَهِي إِنْ دَعَانِي إِلَى النَّارِ عَظِيمِ عِقَابِكَ، فَقَدْ دَعَانِي إِلَى الْجَنَّةِ جَزِيلِ
ثَوَابِكَ، إِلَهِي فَلِكَ أَسْأَلُ، وَ إِلَيْكَ أُبْتَهِلُ وَ أَرْغَبُ، وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ
مُحَمَّدَ وَ آلَ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُدِيمُ ذِكْرَكَ، وَ لَا يَنْقُضُ عَهْدَكَ، وَ لَا
يَغْفُلُ عَنْ شُكْرِكَ، وَ لَا يَسْتَخْفُ بِأَمْرِكَ، إِلَهِي وَ الْحَقُّنِي بِنُورِ عِزِّكَ الْأَبْهَجِ، فَأَكُونَ
لَكَ عَارِفًا، وَ عَنْ سِوَاكَ مُنْحَرَفًا، وَ مِنْكَ خَائِفًا مُرَاقِبًا، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ، وَ
صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِهِ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا».

۷- دعای افتتاح

شایسته است مناجات به درگاه خداوند متعال در هر شب از شبهای ارزنده ماه
رمضان با دعای پر ارزش افتتاح. در این دعا از خدا می‌خواهیم که در ظهور

دولت کریمه حضرت مهدی علیه السلام تعجیل فرماید و ما را از یاوران آن عزیز قرار دهد.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أفتَحُ البِنَاءَ بِحَمْدِكَ، وَ أَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوَابِ بِمَنِّكَ، وَ أَيْقَنْتُ أَنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ العَفْوِ وَ الرَّحْمَةِ، وَ أَشَدُّ المَعَافِينَ فِي مَوْضِعِ النِّكَالِ وَ النِّقْمَةِ، وَ أَعْظَمُ المَتَجَبِّرِينَ فِي مَوْضِعِ الكِبْرِيَاءِ وَ العِظَمَةِ، اللَّهُمَّ أَذْنَتُ لِي فِي دُعَائِكَ وَ مَسْأَلَتِكَ، فَاسْمَعْ يَا سَمِيعُ مَدْحَتِي، وَ أَجِبْ يَا رَحِيمُ دَعْوَتِي، وَ أَقِلْ يَا غَفُورٌ عَثْرَتِي، فَكَمْ يَا إِلَهِي مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَجْتَهَا، وَ هُمُومٍ قَدْ كَشَفْتَهَا، وَ عَثْرَةٍ قَدْ أَقَلْتَهَا، وَ رَحْمَةٍ قَدْ نَشَرْتَهَا، وَ حَلَقَةٍ بَلَاءٍ قَدْ فَكَّكْتَهَا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَ لَا وَلَدًا، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي المُلْكِ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الدُّلِّ، وَ كَبْرَةٌ تَكْبِيرًا

الْحَمْدُ لِلَّهِ بِجَمِيعِ مَخَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نِعَمِهِ كُلِّهَا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا مُضَادَّ لَهُ فِي مَلِكِهِ، وَ لَا مُنَازِعَ لَهُ فِي أَمْرِهِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا شَرِيكَ لَهُ فِي خَلْقِهِ وَ لَا شَبِيهَ لَهُ فِي عِظَمَتِهِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الفَاشِي فِي الخَلْقِ أَمْرُهُ وَ حَمْدُهُ، الظَّاهِرِ بِالكَرَمِ مَجْدُهُ، البَاسِطِ بِالجُودِ يَدُهُ، الَّذِي لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ، وَ لَا تَزِيدُهُ كَثْرَةُ العَطَاءِ إِلَّا جُودًا وَ كَرَمًا، إِنَّهُ هُوَ العَزِيزُ الوَهَّابُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ، مَعَ حَاجَةٍ بِي إِلَيْهِ عَظِيمَةٍ، وَ غِنَاكَ عَنْهُ قَدِيمٍ، وَ هُوَ عِنْدِي كَثِيرٌ، وَ هُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ

اللَّهُمَّ إِنَّ عَفْوَكَ عَنْ ذَنْبِي، وَ تَجَاوُزَكَ عَنْ خَطِيئَتِي، وَ صَفْحَكَ عَنْ ظُلْمِي، وَ سِتْرَكَ عَلَيَّ [عَنْ] قَبِيحِ عَمَلِي، وَ حِلْمَكَ عَنْ كَثِيرِ جُرْمِي، عِنْدَ مَا كَانَ مِنْ خَطَايَا وَ عَمْدِي، أَطْمَعَنِي فِي أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَا أَسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ، الَّذِي رَزَقْتَنِي مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ أَرَيْتَنِي مِنْ قُدْرَتِكَ، وَ عَرَفْتَنِي مِنْ إِجَابَتِكَ، فَصَرْتُ أَدْعُوكَ آمِنًا، وَ أَسْأَلُكَ مُسْتَأْنَسًا، لَا خَائِفًا وَ لَا وَجِلًا، مُدَلًّا عَلَيْكَ فِيمَا قَصَدْتُ فِيهِ [بِهِ] إِلَيْكَ، فَإِنَّ أَبْطَأَ عَنِّي عَتَبْتُ بِجَهْلِي عَلَيْكَ، وَ لَعَلَّ الَّذِي أَبْطَأَ عَنِّي هُوَ خَيْرٌ لِي، لِعِلْمِكَ

بِعَاقِبَةِ الْأُمُورِ

فَلَمْ أَرَ مَوْلَى كَرِيمًا أَصْبَرَ عَلَى عَبْدٍ لَيْمٍ مِنْكَ عَلَيَّ يَا رَبِّ، إِنَّكَ تَدْعُونِي
فَأَوْلِي عَنكَ، وَتَتَحَبَّبُ إِلَيَّ فَاتَّبِعْضُ إِلَيْكَ، وَتَتَوَدَّدُ إِلَيَّ فَلَا أُقْبَلُ مِنْكَ، كَأَنَّ لِي
التَّطَوُّلَ عَلَيْكَ فَلَمْ يَمْنَعْكَ ذَلِكَ مِنَ الرَّحْمَةِ لِي، وَ الْإِحْسَانَ إِلَيَّ، وَ التَّفَضُّلَ عَلَيَّ
بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ، فَارْحَمْ عَبْدَكَ الْجَاهِلَ، وَ جُدْ عَلَيْهِ بِفَضْلِ إِحْسَانِكَ، إِنَّكَ جَوَادٌ
كَرِيمٌ، الْحَمْدُ لِلَّهِ مَالِكِ الْمُلْكِ، مُجْرِي الْفُلْكِ، مُسَخِّرِ الرِّيَّاحِ، فَالِقِ الْإِصْبَاحِ،
دَيَّانِ الدِّينِ، رَبِّ الْعَالَمِينَ

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى حِلْمِهِ بَعْدَ عِلْمِهِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَفْوِهِ بَعْدَ قُدْرَتِهِ، وَ
الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى طَوْلِ أَنَاتِهِ فِي غَضَبِهِ، وَ هُوَ قَادِرٌ عَلَى مَا يُرِيدُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ
خَالِقِ الْخَلْقِ بِاسْطِ الرِّزْقِ، فَالِقِ الْإِصْبَاحِ ذِي الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ، وَ الْفَضْلِ وَ
الْإِنْعَامِ، الَّذِي بَعْدَ فَلَا يُرَى، وَ قَرَبَ فَشَهِدَ النَّجْوَى، تَبَارَكَ وَ تَعَالَى

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ مُنَازِعٌ يُعَادِلُهُ، وَ لَا شَيْءٌ يُشَاكِلُهُ، وَ لَا ظَهِيرٌ
يُعَاضِدُهُ، فَهَرَّ بَعِزَّتِهِ الْأَعْزَاءَ، وَ تَوَاضَعَ لِعَظَمَتِهِ الْعُظَمَاءَ، فَبَلَغَ بِقُدْرَتِهِ مَا يَشَاءُ،
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُجِيبُنِي حِينَ أُنَادِيهِ، وَ يَسْتُرُّ عَلَيَّ كُلَّ عَوْرَةٍ وَ أَنَا أَهْصِيهِ، وَ
يُعَظِّمُ النِّعْمَةَ عَلَيَّ فَلَا أُجَازِيهِ، فَكَمُ مِنْ مَوْهَبَةٍ هَنِئْتَهُ قَدْ أَعْطَانِي، وَ عَظِيمَةٍ
مَخُوفَةٍ قَدْ كَفَانِي، وَ بَهْجَةٍ مُونِقَةٍ قَدْ أَرَانِي، فَأُثْنِي عَلَيْهِ حَامِدًا، وَ أذْكُرُهُ مُسَبِّحًا
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُهْتَكُ حِجَابُهُ، وَ لَا يُغْلَقُ بَابُهُ، وَ لَا يُرَدُّ سَأَلُهُ، وَ لَا يُخَيَّبُ
أَمَلُهُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُؤْمِنُ الْخَائِفِينَ، وَ يُنَجِّي الصَّالِحِينَ، وَ يَرْفَعُ الْمُسْتَضْعَفِينَ،
وَ يَضَعُ الْمُسْتَكْبِرِينَ، وَ يُهْلِكُ مُلُوكًا وَ يَسْتَخْلِفُ آخَرِينَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ قَاصِمِ
الْجَبَّارِينَ، مُبِيرِ الظَّالِمِينَ، مُدْرِكِ الْهَارِبِينَ، نَكَالِ الظَّالِمِينَ، صَرِيحِ الْمُسْتَصْرِخِينَ
مَوْضِعِ حَاجَاتِ الطَّالِبِينَ، مُعْتَمِدِ الْمُؤْمِنِينَ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مِنْ خَشْيَتِهِ تَرَعَدُ السَّمَاءُ وَ سُكَّانُهَا، وَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَ
عُمَّارُهَا، وَ تَمُوجُ الْبِحَارُ وَ مَنْ يَسْبَحُ فِي غَمْرَاتِهَا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا، وَ

مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَخْلُقُ وَلَمْ يُخْلَقْ، وَ يَرْزُقُ وَ لَا يَرْزَقُ، وَ يُطْعَمُ وَ لَا يُطْعَمُ، وَ يَمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَ يُحْيِي الْمَوْتَى وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ، وَ أَمِينِكَ وَ صَفِيِّكَ، وَ حَبِيبِكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ حَافِظِ سِرِّكَ وَ مَبْلَغِ رِسَالَتِكَ، أَفْضَلَ وَ أَحْسَنَ وَ أَجْمَلَ وَ أَكْمَلَ وَ أَرْكَى وَ أَنْمَى وَ أَطْيَبَ وَ أَطَهَرَ وَ أَسْنَى وَ أَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ، وَ بَارَكْتَ، وَ تَرَحَّمْتَ، وَ تَحَنَّنْتَ، وَ سَلَّمْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ، وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رَسُولِكَ وَ صَفْوَتِكَ، وَ أَهْلِ الْكِرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ خَلْقِكَ

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، عَبْدِكَ وَ وَلِيِّكَ، وَ أَخِي رَسُولِكَ، وَ حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَ آيَتِكَ الْكُبْرَى، وَ النَّبَا الْعَظِيمِ، وَ صَلِّ عَلَى الصَّدِّيقَةِ الطَّاهِرَةِ فَاطِمَةَ [الزَّهْرَاءِ]، سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَ صَلِّ عَلَى سِنِّطِي الرَّحْمَةِ، وَ إِمَامِي الْهُدَى، الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ، سَيِّدَيَّ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَ صَلِّ عَلَى أُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى، وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَ الْخَلْفِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ، حُجَجِكَ عَلَى عِبَادِكَ، وَ أَمَنَاتِكَ فِي بِلَادِكَ، صَلَاةً كَثِيرَةً دَائِمَةً

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ، الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ، وَ الْعَدْلِ الْمُتَنْظَرِ، وَ حُجَّتِهِ بِمَلَانِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَ أَيْدِهِ بَرُوحِ الْقُدْسِ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَى كِتَابِكَ، وَ الْقَائِمَ بِدِينِكَ، اسْتَخْلَفَهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ، مَكَّنْ لَهُ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ، أَبْدَلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنَا، يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ

شَيْئًا

اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ وَ أَعِزِّ بِهِ، وَ انصُرَّهُ وَ انصُرْ بِهِ، وَ انصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا، وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَ اجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا، اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَ سُنَّةَ

نَبِيِّكَ، حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنْ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ
 إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ، نُعَزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ، وَ نُذَلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ، وَ
 تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنْ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ، وَ الْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ، وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ
 الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ مَا عَرَفْتَنَا مِنَ الْحَقِّ فَحَمِّلْنَا، وَ مَا قَصُرْنَا عَنْهُ فَبَلِّغْنَا،
 اللَّهُمَّ الْمُمَّ بِهْ شَعْنَنَا، وَ اشْعَبْ بِهْ صَدْعَنَا، وَ ارْتُقْ بِهْ فَتْقَنَا، وَ كَثِّرْ بِهْ قَلْتَنَا، وَ
 أَغْزِرْ بِهْ ذَلْتَنَا، وَ أَغْنِ بِهْ عَائِلَتَنَا، وَ أَقْضِ بِهْ عَنْ مُغْرَمَاتِنَا، وَ اجْبِرْ بِهْ فُقْرَتَنَا، وَ سُدِّ
 بِهْ خَلْتَنَا، وَ يَسِّرْ بِهْ عُسْرَتَنَا، وَ بَيِّضْ بِهْ وُجُوهُنَا، وَ فَكِّ بِهْ أَسْرَتَنَا، وَ أَنْجِ بِهْ
 طَلِبَتَنَا، وَ أَنْجِزْ بِهْ مَوَاعِيدَنَا، وَ اسْتَجِبْ بِهْ دَعْوَتَنَا، وَ أَغْطِنَا بِهْ سُؤْلَنَا، وَ بَلِّغْنَا بِهْ
 مِنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ آمَالَنَا، وَ أَغْطِنَا بِهْ فَوْقَ رَغْبَتِنَا، يَا خَيْرَ الْمَسْتُوْلِينَ، وَ أَوْسَعَ
 الْمُعْطِينَ، اشْفِ بِهْ صُدُورَتَنَا، وَ أَذْهِبْ بِهْ غَيْظَ قُلُوبِنَا، وَ اهْدِنَا بِهْ لِمَا اسْتَأْمَنَ فِيهِ
 مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ، إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، وَ أَنْصُرْنَا بِهْ عَلَى
 عَدُوِّكَ، وَ عَدُوَّنَا إِلَى الْحَقِّ آمِينَ

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبِينَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ غَيْبَةَ وَلِيِّنَا، وَ كَثْرَةَ
 عَدُوِّنَا، وَ قَلَّةَ عَدَدِنَا، وَ شِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا، وَ تَظَاهَرَ الزَّمَانَ عَلَيْنَا، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَ آلِهِ، وَ أَعِنَّا عَلَى ذَلِكَ بِفَتْحِ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ، وَ بَضْرُ تَكْشِفُهُ، وَ نَصْرٍ تَعِزُّهُ، وَ سُلْطَانٍ
 حَقٌّ تَظْهَرُهُ، وَ رَحْمَةٍ مِنْكَ تُجَلِّلُنَاهَا، وَ عَافِيَةٍ مِنْكَ تُبَسِّئُنَاهَا، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
 الرَّاحِمِينَ^۱.

۸- دعای منسوب به امام

در این دعا امام زمان علیه السلام از خدای متعال اموری را درخواست می کنند که
 نایسته است مورد توجه و دعای منتظران آن حضرت باشد.

«اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ، وَ بُعْدَ الْمَعْصِيَةِ وَ صِدْقَ النِّيَّةِ، وَ عَرِفَانَ الْحُرْمَةِ،

۱. همان، ص ۲۸۵-۲۹۲.

وَ أَكْرَمَنَا بِالْهُدَى وَ الِاسْتِقَامَةَ، وَ سَدَّدُ أَلْسِنَتَنَا بِالصَّوَابِ وَ الْحِكْمَةَ، وَ اَمَلْنَا قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَ الْمَعْرِفَةِ، وَ طَهَّرَ بَطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَ الشُّبُهَةِ، وَ اكْفَفَ أَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَ السَّرِقَةِ، وَ اغْضَضَ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَ الْخِيَانَةِ، وَ اسَدَّدَ أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَ الْغِيْبَةِ، وَ تَفَضَّلَ عَلَيَّ عُلَمَائِنَا بِالزُّهْدِ وَ النَّصِيحَةِ، وَ عَلَيَّ الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهْدِ وَ الرَّغْبَةِ، وَ عَلَيَّ الْمُسْتَمْعِينَ بِالِاتِّبَاعِ وَ الْمَوْعِظَةِ، وَ عَلَيَّ مَرْضَى الْمُسْلِمِينَ بِالشِّفَاءِ وَ الرَّاحَةِ، وَ عَلَيَّ مَوْتَاهُمْ بِالرَّأْفَةِ وَ الرَّحْمَةِ، وَ عَلَيَّ مَشَايخِنَا بِالْوَقَارِ وَ السَّكِينَةِ، وَ عَلَيَّ الشُّبَابَ بِالْإِنَابَةِ وَ التَّوْبَةِ، وَ عَلَيَّ النِّسَاءَ بِالْحَيَاءِ وَ الْعِفَّةِ، وَ عَلَيَّ الْأَغْنِيَاءَ بِالتَّوَاضُعِ وَ السَّعَةِ، وَ عَلَيَّ الْفُقَرَاءَ بِالصَّبْرِ وَ الْقَنَاعَةِ، وَ عَلَيَّ الْغُرَزَةَ بِالنَّصْرِ وَ الْغَلْبَةِ، وَ عَلَيَّ الْأَسْرَاءَ بِالْخِلَاصِ وَ الرَّاحَةِ، وَ عَلَيَّ الْأُمَرَاءَ بِالْعَدْلِ وَ الشَّفَقَةِ، وَ عَلَيَّ الرَّعِيَّةَ بِالْإِنصَافِ وَ حُسْنِ السِّيَرَةِ، وَ بَارِكْ لِلْحُبَّاجِ وَ الزُّوَّارِ فِي الزَّادِ وَ النَّفَقَةِ، وَ اقْضِ مَا أَوْجَبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ، بِفَضْلِكَ وَ رَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ۱

۹- دعای توسل

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ، مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، يَا أَبَا الْقَاسِمِ يَا رَسُولَ اللَّهِ، يَا إِمَامَ الرَّحْمَةِ يَا سَيِّدَنَا وَ مَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَ اسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ

يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، يَا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَ مَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَ اسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ
يَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءُ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ، يَا قُرَّةَ عَيْنِ الرَّسُولِ، يَا سَيِّدَتَنَا وَ مَوْلَاتَنَا إِنَّا

تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا
وَجِيهَةَ عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّهِ

يَا أَبَا مُحَمَّدٍ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا الْمُجْتَبَى، يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ
عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَ
قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهَةَ عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّهِ

يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا الشَّهِيدُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ
عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَ
قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهَةَ عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّهِ

يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ يَا زَيْنَ الْعَابِدِينَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا
حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى
اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهَةَ عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّهِ

يَا أَبَا جَعْفَرٍ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا الْبَاقِرُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى
خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ
بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهَةَ عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّهِ

يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ أَيُّهَا الصَّادِقُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ
اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ،
وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهَةَ عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّهِ

يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ أَيُّهَا الْكَاطِمُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ
عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَ
قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهَةَ عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّهِ

يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى أَيُّهَا الرُّضَا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ
عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَ
قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهَةَ عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّهِ

يَا أَبَا جَعْفَرٍ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا النَّقِيُّ الْجَوَادُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ

يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ أَيُّهَا الْهَادِي النَّقِيُّ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ

يَا أَبَا مُحَمَّدٍ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا الزَّكِيُّ الْعَسْكَرِيُّ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ

يَا وَصِيَّ الْحَسَنِ وَالْخَلْفَ الْحُجَّةَ أَيُّهَا الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِيُّ، يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ

آنگاه حاجات خود را درخواست نماید ان شاء الله تعالی، برآورده خواهد شد.

در روایت دیگر وارد شده که بعد از این بگوید:

يَا سَادَتِي وَمَوَالِيَّ إِنِّي تَوَجَّهْتُ بِكُمْ أُمَّتِي، وَغَدَتِي لِيَوْمِ فَقْرِي وَحَاجَتِي إِلَى اللَّهِ، وَتَوَسَّلْتُ بِكُمْ إِلَى اللَّهِ وَاسْتَشْفَعْتُ بِكُمْ إِلَى اللَّهِ فَاشْفَعُوا لِي عِنْدَ اللَّهِ، وَاسْتَنْقِذُونِي مِنْ ذُنُوبِي عِنْدَ اللَّهِ، فَإِنَّكُمْ وَسَيْلَتِي إِلَى اللَّهِ وَبَحْبُكُمْ وَبِقُرْبِكُمْ أَرْجُو نَجَاةً مِنَ اللَّهِ فَكُونُوا عِنْدَ اللَّهِ رَجَائِي، يَا سَادَتِي يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَلَعَنَ اللَّهُ أَعْدَاءَ اللَّهِ ظَالِمِيهِمْ، مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ!

۱۰ - دعای ندبه

دعای ندبه که از محتوای والایی برخوردار است، زمزمه عاشقان، منتظران و استغاثه کننده گان به امام زمان علیه السلام در صبح جمعه می باشد:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ
تَسْلِيمًا، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا جَرَى بِهِ قَضَاؤُكَ فِي أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ
اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَ دِينِكَ، إِذْ اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلَ مَا عِنْدَكَ، مِنَ النَّعِيمِ الْمُقِيمِ
الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ وَ لَا اَضْمَحْلَالَ، بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي دَرَجَاتِ هَذِهِ
الدُّنْيَا الدَّنِيَّةِ، وَ زُخْرُفَهَا وَ زِبْرَجَهَا، فَشَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ، وَ عَلِمْتَ مِنْهُمْ الْوَفَاءَ بِهِ،
فَقَبَلْتَهُمْ وَ قَرَّبْتَهُمْ، وَ قَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيِّ وَ الثَّنَاءَ الْجَلِيَّ، وَ أَهْبَطْتَ عَلَيْهِمُ
مَلَائِكَتَكَ، وَ كَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ، وَ رَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِكَ، وَ جَعَلْتَهُمُ الذَّرِيعَةَ إِلَيْكَ، وَ
الْوَسِيلَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ، فَبَعْضٌ أَسْكَنَتْهُ جَنَّتِكَ إِلَى أَنْ أُخْرِجَتْ مِنْهَا، وَ بَعْضٌ
حَمَلَتْهُ فِي فُلُوكَ وَ نَجَّيْتَهُ وَ مَنْ آمَنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلَكَةِ بِرَحْمَتِكَ، وَ بَعْضٌ اتَّخَذَتْهُ
لِنَفْسِكَ خَلِيلًا، وَ سَأَلَكَ لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ فَأَجَبْتَهُ، وَ جَعَلْتَ ذَلِكَ عَلِيًّا، وَ
بَعْضٌ كَلَّمْتَهُ مِنْ شَجَرَةٍ تَكْلِيمًا، وَ جَعَلْتَ لَهُ مِنْ أُخِيهِ رِذَاءً وَ وَزِيرًا، وَ بَعْضٌ
أَوْلَدَتْهُ مِنْ غَيْرِ أَبِي، وَ آتَيْتَهُ الْبَيِّنَاتِ، وَ أَيْدَتْهُ بِرُوحِ الْقُدْسِ وَ كُلا شَرَعْتَ لَهُ
شَرِيعَةً، وَ نَهَجْتَ لَهُ مِنْهَا جَا، وَ تَخَيَّرْتَ لَهُ أَوْصِيَاءَ، مُسْتَحْفَظًا بَعْدَ مُسْتَحْفَظٍ، مِنْ
مُدَّةٍ إِلَى مُدَّةٍ، إِقَامَةً لِدِينِكَ، وَ حُجَّةً عَلَى عِبَادِكَ، وَ لئلا يَزُولَ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ، وَ
يَغْلِبَ الْبَاطِلُ عَلَى أَهْلِهِ، وَ لَا يَقُولَ أَحَدٌ لَوْ لَا أُرْسِلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا مُنْذِرًا، وَ
أَقَمْتَ لَنَا عِلْمًا هَادِيًا، فَتَبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذَلَ وَ نَخْزِي، إِلَى أَنْ انْتَهَيْتَ
بِالْأَمْرِ إِلَى حَبِيبِكَ وَ نَجِيبِكَ، مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَكَانَ كَمَا انْتَجَبْتَهُ سَيِّدًا
مَنْ خَلَقْتَهُ، وَ صَفْوَةً مِنْ اصْطَفَيْتَهُ، وَ أَفْضَلَ مَنْ اجْتَبَيْتَهُ، وَ أَكْرَمَ مَنْ اعْتَمَدْتَهُ،
قَدَّمْتَهُ عَلَى أَنْبِيَائِكَ، وَ بَعَثْتَهُ إِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبَادِكَ، وَ أَوْطَأْتَهُ مَشَارِقَكَ وَ
مَغَارِبَكَ، وَ سَخَّرْتَ لَهُ الْبُرَاقَ، وَ عَرَجْتَ بِرُوحِهِ [به] إِلَى سَمَائِكَ، وَ أَوْدَعْتَهُ عِلْمَ
مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ إِلَى انْقِضَاءِ خَلْقِكَ، ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ، وَ حَفَفْتَهُ بِجِبْرِئِيلَ وَ

مِي كَائِيلَ، وَ الْمُسَوِّمِينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ، وَ وَعَدْتَهُ أَنْ تُظْهِرَ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ، وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، وَ ذَلِكَ بَعْدَ أَنْ بَوَّأْتَهُ مُبَوَّأً صَدَقَ مِنْ أَهْلِهِ، وَ جَعَلْتَ لَهُ وَ لَهُمْ أَوَّلَ بَيْتٍ وَضِعَ لِلنَّاسِ، لَلَّذِي بَيَّكَ مَبَارَكًا وَ هَدَيْتَ لِلْعَالَمِينَ، فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ، مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ، وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا، وَ قُلْتَ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ، وَ يُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيرًا

ثُمَّ جَعَلْتَ أَجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَوَدَّتَهُمْ فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتَ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى، وَ قُلْتَ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ، وَ قُلْتَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا، فَكَانُوا هُمْ السَّبِيلَ إِلَيْكَ، وَ الْمَسْئَلُكَ إِلَىٰ رِضْوَانِكَ، فَلَمَّا انقَضَتْ أَيَّامُهُ، أَقَامَ وَلِيَّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمَا وَ آلِهِمَا هَادِيًا، إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنذِرَ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ، فَقَالَ وَ الْمَلَأَ أَمَامَهُ، مَنْ كُنْتُ مَوْلَاَهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاَهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَ عَادَ مَنْ عَادَاهُ، وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَ اخذَلْ مَنْ خذَلَهُ، وَ قَالَ مَنْ كُنْتُ أَنَا نَبِيَّهُ، فَعَلِيٌّ أَمِيرُهُ، وَ قَالَ أَنَا وَ عَلِيٌُّّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ، وَ سَائِرُ النَّاسِ مِنْ شَجَرَتَيْنِ، وَ أَحَلَّهُ مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، فَقَالَ لَهُ أَنْتَ مَنِي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، وَ زَوْجَةُ ابْنَتُهُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَ أَحَلَّ لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ لَهُ، وَ سَدَّ الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَهُ، ثُمَّ أَوْدَعَهُ عِلْمَهُ وَ حِكْمَتَهُ، فَقَالَ أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌُّّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ وَ الْحِكْمَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا، ثُمَّ قَالَ أَنْتَ أَخِي وَ وَصِيِّي وَ وَارِثِي، لَحْمُكَ مِنْ لَحْمِي، وَ دَمُكَ مِنْ دَمِي، وَ سَلْمُكَ سَلْمِي، وَ حَرْبُكَ حَرْبِي، وَ الْإِيْمَانُ مُخَالِطٌ لِحْمِكَ وَ دَمِكَ كَمَا خَالِطَ لِحْمِي وَ دَمِي، وَ أَنْتَ غَدَا عَلَى الْحَوْضِ خَلِيفَتِي، وَ أَنْتَ تَقْضِي دِينِي وَ تُنْجِزُ عِدَاتِي، وَ شِيعَتُكَ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ، مُبَيِّضَةٌ وَجُوهَهُمْ، حَوْلِي فِي الْجَنَّةِ، وَ هُمْ جِيرَانِي، وَ لَوْ لَا أَنْتَ يَا عَلِيُّ لَمْ يُعْرَفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي، وَ كَانَ بَعْدَهُ هُدًى مِنَ الضَّلَالِ، وَ نُورًا مِنَ الْعَمَى، وَ حَبْلَ اللَّهِ الْمَتِينِ، وَ صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمِ، لَا يُسْبِقُ بِقَرَابَةٍ فِي رَحِمٍ، وَ لَا بِسَابِقَةٍ فِي

دين، وَ لَا يُلْحَقُ فِي مَنْقَبَةٍ مِنْ مَنَاقِبِهِ، يَحْذُو حَذْوَ الرَّسُولِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَ
 آلِهِمَا، وَ يُقَاتِلُ عَلَى التَّأْوِيلِ، وَ لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ، قَدْ وَتَرَ فِيهِ صَنَادِيدَ
 الْعَرَبِ، وَ قَتَلَ أَبْطَالَهُمْ وَ نَاوَشَ ذُؤَبَانَهُمْ، فَأَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ أَحْقَادًا بَدْرِيَّةً وَ خَيْبَرِيَّةً
 وَ حُنَيْنِيَّةً وَ غَيْرَهُنَّ، فَأَضَبَتْ عَلَى عِدَاوَتِهِ، وَ أَكَبَتْ عَلَى مُنَابَذَتِهِ، حَتَّى قَتَلَ
 النَّاكِثِينَ وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ، وَ لَمَّا قَضَى نَجْبَهُ وَ قَتَلَهُ أَشَقَى الْأَخْرِينَ، يَتَّبِعُ
 أَشَقَى الْأَوَّلِينَ، لَمْ يَمْتَثِلْ أَمْرُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فِي الْهَادِينَ بَعْدَ
 الْهَادِينَ، وَ الْأُمَّةُ مُصْرَّةٌ عَلَى مَقْتِهِ، مُجْتَمِعَةٌ عَلَى قَطِيعَةِ رَحْمِهِ، وَ إِقْصَاءُ وَكَلْدِهِ،
 إِلَّا الْقَلِيلَ مَمَّنْ وَفَى لِرِعَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ، فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ، وَ سُبِيَ مَنْ سُبِيَ، وَ
 أَقْصِيَ مَنْ أَقْصِيَ، وَ جَرَى الْقَضَاءُ لَهُمْ بِمَا يُرْجَى لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ، إِذْ كَانَتْ
 الْأَرْضُ لِلَّهِ، يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ، وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ، وَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ
 كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا، وَ لَنْ يُخْلَفَ اللَّهُ وَعْدَهُ، وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

فَعَلَى الْأَطَائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَ آلِهِمَا، فَلْيَبْكِ
 الْبَاكُونَ، وَ إِيَّاهُمْ فَلْيَنْدُبِ النَّادِبُونَ، وَ لِمَثَلِهِمْ فَلْيَنْدَرْفِ الدُّمُوعُ، وَ لِيَصْرُخِ
 الصَّارِخُونَ، وَ يَضِجِ الضَّاجُّونَ، وَ يَعْجُ الْعَاجُّونَ، أَيْنَ الْحَسَنُ أَيْنَ الْحُسَيْنُ، أَيْنَ
 أَبْنَاءِ الْحُسَيْنِ، صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ، وَ صَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ، أَيْنَ السَّبِيلُ بَعْدَ السَّبِيلِ،
 أَيْنَ الْخَيْرَةُ بَعْدَ الْخَيْرَةِ، أَيْنَ الشَّمْسُ الْطَالِعَةُ، أَيْنَ الْأَقْمَارُ الْمُنِيرَةُ، أَيْنَ الْأَنْجُمُ
 الزَّاهِرَةُ، أَيْنَ أَغْلَامُ الدِّينِ وَ قَوَاعِدُ الْعِلْمِ، أَيْنَ بَقِيَّةُ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعَثْرَةِ
 الْهَادِيَةِ، أَيْنَ الْمَعْدُ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ، أَيْنَ الْمُتَنْظَرُ لِإِقَامَةِ الْأَمْتِ وَ الْعَوْجِ، أَيْنَ
 الْمُرْتَجَى لِلِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَ الْعَدْوَانِ، أَيْنَ الْمُدَّخِرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَ السُّنَنِ، أَيْنَ
 الْمُتَخَيَّرُ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَ الشَّرِيعَةِ، أَيْنَ الْمُؤَمَّلُ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ وَ حُدُودِهِ، أَيْنَ
 مُخَيِّ مَعَالِمِ الدِّينِ وَ أَهْلِهِ، أَيْنَ قَاصِمُ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ، أَيْنَ هَادِمُ أُبْنِيَةِ الشَّرْكِ وَ
 لِنْفَاقِ، أَيْنَ مُبِيدُ أَهْلِ الْفُسُوقِ وَ الْعَصِيَانِ وَ الطُّغْيَانِ، أَيْنَ حَاصِدُ فُرُوعِ الْغَسِيِّ وَ
 لَشِقَاقِ، أَيْنَ طَامِسُ آثَارِ الزَّيْغِ وَ الْأَهْوَاءِ، أَيْنَ قَاطِعُ حَبَائِلِ الْكِذْبِ وَ الْاِفْتِرَاءِ،

أَيْنَ مُبِيدِ الْعَتَاةِ وَالْمَرَدَةِ، أَيْنَ مُسْتَأْصِلِ أَهْلِ الْعِنَادِ وَالتَّضْلِيلِ وَالْإِلْحَادِ، أَيْنَ
 مُعَزِّ الأَوْلِيَاءِ وَ مَذَلِّ الأَعْدَاءِ، أَيْنَ جَامِعِ الكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى، أَيْنَ بَابِ اللّٰهِ الَّذِي
 مَنَعَتْهُ مِنِّي، أَيْنَ وَجْهَ اللّٰهِ الَّذِي إِلَيْهِ تَوَجَّهَ الأَوْلِيَاءُ، أَيْنَ السَّبَبِ المُتَّصِلِ بَيْنَ الأَرْضِ
 وَ السَّمَاءِ، أَيْنَ صَاحِبِ يَوْمِ الفَتْحِ وَ نَاشِرِ رَايَةِ الهُدَى، أَيْنَ مُؤَلَّفِ شَمْلِ الصَّلَاحِ
 وَ الرِّضَا، أَيْنَ الطَّالِبِ بِدُخُولِ الأَنْبِيَاءِ وَ أبنَاءِ الأَنْبِيَاءِ، أَيْنَ الطَّالِبِ بِدَمِ المَقْتُولِ
 بِكَرْبَلَاءَ، أَيْنَ المُنْصَوِّرِ عَلَى مَنْ اغْتَدَى عَلَيْهِ وَ افْتَرَى، أَيْنَ المَضْطَرِّ الَّذِي يُجَابُ
 إِذَا دَعَا، أَيْنَ صَدْرِ الخَلَائِقِ ذُو البِرِّ وَ التَّقْوَى، أَيْنَ ابْنِ النَّبِيِّ المُنْصَطَفِيِّ وَ ابْنِ
 عَلِيٍّ المُرْتَضَى، وَ ابْنِ خَدِيجَةَ الفَرَاءِ، وَ ابْنِ فَاطِمَةَ الكُبْرَى، بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي وَ
 نَفْسِي لَكَ الوَقَاءُ وَ الحَمَى

يَا ابْنَ السَّادَةِ المُقَرَّبِينَ، يَا ابْنَ النُّجَبَاءِ الأَكْرَمِينَ، يَا ابْنَ الهُدَاةِ المَهْدِيِّينَ، يَا
 ابْنَ الخَيْرَةِ المَهْدِيِّينَ، يَا ابْنَ العَطَارَةِ الأَنْجَبِينَ، يَا ابْنَ الأَطَائِبِ المُطَهَّرِينَ، يَا ابْنَ
 الخَضَارِمَةِ المُتَجَبِّينَ، يَا ابْنَ القِمَاقِمَةِ الأَكْرَمِينَ، يَا ابْنَ البُدُورِ المُنِيرَةِ، يَا ابْنَ
 السُّرُجِ المُضِيئَةِ، يَا ابْنَ الشُّهْبِ الثَّاقِبَةِ، يَا ابْنَ الأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ، يَا ابْنَ السَّبِيلِ
 الوَاضِحَةِ، يَا ابْنَ الأَغْلَامِ اللَانِحَةِ، يَا ابْنَ العُلُومِ الكَامِلَةِ، يَا ابْنَ السُّنَنِ المَشْهُورَةِ،
 يَا ابْنَ المَعَالِمِ المَأْتُورَةِ، يَا ابْنَ المَعْجَزَاتِ المَوْجُودَةِ، يَا ابْنَ الدَّلَائِلِ المَشْهُودَةِ
 يَا ابْنَ الصِّرَاطِ المُسْتَقِيمِ، يَا ابْنَ النَّبَاِ العَظِيمِ، يَا ابْنَ مَنْ هُوَ فِي أُمَّ الكِتَابِ لَدَى
 اللّٰهِ عَلِيٌّ حَكِيمٌ، يَا ابْنَ الآيَاتِ وَ البَيِّنَاتِ، يَا ابْنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ، يَا ابْنَ
 البَرَاهِينِ الوَاضِحَاتِ البَاهِرَاتِ، يَا ابْنَ الحُجَجِ البَالِغَاتِ، يَا ابْنَ النِّعَمِ السَّابِغَاتِ،
 يَا ابْنَ طَهِّهِ وَ المُحْكَمَاتِ، يَا ابْنَ يَسِّهِ وَ الذَّارِيَاتِ، يَا ابْنَ الطُّورِ وَ العَادِيَاتِ، يَا
 ابْنَ مَنْ دَنَا فَتَدَلَّى، فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى، دُنُورًا وَ اقْتِرَابًا، مِنَ العَلِيِّ الأَعْلَى
 كَيْتِ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النُّوَى، بَلْ أَيَّ أَرْضٍ تُقْلِكُ أَوْ تُرَى، أَوْ بَرَضُوى أَوْ
 غَيْرَهَا أَمْ ذِي طُوى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الخَلْقَ وَ لَا تُرَى، وَ لَا أَسْمَعُ لَكَ حَسِيسًا
 وَ لَا نَجْوَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ تُحِيطَ بِكَ دُونِي البَلُوى، وَ لَا يَنَالِكَ مِنِّي ضَجِيجٌ وَ لَا

شکوی

بَنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ مِنَّا، بَنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَارِحٍ مَا نَزَحَ عَنَّا، بَنَفْسِي أَنْتَ أُمْنِيَّةٌ شَائِقٌ يَتَمَنَّى، مَنْ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٌ ذَكَرًا فَحَنَّا، بَنَفْسِي أَنْتَ مِنْ عَقِيدٍ عَزُ لا يُسَامِي، بَنَفْسِي أَنْتَ مِنْ أَثِيلٍ مَجْدٌ لا يُجَارِي، بَنَفْسِي أَنْتَ مِنْ تِلَادٍ نَعَمٍ لا تُضَاهِي، بَنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَصِيفٍ شَرَفٌ لا يُسَاوِي، إِلَى مَتَى أَحَارُ فَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَ إِلَى مَتَى، وَ أَيُّ خَطَابٍ أَصْفُ فَيْكَ وَ أَيُّ نَجْوَى عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَجَابَ ذُونَكَ وَ أَنَاغَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَبْكِيكَ وَ يَخْذَلُكَ الْوَرَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ يَجْرِي عَلَيْكَ ذُونَهُمْ مَا جَرَى

هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَأُطِيلَ مَعَهُ الْعَوِيلَ وَ الْبُكَاءَ، هَلْ مِنْ جَزُوعٍ فَأُسَاعِدَ جَزَعَهُ إِذَا خَلَا، هَلْ قَدِيتُ عَيْنٌ فَسَاعَدْتَهَا عَيْنِي عَلَى الْقَدَى، هَلْ إِلَيْكَ يَا ابْنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتُلْقَى، هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمَنَا مِنْكَ بَعْدَ فَنَحْظِي، مَتَى نَرُدُّ مَنَاهِلَكَ الرَّوِيَّةَ فَنَرُوي، مَتَى نَسْتَفْعُ مِنْ عَذَابِ مَائِكَ فَقَدْ طَالَ الصَّدَى، مَتَى نُغَادِيكَ وَ نُرَاوْحُكَ فَنَقْرَ عَيْنَا، مَتَى تَرَانَا [وَ] نَرَاكَ وَ قَدْ نَشَرْتَ لَوَاءَ النَّصْرِ تُرَى، أ تَرَانَا نَحْفُ بِكَ وَ أَنْتَ تَوْمُ الْمَلَأُ وَ قَدْ مَلَأْتَ الْأَرْضَ عَدْلًا، وَ أَذَقْتَ أَعْدَاءَكَ هَوَانًا وَ عِقَابًا، وَ أَبْرَتِ الْعُنَاةَ وَ جَحْدَةَ الْحَقِّ، وَ قَطَعْتَ دَابِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ، وَ اجْتَنَنْتِ أَصُولَ الظَّالِمِينَ، وَ نَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ الْكُرْبِ وَ الْبَلْوَى، وَ إِلَيْكَ أَسْتَعْدِي فَعِنْدَكَ الْعَدْوَى، وَ أَنْتَ رَبُّ الْآخِرَةِ وَ الدُّنْيَا، فَأَغِثْ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، عُبَيْدَكَ الْمُبْتَلَى، وَ أَرِهِ سَيِّدَهُ يَا شَدِيدَ الْقُوَى، وَ أزلْ عَنْهُ بِهِ الْأَسَى وَ الْجَوَى، وَ بَرِّدْ غَلِيلَهُ يَا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، وَ مَنْ إِلَيْهِ الرَّجْعَى وَ الْمُنتَهَى، اللَّهُمَّ وَ نَحْنُ عِبِيدُكَ التَّائِقُونَ إِلَى وَلِيِّكَ الْمُدْكَرِ بِكَ وَ بَنِيِّكَ، خَلَقْتَهُ لَنَا عَصْمَةً وَ مَلَاذًا، وَ أَقَمْتَهُ لَنَا قَوَامًا وَ مَعَاذًا، وَ جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مَنَّا إِمَامًا، فَبَلِّغْهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَ سَلَامًا، وَ زِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبُّ إِكْرَامًا، وَ اجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا مُسْتَقَرًّا وَ مَقَامًا، وَ أَتَمِّمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ إِيَّاهُ أَمَامَنَا، حَتَّى

تُورِدُنَا جَنَّاتِكَ وَ مُرَافِقَةَ الشُّهَدَاءِ مِنْ خُلَصَانِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ جَدِّهِ [وَ] رَسُولِكَ السَّيِّدِ الْأَكْبَرِ، وَ عَلَى أَبِيهِ السَّيِّدِ الْأَصْغَرِ، وَ جَدَّتِهِ الصَّدِيقَةَ الْكُبْرَى، فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ، وَ عَلَى مَنْ اصْطَفَيْتَ مِنْ آبَائِهِ الْبَرَّةِ، وَ عَلَيْهِ أَفْضَلُ وَ أَكْمَلُ، وَ أْتَمُّ وَ أَذْوَمُّ، وَ أَكْثَرُ وَ أَوْفَرُ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَانِكَ، وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً لَا غَايَةَ لِعَدَدِهَا، وَ لَا نِهَايَةَ لِمَدَدِهَا، وَ لَا نَفَادَ لِأَمَدِهَا.

اللَّهُمَّ وَ أَقِمْ بِهِ الْحَقَّ، وَ أَدْحِضْ بِهِ الْبَاطِلَ، وَ أَدِلْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ، وَ أذِلْ بِهِ أَعْدَاءَكَ، وَ صَلِّ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ وَصَلَةً تُؤَدِّي إِلَى مُرَافِقَةِ سَلَفِهِ، وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِخُبْرَتِهِمْ وَ يَمْكُثُ فِي ظِلِّهِمْ، وَ أَعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ، وَ الْاجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ، وَ اجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ، وَ ائْتِنُ عَلَيْنَا بِرِضَاةٍ، وَ هَبْ لَنَا رَافِقَةً وَ رَحْمَةً، وَ دُعَاءَهُ وَ خَيْرَهُ، مَا نَنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ فَوْزًا عِنْدَكَ، وَ اجْعَلْ صَلَاتِنَا بِهِ مَقْبُولَةً، وَ ذُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً، وَ دُعَاءَنَا بِهِ مُسْتَجَابًا، وَ اجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً، وَ هُمُومَنَا بِهِ مَكْفِيَةً، وَ حَوَائِجَنَا بِهِ مَقْضِيَةً، وَ أَقْبِلْ إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَ أَقْبِلْ تَقَرُّبَنَا إِلَيْكَ، وَ انْظُرْ إِلَيْنَا نَظْرَةَ رَحِيمَةٍ، نَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكِرَامَةَ عِنْدَكَ، ثُمَّ لَا تَصْرِفْهَا عَنَّا بِجُودِكَ وَ اسْتَقْنَا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، بِكَأْسِهِ وَ يَدِهِ، رِيًّا رَوِيًّا هَنِيئًا سَائِغًا لَا ظَمًا بَعْدَهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ^۱

۱۱- زیارت عاشورا

زیارت عاشورا از زیارات ارزنده‌ای است که منتظران دولت کریمه حضرت مهدی علیه السلام، با آن مولایشان امام حسین علیه السلام را زیارت نموده و به یاد مصایب جانسوز آن حضرت و اصحاب و یاران با وفایش اشک می‌ریزند:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ
نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ، وَالْوَثْرَ الْمَوْثُورَ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعًا سَلَامُ اللَّهِ، أَبَدًا مَا
بَقِيَتْ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ

يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظَّمْتَ الرَّزِيَّةَ، وَ جَلَّتْ وَ عَظَّمْتَ الْمُصِيبَةَ بِكَ عَلَيْنَا وَ
عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ، وَ جَلَّتْ وَ عَظَّمْتَ مُصِيبَتَكَ فِي السَّمَاوَاتِ عَلَى جَمِيعِ
أَهْلِ السَّمَاوَاتِ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أُسِّسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَ الْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ،
وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ، وَ أَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي رَتَّبَكُمْ اللَّهُ
فِيهَا، وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ، وَ لَعَنَ اللَّهُ الْمُمَهَّدِينَ لَهُمْ بِالثَّمَكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ،
بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَ أَشْيَاعِهِمْ وَ اتَّبَاعِهِمْ وَ أَوْلِيَائِهِمْ

يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، إِنِّي سَلَّمْتُ لِمَنْ سَأَلَمَكُمْ وَ حَرَبْتُ لِمَنْ حَارَبَكُمْ إِلَى يَوْمِ
الْقِيَامَةِ، وَ لَعَنَ اللَّهُ آلَ زِيَادٍ وَ آلَ مَرْوَانَ، وَ لَعَنَ اللَّهُ بَنِي أُمَيَّةَ قَاطِبَةً وَ لَعَنَ اللَّهُ
ابْنَ مَرْجَانَةَ، وَ لَعَنَ اللَّهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ، وَ لَعَنَ اللَّهُ شَمْرًا، وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً
أَسْرَجَتْ وَ أَلْجَمَتْ وَ تَنَقَّبَتْ لِقِتَالِكَ، يَا بِي أَنْتَ وَ أُمِّي لَقَدْ عَظَّمْتُ مُصَابِي بِكَ،
فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَ أَكْرَمَنِي [بِكَ]، أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ
مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهاً بِالْحُسَيْنِ عليه السلام فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ
إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى رَسُولِهِ وَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَى فَاطِمَةَ وَ إِلَى
الْحَسَنِ وَ إِلَيْكَ بِمُؤَالَاتِكَ وَ بِالْبِرَاءَةِ مِنْ مَنْ أُسِّسَ أَسَاسَ ذَلِكَ وَ بَنَى عَلَيْهِ بُيُوتَهُ، وَ
جَرَى فِي ظُلْمِهِ وَ جَوْرِهِ عَلَيْكُمْ وَ عَلَى أَشْيَاعِكُمْ، بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْكُمْ مِنْهُمْ،
وَ أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمُؤَالَاتِكُمْ وَ مُؤَالَاةِ وَلِيِّكُمْ، وَ بِالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ،
وَ النَّاصِبِينَ لَكُمْ الْحَرْبِ، وَ بِالْبِرَاءَةِ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَ اتَّبَاعِهِمْ، إِنِّي سَلَّمْتُ لِمَنْ
سَأَلَمَكُمْ، وَ حَرَبْتُ لِمَنْ حَارَبَكُمْ، وَ وَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاكُمْ، وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ،

فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ، وَ مَعْرِفَةَ أَوْلِيَانِكُمْ، وَ رَزَقَنِي الْبِرَاءَةَ مِنْ
 أَعْدَائِكُمْ، أَنْ يَجْعَلَ لِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، وَ أَنْ يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ
 صَدَقٍ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، وَ أَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ، وَ
 أَنْ يَرزُقَنِي طَلَبَ ثَارِي مَعَ إِمَامٍ هُدَى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ، وَ أَسْأَلُ اللَّهَ
 بِحَقِّكُمْ، وَ بِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ أَنْ يُعْطِيَنِي بِمُصَابِي بِكُمْ أَفْضَلَ مَا يُعْطِي
 مُصَابَا بِمُصِيبَتِهِ، مُصِيبَةً مَا أَعْظَمَهَا وَ أَعْظَمَ رَزِيَّتَهَا فِي الْإِسْلَامِ، وَ فِي جَمِيعِ
 السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مَقَامِي هَذَا مِمَّنْ تَنَالُهُ مِنْكَ صَلَوَاتٌ وَ رَحْمَةٌ وَ مَغْفِرَةٌ،
 اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ مَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ
 مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَتَ بِهِ بَنُو أُمِّيَّةٍ، وَ ابْنُ آكَلَةِ الْأَكْبَادِ، اللَّعِينُ ابْنُ
 اللَّعِينِ عَلِيٍّ [لِسَانِكَ] وَ لِسَانِ نَبِيِّكَ [صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله]، فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَ
 مَوْقِفٍ وَ قَفٍ فِيهِ نَبِيِّكَ [صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله]، اللَّهُمَّ الْعَنُ أَبَا سُفْيَانَ وَ مُعَاوِيَةَ وَ
 يَزِيدَ بْنَ مُعَاوِيَةَ، عَلَيْهِمْ مِنْكَ اللَّعْنَةُ أَبَدَ الْأَبْدِينَ، وَ هَذَا يَوْمٌ فَرَحَتْ بِهِ آلُ زِيَادٍ وَ
 آلُ مَرْوَانَ بِقَتْلِهِمُ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ فَضَاعَفْ عَلَيْهِمُ اللَّعْنَ مِنْكَ وَ
 الْعَذَابَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ فِي مَوْقِفِي هَذَا وَ أَيَّامِ حَيَاتِي،
 بِالْبِرَاءَةِ مِنْهُمْ وَ اللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ، وَ بِالْمُؤَالَاةِ لِنَبِيِّكَ وَ آلِ نَبِيِّكَ [عَلَيْهِ وَ] عَلَيْهِمُ السَّلَامُ
 پس می گویی صد مرتبه: اللَّهُمَّ الْعَنُ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،
 وَ آخَرَ تَابِعَ لَهُ عَلَى ذَلِكَ، اللَّهُمَّ الْعَنُ الْعَصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتِ الْحُسَيْنِ، وَ شَايَعَتْ
 وَ بَايَعَتْ وَ تَابَعَتْ عَلَى قَتْلِهِ، اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ جَمِيعًا.

پس می گویی صد مرتبه: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي
 حَلَّتْ بِفَنَائِكَ، عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ، وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ، وَ لَا
 جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ، السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ عَلَيَّ عَلِيٍّ بْنِ
 الْحُسَيْنِ [وَ عَلَيَّ أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ] وَ عَلَيَّ أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ.

پس می گویی: اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَّغْنِ مَنِّي، وَابْدَأْ بِهِ أَوَّلًا ثُمَّ [الْعَن] الثَّانِي وَالثَّالِثَ وَالرَّابِعَ، اللَّهُمَّ الْعَنُ يَزِيدُ خَامَسًا وَالْعَنُ عُيَيْدَ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ وَابْنَ مَرْجَانَةَ وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَشِمْرًا وَآلَ أَبِي سُفْيَانَ وَآلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

پس به سجده می روی و می گویی: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مُصَابِهِمْ، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَظِيمِ رَزِيَّتِي، اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ، وَثَبَّتْ لِي قَدَمَ صَدَقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ، وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ بَدَّلُوا مَهَجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

۱۲- صلوات ضراب اصفهانی

مرحوم محدث قمی «ره» می نویسد: سید فرموده که این صلوات، مروی از مولای ما حضرت مهدی صلوات الله علیه است و اگر ترک کردی تعقیب عصر روز جمعه را به جهت عذری، پس ترک مکن این صلوات را هرگز به جهت امری که مطلع کرده ما را خداوند جل جلاله به آن:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، الْمُتَّجِبِ فِي الْمِيثَاقِ، الْمُصْطَفَى فِي الظَّلَالِ، الْمُطَهَّرِ مِنْ كُلِّ آفَةٍ، الْبَرِيِّ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ، الْمُؤَمَّلِ لِلنَّجَاةِ، الْمُرْتَجَى لِلشَّفَاعَةِ، الْمُفَوَّضِ إِلَيْهِ دِينَ اللَّهِ، اللَّهُمَّ شَرِّفْ بُنْيَانَهُ، وَعَظِّمْ بُرْهَانَهُ، وَأَفْلِجْ حُجَّتَهُ، وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ، وَأَضِيءْ نُورَهُ، وَبَيِّضْ وَجْهَهُ، وَأَعْطِهِ الْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ، وَالْمَنْزِلَةَ وَالْوَسِيلَةَ، وَالدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا يَنْبِطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ وَصَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَقَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، وَسَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، إِمَامِ

الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَاَرِثَ الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ
 عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَاَرِثَ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى عَلَى عَلِيٍّ
 بْنِ الْحُسَيْنِ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَاَرِثَ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى
 عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَاَرِثَ الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ
 صَلَّى عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَاَرِثَ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةَ رَبِّ
 الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَاَرِثَ الْمُرْسَلِينَ وَ
 حُجَّةَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى عَلَى عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَاَرِثَ
 الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ
 وَاَرِثَ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى عَلَى عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ
 الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَاَرِثَ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى عَلَى الْحَسَنِ بْنِ
 عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَاَرِثَ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى عَلَى
 الْخَلْفِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَاَرِثَ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةَ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَئِمَّةِ الْهَادِينَ، الْعُلَمَاءِ الصَّادِقِينَ، الْأَبْرَارِ
 الْمُتَّقِينَ، دَعَائِمِ دِينِكَ وَ أَرْكَانِ تَوْحِيدِكَ، وَ تَرَاجِمَةِ وَحْيِكَ، وَ حُجَجِكَ عَلَى
 خَلْقِكَ، وَ خُلَفَائِكَ فِي أَرْضِكَ، الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِنَفْسِكَ، وَ اصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ،
 وَ ارْتَضَيْتَهُمْ لِدِينِكَ، وَ خَصَصْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ، وَ جَلَلْتَهُمْ بِكَرَامَتِكَ، وَ غَشَّيْتَهُمْ
 بِرَحْمَتِكَ، وَ رَبَّيْتَهُمْ بِنِعْمَتِكَ، وَ غَذَّيْتَهُمْ بِحِكْمَتِكَ، وَ الْبَسْتَهُمْ نُورَكَ، وَ رَفَعْتَهُمْ فِي
 مَلَكُوتِكَ، وَ حَفَفْتَهُمْ بِمَلَائِكَتِكَ، وَ شَرَّفْتَهُمْ بِنَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَيْهِمْ، صَلَاةَ زَاكِيَّةٍ نَامِيَّةٍ كَثِيرَةً دَائِمَةً طَيِّبَةً، لَا
 يُحِيطُ بِهَا إِلَّا أَنْتَ، وَ لَا يَسَعُهَا إِلَّا عِلْمُكَ، وَ لَا يُخْصِيهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ، اللَّهُمَّ وَ صَلَّى
 عَلَى وَلِيِّكَ الْمُخَيَّبِيِّ سُنَّتِكَ، الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ الدَّاعِي إِلَيْكَ، الدَّلِيلِ عَلَيْكَ، حُجَّتِكَ عَلَى
 خَلْقِكَ، وَ خَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ، وَ شَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ.
 اللَّهُمَّ أَعِزَّ نَصْرَهُ وَ مَدِّ فِي عُمْرِهِ، وَ زَيِّنِ الْأَرْضَ بِطَوْلِ بَقَائِهِ، اللَّهُمَّ اكْفِهِ بِنَفْسِي

الْحَاسِدِينَ، وَ أَعْدَهُ مِنْ شَرِّ الْكَائِدِينَ، وَ اِزْجُرْ عَنْهُ إِرَادَةَ الظَّالِمِينَ، وَ خَلِّصْهُ مِنْ
 أَيْدِي الْجَبَّارِينَ، اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ شَيْعَتِهِ وَ رَعِيَّتِهِ وَ خَاصَّتِهِ وَ
 عَامَّتِهِ وَ عَدُوَّهُ، وَ جَمِيعَ أَهْلِ الدُّنْيَا، مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ وَ تَسْرُّ بِهِ نَفْسُهُ، وَ بَلِّغْهُ أَفْضَلَ
 مَا أَمَّلَهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

اللَّهُمَّ جَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ، وَ أَحْيِي بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ كِتَابِكَ، وَ أَظْهِرْ بِهِ
 مَا غُيِّرَ مِنْ حُكْمِكَ، حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَ عَلَى يَدَيْهِ غَضًا جَدِيدًا، خَالِصًا
 مُخْلِصًا، لَا شَكَّ فِيهِ وَ لَا شُبُهَةَ مَعَهُ، وَ لَا بَاطِلَ عِنْدَهُ وَ لَا بَدْعَةَ لَدَيْهِ، اللَّهُمَّ نَوِّرْ
 بُنُورَهُ كُلَّ ظُلْمَةٍ، وَ هُدِّ بِرُكْنِهِ كُلَّ بَدْعَةٍ، وَ اهدِمْ بَعْزَهُ كُلَّ ضَلَالَةٍ، وَ اقْصِمْ بِهِ كُلَّ
 جَبَّارٍ، وَ أَخْمِدْ بِسَيْفِهِ كُلَّ نَارٍ، وَ أَهْلِكْ بَعْدَلَهُ جَوْرَ كُلِّ جَائِرٍ، وَ أَجْرِ حُكْمَهُ عَلَى
 كُلِّ حُكْمٍ، وَ أَذِلَّ بِسُلْطَانِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ

اللَّهُمَّ أَذِلَّ كُلَّ مَنْ نَاوَأَهُ، وَ أَهْلِكْ كُلَّ مَنْ عَادَاهُ، وَ اْمْكُرْ بِمَنْ كَادَهُ، وَ
 اسْتَأْصِلْ مَنْ جَحَدَهُ حَقَّةً، وَ اسْتَهَانَ بِأَمْرِهِ، وَ سَعَى فِي إطفَاءِ نُورِهِ، وَ أَرَادَ
 إِخْمَادَ ذِكْرِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى، وَ عَلَيِّ الْمُرْتَضَى، وَ فَاطِمَةَ
 الزَّهْرَاءِ، وَ الْحَسَنَ الرُّضَا، وَ الْحُسَيْنَ الْمُصْطَفَى، وَ جَمِيعِ الْأَوْصِيَاءِ، مَصَابِيحِ
 الدُّجَى، وَ أَغْلَامِ الْهُدَى، وَ مَنَارِ التُّقَى، وَ الْعُرْوَةِ الْوُثْقَى، وَ الْحَبْلِ الْمَتِينِ، وَ
 الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ، وَ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَ وِلَاةِ عَهْدِكَ، وَ الْأَائِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ، وَ مَدِّ فِي
 أَعْمَارِهِمْ، وَ زِدْ فِي آجَالِهِمْ، وَ بَلِّغْهُمْ أَقْصَى آمَالِهِمْ، دِينًا وَ دُنْيَا وَ آخِرَةً، إِنَّكَ
 عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ «.

۱۳ - دعای عهد

امام صادق علیه السلام فرموده اند: هر که چهل صباح این عهد را بخواند از یاوران
 قائم ما باشد و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خدا او را از قبر بیرون آورد

که در خدمت آن حضرت باشد و حق تعالی به هر کلمه هزار حسنه او را کرامت فرماید و هزار گناه از او محو کند و آن عهد این است:

«اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ، وَ رَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ، وَ رَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ، وَ مُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ، وَ رَبَّ الظِّلِّ وَ الْحَرُورِ، وَ مُنْزِلَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَ رَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، وَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ، وَ مُلْكِكَ الْقَدِيمِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُونَ، وَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ بِهِ الْأَوْلَادُ وَ الْآخِرُونَ، يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ وَ يَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ، وَ يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيٍّ، يَا مُخَيِّي الْمَوْتَى وَ مُمِيتَ الْأَحْيَاءِ، يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ، عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا، سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا، وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا، وَ عَنِّي وَ عَنِ وَالِدِيَّ، مِنْ الصَّلَوَاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ، وَ مَدَادَ كَلِمَاتِهِ، وَ مَا أَحْصَاهُ عِلْمُهُ، وَ أَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَكَ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا، وَ مَا عَشْتُ مِنْ أَيَّامِي، عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَكَ فِي عُنُقِي، لَا أَحُولُ عَنْهَا وَ لَا أَزُولُ أَبَدًا، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ، وَ الذَّاكِرِينَ عَنَّهُ وَ الْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ، وَ الْمُتَمَثِّلِينَ لِأَوْامِرِهِ، وَ الْمُحَامِلِينَ عَنَّهُ، وَ السَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ، وَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ

اللَّهُمَّ إِنْ حَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ، الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا، فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي، مُؤْتِزًّا كَفَنِي، شَاهِرًا سَيْفِي، مُجْرِدًا قَنَاتِي، مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي، فِي الْحَاضِرِ وَ الْبَادِي، اللَّهُمَّ أَرْنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ، وَ الْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ، وَ اكْحُلْ نَاطِرِي بِنَظَرَةٍ مَنِي إِلَيْهِ، وَ عَجِّلْ فَرَجَهُ، وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ، وَ أَوْسِعْ مَنَهْجَهُ، وَ اسْئَلْ بِي مَحَبَّتَهُ، وَ أَنْفِذْ أَمْرَهُ، وَ اشْدُدْ أَرْزَهُ، وَ اعْمُرْ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ، وَ أَخِي بِه عِبَادَكَ، فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ قَوْلِكَ الْحَقُّ، «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ، بِمَا كَسَبَتْ

أُيْدِي النَّاسِ

فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِيَّكَ، وَابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُولِكَ، حَتَّى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَرْقَةً، وَ يُحَقِّقَ الْحَقَّ وَ يُحَقِّقَهُ، وَ اجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ، وَ نَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ، وَ مُجَدِّدًا لِمَا عَطَلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ، وَ مُشِيدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ أَغْلَامِ دِينِكَ، وَ سُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَمَّنْ حَصَّنَتْهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ، اللَّهُمَّ وَ سُرَّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِرُؤْيَيْهِ، وَ مَنْ تَبَعَهُ عَلَى دَعْوَتِهِ، وَ ارْحَمِ اسْتِكَانَتَنَا بَعْدَهُ، اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْغُمَّةَ عَنِ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِخُضُورِهِ، وَ عَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ، إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَ نَرَاهُ قَرِيبًا، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

پس سه مرتبه دست بر ران راست خود می‌زنی و در هر مرتبه سی‌گویی:

الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ !

۱۴- زیارت آل یس

شیخ جلیل احمد بن ابی طالب طبرسی «ره» در کتاب شریف احتجاج روایت کرده که: از ناحیه مقدسه بیرون آمد بسوی محمد حمیری.. هر داه خواستید توجه کنید به وسیله ما به سوی خداوند تبارک و تعالی و به سوی ما، پس بگویید چنانکه خدای تعالی فرموده:

«سَلَامٌ عَلَى آلِ يَس، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَ رَبَّنَايَ آيَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَ دِيَانَ دِينِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَ نَاصِرَ حَقِّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ دَلِيلَ إِرَادَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَ تَرْجُمَانَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي أَنَاءِ لَيْلِكَ وَ أَطْرَافِ نَهَارِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَ وَكَّدَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ، وَالْعَلَمُ الْمَصْبُوبُ، وَالْغَوْثُ وَالرَّحْمَةُ
 الْوَاسِعَةُ وَعَدَا غَيْرَ مَكْذُوبٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ،
 السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّيَ وَتَقُتُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
 حِينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَهَلَّلُ وَتُكَبِّرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ
 وَتَسْتَغْفِرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصْبِحُ وَتُمْسِي، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى،
 وَالنَّهَارَ إِذَا تَجَلَّى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُقَدَّمُ
 الْمَأْمُولُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ

أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ
 مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَأَهْلُهُ، وَأَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ
 الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ، وَالْحَسَنَ حُجَّتُهُ، وَالْحُسَيْنَ حُجَّتُهُ، وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتُهُ،
 وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ، وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ، وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرَ حُجَّتُهُ، وَ
 عَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتُهُ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ، وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ، وَ
 الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ، أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ، وَأَنَّ
 رَجَعْتَكُمْ حَقٌّ لَا رَيْبَ فِيهَا، يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ، أَوْ
 كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا، وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ، وَأَنَّ نَاكِرًا وَنَكِيرًا حَقٌّ، وَأَشْهَدُ أَنَّ
 النَّشْرَ حَقٌّ وَالْبَعْثَ حَقٌّ، وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ وَالْمَرْصَادَ حَقٌّ، وَالْمِيزَانَ حَقٌّ وَالْ
 الْحَشْرَ حَقٌّ، وَالْحِسَابَ حَقٌّ وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقٌّ، وَالْوَعْدَ وَالْوَعِيدَ بِهِمَا حَقٌّ،
 يَا مَوْلَايَ شَقِيٌّ مَنْ خَالَفَكَ، وَسَعِدَ مَنْ أَطَاعَكَ، فَاشْهَدْ عَلَيَّ مَا أَشْهَدُكَ عَلَيْهِ،
 وَأَنَا وَلِيُّ لَكَ بَرِيءٌ مِنْ عَدُوِّكَ، فَالْحَقُّ مَا رَضِيْتُمُوهُ، وَالْبَاطِلُ مَا أَسْخَطْتُمُوهُ، وَ
 الْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ، فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ
 لَهُ وَبِرَسُولِهِ وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِكُمْ يَا مَوْلَايَ، أَوْلَاكُمْ وَأَخْرِكُمْ، وَنُصْرَتِي
 مُعَدَّةٌ لَكُمْ، وَمَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ، آمِينَ آمِينَ

و بعد از آن این دعا خوانده شود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

نَبِيِّ رَحْمَتِكَ، وَ كَلِمَةِ نُورِكَ، وَ أَنْ تَمَلَأَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ، وَ صَدْرِي نُورَ الْإِيمَانِ،
 وَ فِكْرِي نُورَ النَّيِّاتِ، وَ عَزْمِي نُورَ الْعِلْمِ، وَ قُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ، وَ لِسَانِي نُورَ
 الصِّدْقِ، وَ دِينِي نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ، وَ بَصَرِي نُورَ الضِّيَاءِ وَ سَمْعِي نُورَ
 الْحِكْمَةِ، وَ مَوَدَّتِي نُورَ الْمُوَالَاةِ لِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، حَتَّى الْقَاكَ وَ قَدْ
 وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَ مِيثَاقِكَ، فَتَغَشِّنِي رَحْمَتَكَ، يَا وَلِيَّ يَا حَمِيدُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
 [مُحَمَّدٍ] حُبَّتِكَ فِي أَرْضِكَ، وَ خَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ، وَ الدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ، وَ الْقَائِمِ
 بِقِسْطِكَ، وَ النَّائِرِ بِأَمْرِكَ، وَ لِيِّ الْمُؤْمِنِينَ وَ بَوَارِ الْكَافِرِينَ، وَ مُجَلِّي الظُّلْمَةَ وَ مُنِيرِ
 الْحَقِّ، وَ النَّاطِقِ بِالْحِكْمَةِ وَ الصِّدْقِ، وَ كَلِمَتِكَ الثَّامَّةِ فِي أَرْضِكَ، الْمُرْتَقِبِ
 الْخَائِفِ وَ الْوَلِيِّ النَّاصِحِ، سَفِينَةَ النَّجَاةِ وَ عِلْمَ الْهُدَى، وَ نُورَ أَبْصَارِ الْوَرَى، وَ
 خَيْرَ مَنْ تَقَمَّصَ وَ ارْتَدَى، وَ مُجَلِّي الْعَمَى، الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا،
 كَمَا مَلَأْتَ ظُلْمًا وَ جَوْرًا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَ ابْنِ أَوْلِيَانِكَ، الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ، وَ أَوْجَبْتَ
 حَقَّهُمْ، وَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا، اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَ انْتَصِرْ بِهِ
 لِدِينِكَ، وَ انصُرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَ أَوْلِيَاءَهُ وَ شِيعَتَهُ وَ انصَارَهُ، وَ اجْعَلْنَا مِنْهُمْ، اللَّهُمَّ
 أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَ طَاغٍ، وَ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَ احْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ
 مِنْ خَلْفِهِ، وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ، وَ احْرُسْهُ وَ امْنَعْهُ مِنْ أَنْ يُوَصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ،
 وَ احْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ آلَ رَسُولِكَ، وَ أَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَ أَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَ انصُرْ
 نَاصِرِيهِ وَ اخْذُلْ خَاذِلِيهِ، وَ اقْصِمْ قَاصِمِيهِ وَ اقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ، وَ اقْتُلْ بِهِ
 الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ جَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ، حَيْثُ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ
 مَغَارِبِهَا، بَرِّهَا وَ بَحْرَهَا، وَ امْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ أَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ انصَارِهِ وَ أَغْوَانِهِ، وَ اتَّبَاعِهِ وَ شِيعَتِهِ، وَ ارْنِي فِي
 آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا يَأْمُلُونَ، وَ فِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ^۱».

۱۵- دعای امام رضا علیه السلام

یونس بن عبد الرحمان گوید: امام رضا علیه السلام می فرمودند: برای امام زمان علیه السلام این گونه دعا کنید:

«اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنِّي وَلِيَّكَ وَخَلِيفَتَكَ وَخُجَّتَكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَ لِسَانَكَ الْمُعْبَّرَ عَنكَ، النَّاطِقَ بِحُكْمَتِكَ، وَ عَيْنَكَ النَّاطِرَةَ بِأَذْنِكَ، وَ شَاهِدَكَ عَلَى عِبَادِكَ، الْجَحْجَاحَ الْمُجَاهِدَ، الْعَائِدَ بِكَ الْعَابِدَ عِنْدَكَ، وَ أَعْدَهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَ بَرَأْتَ وَ أَنْشَأْتَ وَ صَوَّرْتَ، وَ أَحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ، وَ عَن يَمِينِهِ وَ عَن شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ، بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ حَفَظْتَهُ بِهِ، وَ أَحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ آبَاءَهُ أَثَمَّتَكَ، وَ دَعَائِمَ دِينِكَ، وَ اجْعَلْهُ فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيعُ، وَ فِي جِوَارِكَ الَّذِي لَا يُخْفَرُ، وَ فِي مَنَعِكَ وَ عِزِّكَ الَّذِي لَا يُفْهَرُ، وَ آمَنَهُ بِأَمَانِكَ الْوَثِيقَ الَّذِي لَا يُخَذَلُ مِنْ أَمْنَتِهِ بِهِ، وَ اجْعَلْهُ فِي كَنَفِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ مَنْ كَانَ فِيهِ، وَ أَنْصُرْهُ بِنَصْرِكَ الْعَزِيزِ، وَ أَيْدُهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ، وَ قُوَّهُ بِقُوَّتِكَ وَ أَرْدِفْهُ بِمَلَائِكَتِكَ، وَ وَالٍ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادٍ مَنْ عَادَاهُ، وَ أَلْبَسْهُ دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ، وَ حَفِّهِ بِالْمَلَائِكَةِ حَفًّا

اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ، وَ ارْتُقْ بِهِ الْفُتُقَ، وَ أَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ، وَ أَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ، وَ زَيِّنْ بِطَوْلِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ، وَ أَيْدُهُ بِالنَّصْرِ وَ أَنْصُرْهُ بِالرُّغْبِ، وَ قُوَّهُ نَاصِرِيهِ وَ اخْذُلْ خَاذِلِيهِ، وَ دَمِّمْ مَنْ نَصَبَ لَهُ، وَ دَمِّرْ مَنْ غَشَّاهُ، وَ اقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَ عَمَدَةَ دَعَائِمِهِ، وَ اقْصِمْ بِهِ رُءُوسَ الضَّلَالَةِ وَ شَارِعَةَ الْبِدْعِ، وَ مُمِيتَةَ السُّنَّةِ وَ مُقَوِّبَةَ الْبَاطِلِ، وَ ذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ وَ أَبْرِبْ بِهِ الْكَافِرِينَ وَ جَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا، وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا،

حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دِيَارًا وَلَا تَبْقَى لَهُمْ آثَارًا، اللَّهُمَّ طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ، وَ اشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ، وَ اعزِّ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ أَخِي بِهِ سُنَنَ الْمُرْسَلِينَ، وَ دَارِسَ حُكْمِ النَّبِيِّينَ، وَ جَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ، وَ بَدِّلْ مِنْ حُكْمِكَ، حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ وَ عَلَى يَدَيْهِ جَدِيدًا، غَضًا مَحْضًا صَاحِبًا لَا عَوْجَ فِيهِ وَ لَا بَدْعَةَ مَعَهُ، وَ حَتَّى تُنِيرَ بَعْدَلَهُ ظُلْمَ الْجَوْرِ، وَ تُطْفِئَ بِهِ نِيرَانَ الْكُفْرِ، وَ تُوضِحَ بِهِ مَعَاقِدَ الْحَقِّ وَ مَجْهُولَ الْعَدْلِ، فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَ اصْطَفَيْتَهُ عَلَى غَيْبِكَ، وَ عَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَ بَرَأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ وَ طَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ، وَ سَلَّمْتَهُ مِنَ الدَّسِّ

اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَوْمَ حُلُولِ الطَّامَّةِ أَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ ذَنْبًا، وَ لَا أَتَى حُوبًا وَ لَمْ يَرْتَكِبْ مَعْصِيَةً، وَ لَمْ يُضَيِّعْ لَكَ طَاعَةً وَ لَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً، وَ لَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَرِيضَةً وَ لَمْ يُغَيِّرْ لَكَ شَرِيعَةً، وَ أَنَّهُ الْهَادِي الْمُهْتَدِي، الطَّاهِرُ التَّقِيُّ النَّقِيُّ، الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ، اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَ أَهْلِهِ وَ وَكَلَدِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ أُمَّتِهِ، وَ جَمِيعِ رَعِيَّتِهِ، مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ، وَ تَسْرُّ بِهِ نَفْسُهُ، وَ تَجْمَعُ لَهُ مُلْكُ الْمَمْلَكَاتِ كُلِّهَا، قَرِيبَهَا وَ بَعِيدَهَا، وَ عَزِيزَهَا وَ ذَلِيلَهَا، حَتَّى تُجْرِيَ حُكْمَهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ، وَ يَغْلِبَ بِحَقِّهِ [عَلَى] كُلِّ بَاطِلٍ

اللَّهُمَّ اسئَلُكَ بِنَا عَلِيٍّ يَدِيهِ مِنْهَاجِ الْهُدَى، وَ الْمَحَجَّةِ الْعُظْمَى، وَ الطَّرِيقَةِ الْوَسْطَى الَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهَا الْعَالِي وَ يَلْحَقُ بِهَا التَّالِي، وَ قَوَّنَا عَلَى طَاعَتِهِ وَ بَثَّنَا عَلَى مُشَايَعَتِهِ، وَ آمَنَّا عَلَيْنَا بِمُتَابَعَتِهِ وَ اجْعَلْنَا فِي حَزْبِهِ الْقَوَّامِينَ بِأَمْرِهِ، الصَّابِرِينَ مَعَهُ الطَّالِبِينَ رِضَاكَ بِمُنَاصَحَتِهِ، حَتَّى تَحْشُرْنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ مُقَوِّبَةِ سُلْطَانِهِ، اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْ ذَلِكَ لَنَا خَالصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَ شُبُهَةٍ، وَ رِيَاءٍ وَ سُمْعَةٍ، حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ، وَ لَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ، وَ حَتَّى نُحَلِّقَ مَحَلَّةً وَ تَجْعَلَنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ، وَ أَعِزَّنَا مِنَ السَّامَةِ وَ الْكَسَلِ وَ الْفِتْرَةِ، وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْصَرُّ بِهِ لِدِينِكَ، وَ تُعَزُّ بِهِ نَصْرًا وَلِيًّا، وَ لَا تَسْتَبْدِلُ بِنَا غَيْرَنَا، فَإِنَّ اسْتِبْدَالَكَ بِنَا

غَيْرَنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ، وَهُوَ عَلَيْنَا كَثِيرٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وِلَاةِ عَهْدِهِ، وَ الْاِثْمَةَ مِنْ بَعْدِهِ، وَ بَلِّغْهُمْ اَمَالَهِمْ، وَ زِدْ فِي اَجَالِهِمْ، وَ اَعِزَّ نَصْرَهُمْ، وَ تَمِّمْ لَهُمْ مَا اَسْنَدْتَ اِلَيْهِمْ مِنْ اَمْرِكَ لَهُمْ، وَ ثَبَّتْ دَعَائِمَهُمْ، وَ اجْعَلْنَا لَهُمْ اَعْوَانًا وَ عَلَى دِينِكَ اَنْصَارًا، فَاِنَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ وَ خُزَّانُ عِلْمِكَ، وَ اَرْكَانُ تَوْحِيدِكَ وَ دَعَائِمُ دِينِكَ، وَ وِلَاةُ اَمْرِكَ وَ خَالِصَتُكَ مِنْ عِبَادِكَ، وَ صَفْوَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ اَوْلِيَاؤُكَ وَ سَلَالِ اَوْلِيَانِكَ، وَ صَفْوَةُ اَوْلَادِ نَبِيِّكَ، وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

۱۶- دعای معرفت

این دعا فضیلت فراوانی دارد و شایسته است متوسلان و استغاثه کننده گان به ولیعصر علیه السلام در عصر جمعه از فیض آن خود را محروم نسازند.

«اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي نَفْسَكَ، فَاِنَّكَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ اَعْرِفْ رَسُوْلَكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي رَسُوْلَكَ فَاِنَّكَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُوْلَكَ لَمْ اَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي حُجَّتَكَ فَاِنَّكَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي، اللَّهُمَّ لَا تُمَتِّنِي مِتَّةَ جَاهِلِيَّةٍ، وَ لَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنِي، اللَّهُمَّ فَكَمَا هَدَيْتَنِي لَوْلَايَةِ مَنْ فَرَضْتَ عَلَيَّ طَاعَتَهُ، مِنْ وِلَايَةِ وِلَاةِ اَمْرِكَ بَعْدَ رَسُوْلِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ، حَتَّى وَ اٰلِهِ وَ اَمْرِكَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيِّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ، وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ، وَ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا، وَ جَعْفَرًا وَ مُوسَى، وَ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا، وَ عَلِيًّا وَ الْحَسَنَ، وَ الْحَبَّةَ الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِيْنَ

اللَّهُمَّ فَثَبَّتْنِي عَلَى دِينِكَ، وَ اسْتَعْمَلْنِي بِطَاعَتِكَ، وَ لِيْنُ قَلْبِي لِوَلِيِّ اَمْرِكَ، وَ عَافَنِي مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ، وَ ثَبَّتْنِي عَلَى طَاعَةِ وَلِيِّ اَمْرِكَ، الَّذِي سَتَرْتَهُ عَنْ خَلْقِكَ، وَ بِاِذْنِكَ غَابَ عَنْ بَرِيَّتِكَ، وَ اَمْرِكَ يَنْتَظَرُ، وَ اَنْتَ الْعَالَمُ غَيْرُ الْمُعْلَمِ بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيهِ صَلَاحُ اَمْرِ وَلِيِّكَ فِي الْاِذْنِ لَهُ بِاِظْهَارِ اَمْرِهِ، وَ كَشْفِ سِتْرِهِ

فَصَبَّرَنِي عَلَى ذَلِكَ، حَتَّى لَا أَحِبُّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ، وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ، وَلَا كَشْفَ مَا سَتَرْتَ، وَلَا الْبَحْثَ عَمَّا كَتَمْتَ، وَلَا أَنْزَعَكَ فِي تَدْبِيرِكَ، وَلَا أَقُولَ لِمَ وَكَيْفَ وَمَا بَالُ وُلِيِّ الْأَمْرِ، لَا يَظْهَرُ وَقَدْ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ، وَ أَفَوِّضُ أُمُورِي كُلَّهَا إِلَيْكَ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُرِينِي وُلِيَّ أَمْرِكَ ظَاهِرًا، نَافِذَ الْأَمْرِ، مَعَ عِلْمِي بِأَنَّ لَكَ السُّلْطَانَ وَالْقُدْرَةَ وَالْبُرْهَانَ وَالْحُجَّةَ وَالْمَشِيئَةَ وَالْحَوْلَ وَالْقُوَّةَ، فَافْعَلْ ذَلِكَ بِي وَبِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ، حَتَّى نَنْظُرَ إِلَى وُلِيِّ أَمْرِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ ظَاهِرَ الْمَقَالَةِ، وَاضِحَ الدَّلَالَةِ، هَادِيًا مِنَ الضَّلَالَةِ شَافِيًا مِنَ الْجَهَالَةِ، أُبْرِّزُ يَا رَبُّ مُشَاهَدَتَهُ، وَتَبَّتْ قَوَاعِدُهُ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَقْرَأُ عَلَيْهِ بِرُؤْيَيْتِهِ، وَاقْمَنَا بِخِدْمَتِهِ وَتَوْفَّقْنَا عَلَى مَلَّتِهِ، وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ، اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ، وَذَرَاتِ وَبِرَاتِ، وَانْشَأَتِ وَصَوَّرْتَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، [وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ]، بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مِنْ حَفِظَتِهِ بِهِ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ، وَوَصِيَّ رَسُولِكَ عَلَيْهِ وَآلَهُ السَّلَامِ، اللَّهُمَّ وَمُدَّةً فِي عُمُرِهِ، وَزِدْ فِي أَجَلِهِ، وَأَعِزَّهُ عَلَى مَا وَكَلْتَهُ، وَاسْتَرْعَيْتَهُ، وَزِدْ فِي كَرَامَتِكَ لَهُ، فَإِنَّهُ الْهَادِي الْمُهْدِي وَالْقَائِمُ الْمُهْتَدِي، وَالطَّاهِرُ النَّقِيُّ الزَّكِيُّ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الْمَرْضِيُّ، الصَّابِرُ الشَّكُورُ الْمُجْتَهِدُ، اللَّهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطُولِ الْأَمَدِ فِي غَيْبَتِهِ، وَانْقِطَاعِ خَبْرِهِ عَنَّا، وَلَا تُنَسِنَا ذِكْرَهُ، وَانْتِظَارَهُ وَالْإِيمَانَ بِهِ، وَقُوَّةَ الْيَقِينِ فِي ظُهُورِهِ، وَالِدُّعَاءَ لَهُ وَالصَّلَاةَ عَلَيْهِ، حَتَّى لَا يُقْنِطَنَا طُولُ غَيْبَتِهِ مِنْ قِيَامِهِ، وَيَكُونَ يَقِينًا فِي ذَلِكَ كَيْفِينَا فِي قِيَامِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَا جَاءَ بِهِ مِنْ وَحْيِكَ وَتَنْزِيلِكَ، فَقَوِّ قُلُوبَنَا عَلَى الْإِيمَانِ بِهِ، حَتَّى تَسْأَلَكَ بِنَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَاجَ الْهُدَى، وَالْمَحَبَّةَ الْعُظْمَى، وَالطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى، وَقَوِّنَا عَلَى طَاعَتِهِ وَتَبَّتْنَا عَلَى مُتَابَعَتِهِ [مُشَايَعَتِهِ]، وَاجْعَلْنَا فِي حَزْبِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ، وَلَا تَسْلُبْنَا ذَلِكَ فِي حَيَاتِنَا، وَلَا عِنْدَ وَفَاتِنَا، حَتَّى تَتَوَقَّأَنَا وَنَحْنُ عَلَى

ذَلِكَ، لَا شَاكِينَ وَلَا نَاكِثِينَ، وَلَا مُرْتَابِينَ وَلَا مُكَذِّبِينَ، اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ، وَ
 أَيْدَهُ بِالنَّصْرِ، وَ انصُرْ نَاصِرِيهِ وَ اخْذُلْ خَاذِلِيهِ، وَ دَمِّمْ عَلَيَّ مَنْ نَصَبَ لِي وَ
 كَذَّبَ بِهِ، وَ أَظْهِرْ بِهِ الْحَقَّ وَ أَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ، وَ اسْتَنْقِذْ بِهِ عِبَادَكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ
 الذُّلِّ، وَ انْعَشْ بِهِ الْبِلَادَ، وَ اقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ، وَ اقْصِمْ بِهِ رُءُوسَ الضَّلَالَةِ، وَ
 ذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ وَ الْكَافِرِينَ، وَ أَبْرِ بِهِ الْمُنَافِقِينَ وَ النَّاكِثِينَ، وَ جَمِيعَ الْمُخَالَفِينَ
 وَ الْمُلْحِدِينَ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا، وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا، وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا،
 حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دِيَارًا، وَ لَا تُبْقِيَ لَهُمْ آثَارًا، طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ، وَ اشْفِ مِنْهُمْ
 صُدُورَ عِبَادِكَ، وَ جَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ، وَ اصْلَحْ بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ حُكْمِكَ، وَ
 غَيِّرْ مِنْ سُنَّتِكَ، حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ، وَ عَلَيَّ يَدِيهِ غَضًا جَدِيدًا صَحِيحًا، لَا عِوَجَ
 فِيهِ وَ لَا بَدْعَةَ مَعَهُ، حَتَّى تُطْفِئَ بَعْدْلَهُ نِيرَانَ الْكَافِرِينَ، فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي
 اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَ ارْتَضَيْتَهُ لِنَصْرِ دِينِكَ، وَ اصْطَفَيْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَ عَصَمْتَهُ مِنْ
 الذُّنُوبِ، وَ بَرَّاتَهُ مِنَ الْغُيُوبِ، وَ أَطْلَعْتَهُ عَلَى الْغُيُوبِ، وَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَ طَهَّرْتَهُ
 مِنَ الرَّجْسِ، وَ نَقَيْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَيَّ أَبَائِهِ الْأَئِمَّةَ الطَّاهِرِينَ، وَ عَلَيَّ شِيعَتَهُ الْمُتَجَبِّينَ، وَ
 بَلِّغْهُمْ مِنْ آمَالِهِمْ مَا يَأْمُلُونَ، وَ اجْعَلْ ذَلِكَ مَنَّا خَالصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَ شُبْهَةٍ وَ
 رِيَاءٍ وَ سُمْعَةٍ، حَتَّى لَا تُرِيدَ بِهِ غَيْرَكَ، وَ لَا تَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو
 إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا، وَ غَيْبَةَ إِمَامِنَا، وَ شِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا، وَ وَقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا، وَ تَظَاهَرَ
 الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا، وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَ قَلَّةَ عَدَدِنَا، اللَّهُمَّ فَافْرُجْ ذَلِكَ عَنَّا بِفَتْحِ مَنْكَ
 تُعَجِّلُهُ، وَ نَصْرِ مَنْكَ تُعِزُّهُ، وَ إِمَامِ عَدْلٍ تُظْهِرُهُ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ
 أَنْ تَأْذَنَ لَوْلِيِّكَ فِي إِظْهَارِ عَدْلِكَ فِي عِبَادِكَ، وَ قَتْلِ أَعْدَائِكَ فِي بِلَادِكَ، حَتَّى لَا
 تَدَعَ لِلْجَوْرِ يَا رَبُّ دَعَامَةً إِلَّا قَصَمْتَهَا، وَ لَا بَقِيَّةً إِلَّا أَفْنَيْتَهَا، وَ لَا قُوَّةً إِلَّا أَوْهَنْتَهَا،
 وَ لَا رُكْنًا إِلَّا هَدَمْتَهُ، وَ لَا حِدَا إِلَّا فَلَائْتَهُ، وَ لَا سِلَاحًا إِلَّا أَكَلْتَهُ، وَ لَا رَايَةَ إِلَّا
 نَكَّسْتَهَا، وَ لَا شُجَاعًا إِلَّا قَتَلْتَهُ، وَ لَا جَيْشًا إِلَّا خَذَلْتَهُ، وَ ارْمِهِمْ يَا رَبُّ بِحِجْرِكَ

الدَّامِعِ، وَ اضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ الْقَاطِعِ، وَ بِأَسْكَ الَّذِي لَا تَرُدُّهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ، وَ عَذَّبْ أَعْدَاءَكَ وَ أَعْدَاءَ وَلِيِّكَ وَ أَعْدَاءَ رَسُولِكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَ آلِهِ، بِيَدِ وَلِيِّكَ وَ أَيْدِي عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ

اللَّهُمَّ اكْفِ وَلِيِّكَ وَ حُبَّتَكَ فِي أَرْضِكَ هَوْلَ عَدُوِّهِ، وَ كَيْدَ مَنْ أَرَادَهُ، وَ امْكُرْ بِمَنْ مَكَرَ بِهِ، وَ اجْعَلْ دَائِرَةَ السُّوءِ عَلَى مَنْ أَرَادَ بِهِ سُوءًا، وَ اقْطَعْ عَنْهُ مَادَّتَهُمْ، وَ أَرْعِبْ لَهُ قُلُوبَهُمْ وَ زَلْزِلْ أَقْدَامَهُمْ، وَ خُذْهُمْ جَهْرَةً وَ بَغْتَةً، وَ شَدِّدْ عَلَيْهِمْ عَذَابَكَ، وَ أَخْزِهِمْ فِي عِبَادِكَ، وَ أَلْعَنُهُمْ فِي بِلَادِكَ وَ أَسْكِنُهُمْ أَسْفَلَ نَارِكَ، وَ أَحْطِ بِهِمْ أَشَدَّ عَذَابِكَ، وَ أَصْلِبْهُمْ نَارًا، وَ اخْشِ قُبُورَ مَوْتَاهُمْ نَارًا، وَ أَصْلِبْهُمْ حَرَّ نَارِكَ، فَإِنَّهُمْ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ، وَ اتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ، وَ أَضَلُّوا عِبَادَكَ وَ أَخْرَبُوا بِلَادَكَ، اللَّهُمَّ وَ أَحْيِ بِوَلِيِّكَ الْقُرْآنَ، وَ أَرِنَا نُورَةَ سَرْمَدًا لَا لَيْلَ فِيهِ، وَ أَحْيِ بِهِ الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ، وَ اشْفِ بِهِ الصَّدُورَ الْوَعْرَةَ، وَ اجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ الْمُخْتَلِفَةَ عَلَى الْحَقِّ، وَ أقمْ بِهِ الْحُدُودَ الْمَعْطَلَةَ، وَ الْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ حَتَّى لَا يَبْقَى حَقٌّ إِلَّا ظَهَرَ، وَ لَا عَدْلٌ إِلَّا زَهَرَ، وَ اجْعَلْنَا يَا رَبُّ مِنْ أَعْوَانِهِ وَ مَقْوِيَةِ سُلْطَانِهِ، وَ الْمُؤْتَمِرِينَ لِأَمْرِهِ وَ الرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ، وَ الْمُسَلِّمِينَ لِأَحْكَامِهِ، وَ مَمَّنْ لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَى التَّقِيَّةِ مِنْ خَلْقِكَ، وَ أَنْتَ يَا رَبُّ الَّذِي تَكْشِفُ الضَّرَّ، وَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاكَ، وَ تَنْجِي مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ، فَاكْشِفِ الضَّرَّ عَنِّي وَ لِيَّكَ، وَ اجْعَلْهُ خَلِيفَةً فِي أَرْضِكَ كَمَا ضَمَنْتَ لَهُ

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي مِنْ خُصَمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَ لَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَ لَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ وَ الْغَيْظِ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَلِكَ فَأَعِزَّنِي، وَ اسْتَجِيرُ بِكَ فَأَجِرْنِي، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِي بِهِمْ فَائِزًا عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ أ.

به کسانی که منصف هستند

در پایان توصیه‌ام به همه منصفان جهان این است که: دعا‌های رسیده از امامان معصوم علیهم‌السلام را که شیعه معتقد به امامت آنان است، بخوبی مطالعه و تدبر نمایند. مجموعه گران بهای نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و دیگر کتاب‌ها و آثار ارزشمند اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام را بررسی و تامل نمایند.

به سخنان و منطق قوی دانشمندان بزرگ مکتب اهل بیت علیهم‌السلام عنایت فرمایند؛ آیا صحیح است چنین موحدانی را مشرک دانست و با آنان رفتاری ناشایست داشت؟! شیعیان و پیروان اهل بیت علیهم‌السلام، بر اساس آموزه‌های قرآن کریم و امامان معصوم خویش از غلو - تجاوز از حد و مرز - درباره اهل بیت علیهم‌السلام بیزارند. امیر مومنان رفتار و گفتار اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را حد و مرز شریعت و عقیده معرفی می‌کند و می‌فرماید: «نحن النمرقة الوسطی بها يلحق التالی و الیها يرجع الغالی»؛ ما جایگاه میانه و حد وسط هستیم عقب ماندگان باید به ما ملحق شوند و تندروان غلو کننده باید به سوی ما باز گردند.

متهم کردن پیروان اهل بیت علیهم‌السلام به غلو، اندیشه باطلی است که بر اثر ناآگاهی از عقاید آنان و یا مبانی و دلائل آن‌ها پدید آمده است. در قلمرو توحید غالی کسی است که امامان را از مقام عبودیت و بندگی فراتر برده و آن‌ها را خدا و مصدر افعال خدا بینگارد، مثلاً بگوید: آنان خالق زمین و آسمانند (شرک در خالقیت)، یا معتقد باشد که تدبیر نظام آفرینش به دست آن‌ها است و آن‌ها «رازق»، «محیی» و «ممیت» می‌باشند (شرک در تدبیر).

پیروان اهل بیت علیهم‌السلام در تمام مراتب توحید که برخی را یادآور شدیم ذره‌ای از مرز توحید حقیقی تجاوز نکرده، تنها خداوند را خالق و مدبر و مشرع می‌دانند و امامان معصوم را انسان‌های والا مرتبه و برگزیده الهی می‌شمارند.

به عقیده شیعیان اگر در یک مورد خاص و در پرتو دعای آنان تحولی در جهان آفرینش رخ دهد، و یا بیماری شفا پیدا کند، همگی به اذن خدا بوده و شبیه

کارهای حضرت مسیح علیه السلام می باشد.

شفاعت آنان در روز رستاخیز هم به اذن خدا است، و توسل به آنان به خاطر موقعیتی است که آنان نزد خداوند دارند. امامان ما پیوسته از غالیان تبری جسته و آنان را از بساحت خود طرد می کردند.

امام هشتم علیه السلام در یکی از دعاهای خویش، از عقیده غالیان که خلقت جهان و روزی دادن بندگان را به دست امامان می دانستند تبری می جوید.

امام رضا علیه السلام در تبری از اندیشه های باطل، این گونه به درگاه خداوند دعای می کند:

«پروردگارا من از گفتار کسانی که در حق ما مطالبی را می گویند که ما نگفته ایم تبری می جویم، پروردگارا خلقت جهان و روزی بندگان از آن تو است، تو را می پرستیم و از تو کمک می طلبیم. بار الها! تو آفریدگار ما و آفریدگار پدران و فرزندان ما هستی، پروردگارا ربو بیت و الوهیت شایسته تو است، از کسانی که تصور می کنند که ما پروردگار آنها هستیم، و یا می اندیشند که خالق و رازق آنها هستیم، بیزاری می جویم. بار الها ما این سخنان را به آنان نگفته ایم ما را به گفتار آنان مواخذه نفرما!»

امام با این راز و نیاز به انتقاد از آن اندیشه های باطل برخاسته و از کسانی که معتقدند سرپرستی جهان هستی به پیامبر و امامان تفویض شده و آنان از جانب خداوند آفریننده زمین و آسمان، روزی دهنده بندگان و زنده کننده و میراننده آنان در جهان و روز رستاخیز می باشند بیزاری جسته است.

هیچ یک از افراد بشر، هر چند که در مقام بالا قرار داشته باشد، جانشین هیچ یک از واسطه های فیض نمی گردد، بلکه خود او فیض را از همان وسایط می گیرد، اشعه خورشید، ریزش برف و باران و شکفته شدن غنچه ها، همگی تامل کننده زندگی پیامبران و پیشوایان معصوم و اولیای الهی است، هم چنانکه وحی را فرشته به پیامبر می رساند، جان او را ملک الموت می گیرد و از روز نخست

۱. نک: جعفر سبحانی، راهنمای حقیقت، ص ۴۳۲، به نقل از بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۲۴۳.

نگهبانان، برای حفاظت جان او و تکمیل ملکات و فضایل اخلاقی او گمارده می شوند.

بنابراین، افراد بشر حتی انسان‌های کامل از نظام علت و معلولی گیتی بهره مند بوده و هرگز جانشین هیچ یک از وسایط فیض مادی و معنوی نمی گردند، ولی این حقیقت مانع از آن نیست که آنان گاهی بنا بر مصلحت و به دور از هوی و هوس مبدأ کرامات و تصرفاتی در جهان گردند و به اشاره غیبی در جهان خلقت تصرفاتی انجام دهند^۱.

بار الها! به حق محمد و آل محمد از تو می‌خواهیم توفیق معرفت هر چه بیشتر نسبت به ذات مقدس خود و شناخت بندگان شایسته و مقرب درگاه خودت را به ما عنایت فرما؛

پروردگارا! انقلاب اسلامی ما را که ثمره ایمان، تلاش و مجاهدت، ولایت پذیری و استغاثه‌های فراوان بندگان خوب تو به ساحت قدسی حضرت حجت‌الاسلام است، به نهضت جهانی آن حضرت متصل فرما و ما را دشمن شاد مساز؛

خداوندا! ما را لحظه‌ای به خودمان واگذار مفرما و در پیچ و خم زندگی ما را یاری فرما؛

خدایا! به ما عفاف و کفاف عنایت فرما؛

خدایا! ما را از تربیت یافتگان بدست مبارک حجت و از یاوران خاص آن عزیز و محبوب دل‌ها، و از شهیدان در رکابش قرار ده.

خدای را شاکر و سپاسگذارم که توفیقم داد، پس از گذشت چندین سال از تصمیمی که گرفته بودم، این نگاشته را، در غروب روز جمعه، شانزدهم مرداد ماه هزار و سیصد و هشتاد و هشت، مصادف با نیمه شعبان هزار و چهارصد و سی هجری قمری، در مشهد الرضا علیه السلام به پایان برسانم.

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.

۱. نک: همان، ص ۴۲۹-۴۳۳.

فهرست منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

* صحیفه سجادیه

- ۱- آقا تهرانی، مرتضی، سودای روی دوست.
- ۲- اشتهاردی، محمد محمدی، فروغ ولایت.
- ۳- امینی، عبدالحسین، الغدیر، بیروت، دارالکتاب العربی.
- ۴- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، محمد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۵ ق.
- ۵- امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، انتشارات شفق، قم، ۱۳۸۳.
- ۶- ابن قولویه قمی، جعفر، کامل الزیارات، موسسه النشر الاسلامی، نشر الفقاهة.
- ۷- پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان، موسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۷ هـ. ش.
- ۸- جمعی از نویسندگان مجله حوزه، چشم به راه مهدی علیه السلام.
- ۹- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، احمد بن عبد الغفور عطار، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۰۷ ق.
- ۱۰- حافظ شیرازی، دیوان، به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر، انتشارات صفی علیشاه، ۱۳۸۶ هـ. ش.
- ۱۱- حجتی، محمد، یار غائب از نظر، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۰ هـ. ش.

- ۱۲- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۴ ق.
- ۱۳- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، عبد الرحیم ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۱۴- حکیمی، محمد رضا، خورشید مغرب، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
- ۱۵- حویزی، عبد علی، تفسیر نور الثقلین، هاشم رسولی محلاتی، قم، موسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۲ ق.
- ۱۶- خراسانی، شیخ جواد، مهدی منتظر، قم، موسسه انتشاراتی لاهوتی، ۱۳۸۴ ش.
- ۱۷- خمینی، سید روح الله، دیوان، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، بهار ۱۳۷۹.
- ۱۸- دوانی، علی، نواب اربعه سفرای امام زمان، دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی علیه السلام، تابستان ۱۳۸۵.
- ۱۹- راوندی، قطب الدین، الدعوات، مدرسة الامام المهدی علیه السلام، ۱۴۰۷ ق.
- ۲۰- زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، قم، نشر البلاغة، ۱۴۱۵ ق.
- ۲۱- سبحانی، جعفر، راهنمای حقیقت، نشر مشعر، مرداد ۱۳۸۵.
- ۲۲- سید نژاد، سید صادق، عریضه نویسی، انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- ۲۳- صافی گلپایگانی، المنتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، قم، موسسه السیدة المعصومة علیها السلام، ۱۴۲۱ ق.
- ۲۴- صدوق، الامالی، قم، موسسه البعثة، ۱۴۱۷ ق.
- ۲۵- صدوق، معانی الاخبار، علی اکبر غفاری، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱ هـ. ش.
- ۲۶- صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، حسین اعلمی، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ ق.
- ۲۷- صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، علی اکبر غفاری، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۵ ق.
- ۲۸- ضیاء آبادی، سید محمد، توسل، تهران، مرکز چاپ و نشر بنیاد بعثت،

۱۳۸۴ش.

- ۲۹- طاهری خرم آبادی، دعا و توسل، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۵ ش .
- ۳۰- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- ۳۱- طبرسی، ابو علی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ ق.
- ۳۲- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ ق .
- ۳۳- طوسی، محمد بن حسن، الغیبة، قم، موسسه المعارف الاسلامیه.
- ۳۴- قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، انتشارات نور المبین.
- ۳۵- غروی اصفهانی، دیوان، دار الکتب الاسلامیه.
- ۳۶- قزوینی، محمد کاظم، امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور، ترجمه و تحقیق: علی کرمی و محمد حسینی، قم، نشر الهادی، چهارم، ۱۳۸۱ش.
- ۳۷- قاضی نعمان مغربی، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاخیار، محمد حسینی جلالی، النشر الاسلامی .
- ۳۸- قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودة لذوی القربی، دار الاسوه، ۱۴۱۶ ق.
- ۳۹- قیومی، جواد، صحیفه المهدی، موسسه النشر الاسلامی .
- ۴۰- کلینی، الکافی، علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامی، ۱۳۸۸ ق.
- ۴۱- کریمی قمی، حسین، آئینه اسرار، انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- ۴۲- کورانی، علی، معجم احادیث الامام المهدی، قم، موسسه المعارف الاسلامی، ۱۴۱۱ ق.
- ۴۳- لیشی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، حسین حسینی، دار الحدیث، ۱۳۷۶ ش.
- ۴۴- گنجی، حسین، ارتباط معنوی با حضرت مهدی، مسجد مقدس جمکران،

پاییز ۱۳۸۳.

- ۴۵- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
- ۴۶- مجتهدی سیستانی، سید مرتضی، صحیفه مهدیه، نشر الماس، تابستان ۱۳۸۷.
- ۴۷- محمدی زی شهری، میزان الحکمة، دار الحدیث.
- ۴۸- معرفت، محمد هادی، پرتو ولایت، تدوین مجتبی خطاط، موسسه فرهنگی تمهید، زمستان ۱۳۸۴.
- ۴۹- مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، مترجم: محمد باقر ساعدی خراسانی، کتابفروشی اسلامیة.
- ۵۰- مفید، الاختصاص، علی اکبر غفاری، جماعة المدرسین فی الحوزة الاسلامیه.
- ۵۱- مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه.
- ۵۲- موسوی اصفهانی، سید محمد تقی، مکیال المکارم، ترجمه: سید مهدی حائری قزوینی، انتشارات مسجد مقدس جمکران، زمستان ۱۳۸۲.
- ۵۳- نعمانی، محمد بن ابراهیم، کتاب الغیبة، علی اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق.